

اقتصاد

اقتصادی، تحلیلی

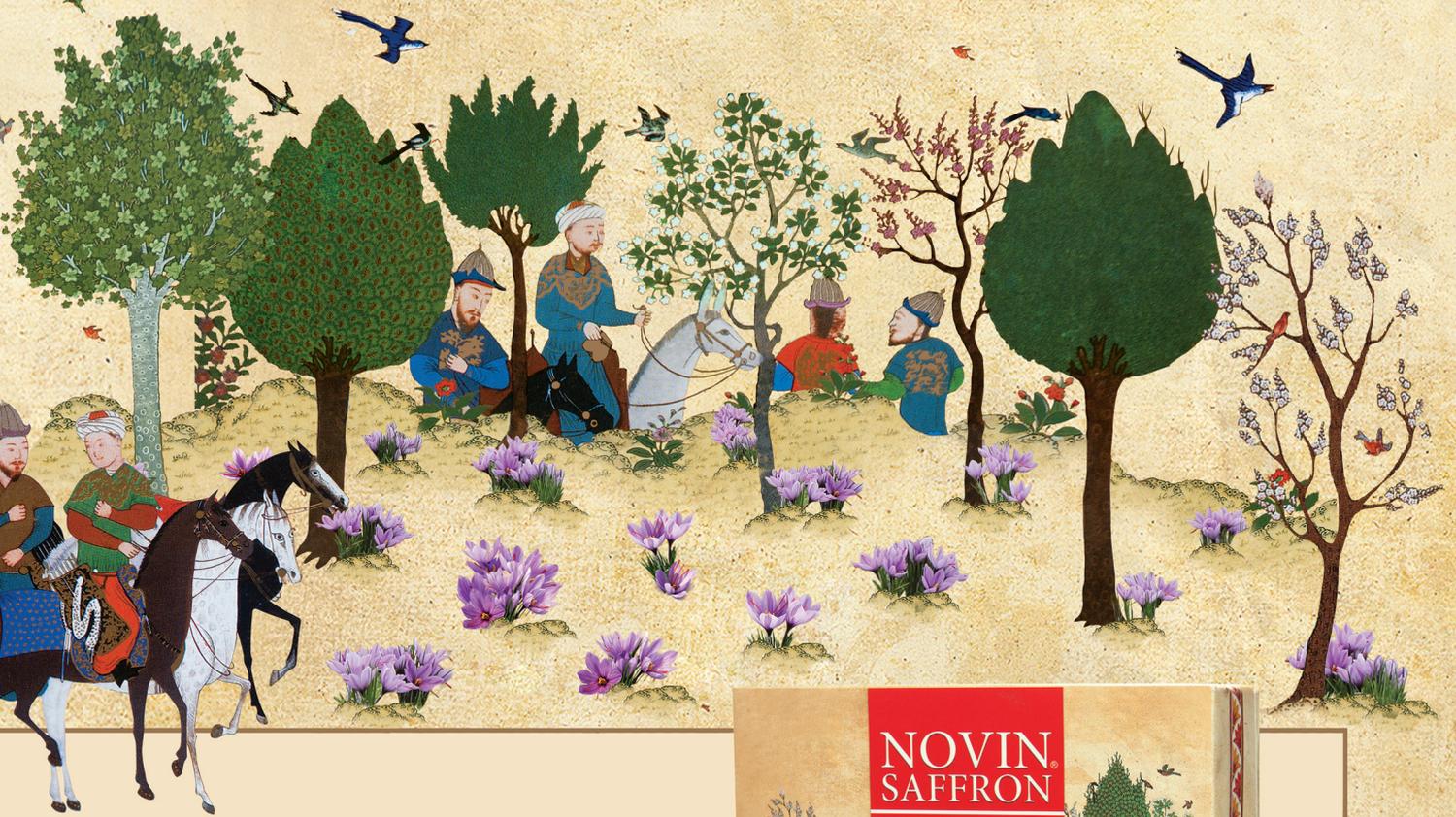
سال سی و دوم - بهمن ماه ۱۴۰۴ قیمت: ۵۰۰۰ تومان

- ◀ آب و آینده
- ◀ لایحه بودجه ۱۴۰۵، دخل از ملت، خرج از دولت!؟
- ◀ تداوم افت ارزش صادرات
- ◀ اقتصاد جهانی سال ۲۰۲۵ در سایه روشن اعداد و ارقام
- ◀ نظم تازه اقتصادی جهان؛ ایران همچنان در میان ۵۰ اقتصاد برتر

2026

چشم انداز اقتصاد ایران در ۲۰۲۶

NOVIN[®] SAFFRON



saffron@novinsafron.com



novinsafranco



09123311700



novinsafranco

کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۳۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب پلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰



۲	یادداشت / چشم انداز اقتصاد ایران در ۲۰۲۶
۳	اقتصاد جهانی سال ۲۰۲۵ در سایه روشن اعداد و ارقام
۱۰	بازیگر اصلی اقتصاد ۲۰۲۶
۱۴	اقتصادهای بزرگ در سال ۲۰۲۶
۱۶	نظم تازه اقتصادی جهان؛ ایران همچنان در میان ۵۰ اقتصاد برتر
۲۰	تجارت با چراغ خاموش
۲۲	رتبه اقتصاد ایران در لیگ منطقه‌ای
۲۴	زنگ خطر برای تولید؛ فاصله گرفتن شامخ صنعت از مرز رونق
۲۸	لایحه بودجه ۱۴۰۵، دخل از ملت، خرج از دولت!؟
۳۰	بازار کار در مدار نزولی؛ زنان بیشترین ضربه را خوردند
۳۳	تداوم افت ارزش صادرات
۳۴	بحران آب زیرزمینی ایران
۳۶	تغییرات اقلیمی و اثر آن بر مشارکت اقتصادی زنان
۳۸	آب و آینده
۴۱	تغییرات الگوی کشاورزی در کشورهای کم بارش

صاحب امتیاز و مدیر مسول:

مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

سردبیر:

مهندس حسین کوه زاد

خبرنگار:

جلیل فروتن

گروه ترجمه:

زهرا پزشکی

ویراستار:

احمد حسین زاده

طراحی: هدی امیر

عکس:

حسین نظامی

واحد بازرگانی:

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

نشانی:

تهران - بزرگراه مدرس شمال -

خیابان دستگردی - پلاک ۲۳۲

طبقه دوم - واحد ۶

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۳۳۲

مشهد - خیابان فلسطین فلسطین ۱

ساختمان سروش

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۲۰۱۱۱

www.eghtesadasia.ir
eghtesadeasia@gmail.com

چشم‌انداز اقتصاد ایران در ۲۰۲۶

حسین کوه‌زاد

اقتصاد ایران در آستانه سال ۲۰۲۶ همچون سال‌های اخیر با دو چالش ساختاری تورم مزمن و رشد اقتصادی پایین دست‌وپنجه نرم می‌کند. آمارها نشان می‌دهد با وجود تلاش‌های پیگیر برای مهار نقدینگی و ساماندهی بودجه، نرخ تورم کماکان در محدوده ۳۰ تا ۴۰ درصد در نوسان است؛ رقمی که به معنای تداوم فشار بر سفره خانوارها و کاهش مستمر قدرت خرید مردم است.

صنعت نفت و گاز علی‌رغم تحریم‌های بین‌المللی، همچنان به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمدی دولت عمل می‌کند، اما همین اتکای شدید بودجه به این بخش، اقتصاد ایران را به شدت در برابر شوک‌های بیرونی آسیب‌پذیر ساخته است. هر نوسان در بازارهای جهانی یا تحولات ژئوپلیتیک، مستقیماً معادلات مالی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سال ۲۰۲۶ را باید سال تداوم سیاست‌های انقباضی در حوزه پولی و مالی دانست. دولت با هدف کاهش کسری بودجه و کنترل رشد نقدینگی، راهبردهای سختگیرانه‌ای را در پیش گرفته است. بانک مرکزی نیز با مداخله در بازار بین‌بانکی و اصلاح نرخ سود سپرده‌ها، تلاش کرده از شتاب تورم بکاهد.

اما آنچه در این میان به عنوان یک مانع ساختاری خودنمایی می‌کند، فقدان اعتماد و شفافیت در سیاست‌های اقتصادی است. بی‌اعتمادی به چشم‌انداز آینده، مهم‌ترین سد در برابر جریان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به شمار می‌رود. در نقطه مقابل، دیجیتالی‌سازی نظام مالی و گسترش پرداخت‌های الکترونیکی به عنوان نقطه‌ای روشن در افق اقتصاد ایران خودنمایی می‌کند؛ روندی که می‌تواند در میان‌مدت به ارتقای بهره‌وری و شفافیت اقتصادی کمک شایانی کند.

تحولات جهانی در سه حوزه انرژی، هوش مصنوعی و فناوری، اقتصاد ایران را هرچند به صورت غیرمستقیم، اما عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است. افزایش قیمت جهانی نفت در ماه‌های پایانی ۲۰۲۵، اگرچه فرصتی محدود برای بازسازی درآمدهای ارزی فراهم آورد، اما تداوم تحریم‌ها مانع از بهره‌برداری کامل کشور از این شرایط مساعد شد.

در همین حال، رشد شتابان اقتصادهای منطقه‌ای به ویژه در خلیج فارس و آسیای میانه، تصویری مقایسه‌ای پیش روی سیاست‌گذاران قرار داده که ضرورت اصلاحات اقتصادی و جذب سرمایه را بیش از پیش آشکار می‌سازد. شکاف رو به گسترش با همسایگان، زنگ خطر را برای آینده رقابت‌پذیری اقتصاد ایران به صدا درآورده است.

برای نیمه دوم دهه ۲۰۲۰، انتظار می‌رود اولویت‌های اقتصاد ایران بر چهار محور اساسی متمرکز شود: اصلاحات ساختاری در نظام بانکی و مالیاتی به عنوان نخستین و مهم‌ترین گام؛ جایی که ناکارآمدی‌ها سال‌هاست منابع را هدر می‌دهد و تخصیص بهینه سرمایه را با اختلال مواجه ساخته است. تنوع‌بخشی به صادرات غیرنفتی که سال‌هاست به عنوان یک آرزو بر زبان جاری است، اما هنوز در عمل سهم نفت از بودجه کاهش نیافته است.

استفاده از ظرفیت‌های اقتصاد دانش‌بنیان و دیجیتالی‌سازی که در سال‌های اخیر با وجود تمام محدودیت‌ها، توانسته بخشی از پویایی از دست‌رفته را به اقتصاد بازگرداند.

و نهایتاً بازسازی اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی که شاید دشوارترین و زمان‌برترین بخش این اصلاحات باشد؛ چراکه بدون آن، هیچ برنامه اقتصادی به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

اگر این اصلاحات به شکل مؤثر و پایدار اجرا شوند، اقتصاد ایران می‌تواند در سال‌های آینده از رکود تورمی مزمن خارج شده و وارد مسیر رشد باثبات‌تری شود. اما تجربه تاریخی نشان داده که فاصله بین شعار و عمل در اقتصاد ایران، همواره بیشتر از آن چیزی بوده که تصور می‌شود.

اقتصاد جهانی سال ۲۰۲۵ در سایه روشن اعداد و ارقام

که در سال ۲۰۲۵ بیشترین اهمیت را داشتند، بیشتر از آشنا کند. تجارت نیوز این مقاله را ترجمه و منتشر کرده و تلاش دارد تا با توسل به نمودارها و اینفوگرافی هافلسفه پشت اعداد ادعایی را بر اساس واقعیت‌های حاکم تبیین کند.

۱۶.۸ درصد، نرخ تعرفه مؤثر متوسط در ایالات متحده

کریستی گلداسمیت رومرو، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای

به باور کارشناسان سال ۲۰۲۵، سالی است که بزرگترین اقتصاد جهان، نرخ‌های تعرفه را به بالاترین سطح در یک قرن گذشته رساند، استفاده از ارزهای دیجیتال در سرتاسر جهان افزایش یافت، بازیگرانی که تحریم‌ها را دور می‌زدند راه‌های جدیدی برای اجتناب از شناسایی دوباره یافتند، بدهی عمومی جهانی بالا رفت و کشورها با درآمد پایین، از مسیر پیشرفت‌هایی که در دهه‌ها به دست آورده بودند، عقب‌نشینی کردند.

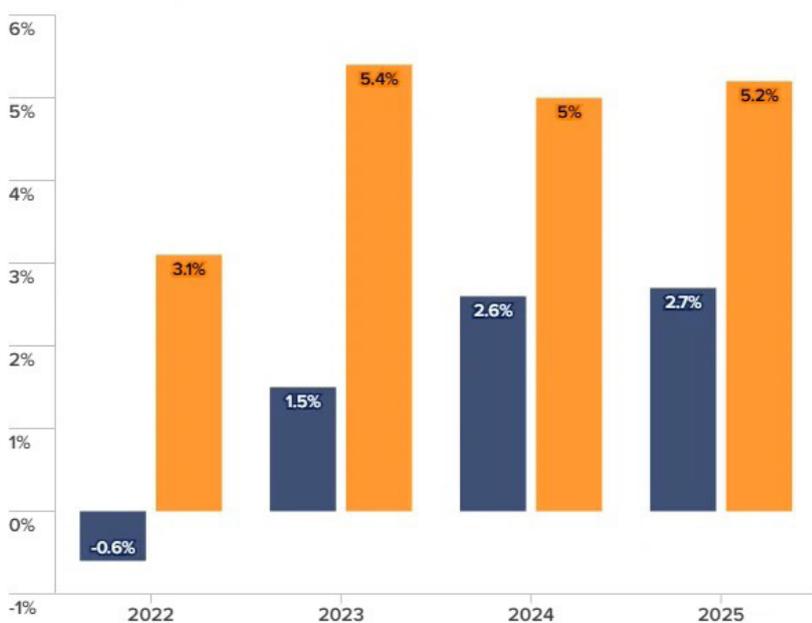
گروهی بر این باورند که اعداد شش و هفت مهم‌ترین اعداد سال ۲۰۲۵ هستند. اما کارشناسان اقتصادی جهانی با این ایده مخالف‌اند. از دیدگاهشان سال ۲۰۲۵، سالی است که بزرگترین اقتصاد جهان، نرخ‌های تعرفه را به بالاترین سطح در یک قرن گذشته رساند، استفاده از ارزهای دیجیتال در سرتاسر جهان افزایش یافت، بازیگرانی که تحریم‌ها را دور می‌زدند راه‌های جدیدی برای اجتناب از شناسایی دوباره یافتند، بدهی عمومی جهانی بالا رفت و کشورها با درآمد پایین، از مسیر پیشرفت‌هایی که در دهه‌ها به دست آورده بودند، عقب‌نشینی کردند.

در همین راستا نشریه آتلانتیک با تدوین گزارشی و استناد به تحلیل گروهی از کارشناسان فعال در این موسسه مطالعاتی تلاش کرده تا مخاطب را با اعداد و داده‌هایی

China's real GDP growth rate
Official and alternative estimates, 2022-25

Atlantic Council
GEOECONOMICS CENTER

Rhodium Group NBS

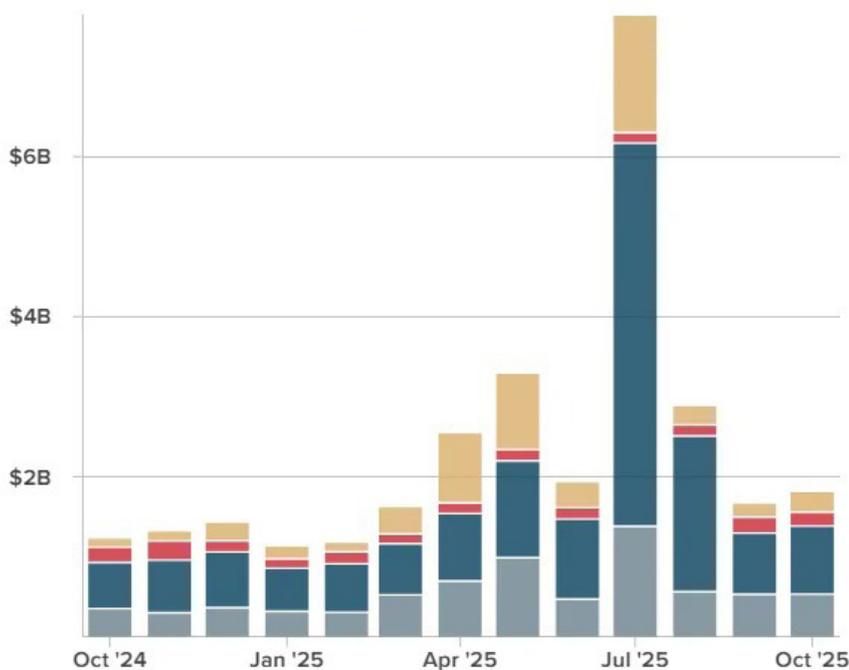


Source: National Bureau of Statistics, Rhodium Group. NBS figure for 2025 is reported year-to-date growth for Q1-Q3.

AI firms in the US stock-pile GPUs from Taiwan

Exports of HS code 847330 (Parts and Accessories for Automatic Data Processing Machines)

Rest of World US China ASEAN



Source: Customs Administration, Ministry of Finance, Taiwan

آتلانتیک بر این باور است که نرخ ۱۶۸ درصد بالاترین نرخ تعرفه‌ای است که مصرف‌کنندگان از سال ۱۹۳۵ تاکنون با آن مواجه بوده‌اند. هزینه تعرفه‌ها به مصرف‌کنندگان تحمیل شده و این مردمان آمریکا هستند که تاثیر رویی‌های تجاری را در هزینه‌های روزمره خود احساس می‌کنند. مرکز مطالعاتی بودجه مستقر در دانشگاه ییل بررسی کرد که نرخ تعرفه موثر ۱۶۸ درصد به معنای ضرری معادل ۱۷۰۰ دلار برای هر خانوار متوسط است.

۸۴۰ میلیارد دلار، تجارت کل ایالات

متحد و مکزی یک در سال ۲۰۲۴

آرل آنتونی وین، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک به اقتصاد ایالات متحده از منظری دیگر پرداخته و در این زمینه مدعی است، در سال ۲۰۲۵، مکزی یک به عنوان بزرگترین شریک تجاری ایالات متحده قلمداد شد و واردات از ایالات متحده به مکزی یک به میزان قابل توجهی افزایش یافت. مکزی یک از سال ۲۰۲۴، زمانی که تجارت دوجانبه به میزان ۸۴۰ میلیارد دلار رسید، بزرگترین صادرکننده به ایالات متحده بود.

۷، تعداد روزهای میان «روز آزادی» و

تعليق تعرفه‌های «معاوضه‌ای» آمریکا

مارتین مولهائین، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک بر این باور است که رویکرد معامله‌محور دولت ترامپ در تجارت در همان روزهای نخست ریاست‌اش به خوبی عریان شد. تعرفه‌های تحمیلی و تهدیدی که دولت در اعلامیه «روز آزادی» در تاریخ ۲ آوریل بر آن متمرکز بود، ابتدا بازارهای جهانی را نگران کرد، اما تنها هفت روز بعد یعنی در تاریخ ۹ آوریل بسیاری از تعرفه‌ها معلق شد.

سپس ایالات متحده با توسل به اهرم مذاکرات دوجانبه و به واسطه هم‌صدایی با اولویت‌های سیاست داخلی و خارجی دولت، به دنبال امتیازگیری بود. موفقیت‌های جزئی به دست آمده از کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی تا بن بست با چین در زمینه مواد

معدنی حیاتی از نتایج این مذاکرات است.

از ۶، تعداد شرکای گروه ۷ که ایالات متحده با آن‌ها قراردادهای تجاری امضا کرده است باربارا سی. متیوز، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک درباره کنش و واکنش‌های اقتصادی و تجاری دولت آمریکا مدعی است، ایالات متحده با تمامی شرکای خود در گروه هفت (G7) به جز کانادا، قراردادهایی امضا کرده است. از این قراردادها، دو قرارداد (توافقنامه با اتحادیه اروپا و ژاپن) شامل تعهدات موازی قابل توجهی از سوی شرکای ایالات متحده است که طبق آن‌ها، مقادیر قابل توجهی گاز طبیعی مایع (LNG) تا سال ۲۰۳۰ خریداری خواهند کرد.

این دو قرارداد تعرفه‌ای و گاز طبیعی مایع این اطمینان را ایجاد می‌کنند که منافع اقتصادی و ژئوپولیتیکی اعضای گروه ۷ در برابر روسیه و چین هم‌راستا باقی بماند. با توجه به اینکه توافقنامه ایالات متحده-مکزی یک-کانادا (USMCA) در سال ۲۰۲۶ بازنگری خواهد شد، طبیعی است که کانادا و مکزی یک در سال ۲۰۲۵ هیچ قرارداد الزام‌آوری با ایالات متحده امضا نکرده‌اند.

۱۷، توافقات تجاری ایالات متحده از «روز آزادی»

ال. دنیل مولانی، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک بر این باور است که به راحتی می‌توان توافقات تجاری آمریکا را به عنوان «چارچوب‌های مبهم» نادیده گرفت، اما دامنه جغرافیایی جهانی و گستردگی محتوایی شان - که شامل موانع مقرراتی، تجارت دیجیتال، و مواد معدنی حیاتی و دیگر متغیرها است - متغیری مهم‌تر از این را نشان می‌دهد. اگر این توافقات را در سطحی کلان لحاظ کنیم، با توجه به جزئیات روزافزون و هم‌گرایی شان، بیشتر شاهد تلاش هماهنگ برای تعیین قواعد جدید بازی از طریق قراردادهای

US bilateral trade agreements in 2025



Grouped by agreement type



Source: White House, Federal Register, Reuters • As of December 5, 2025

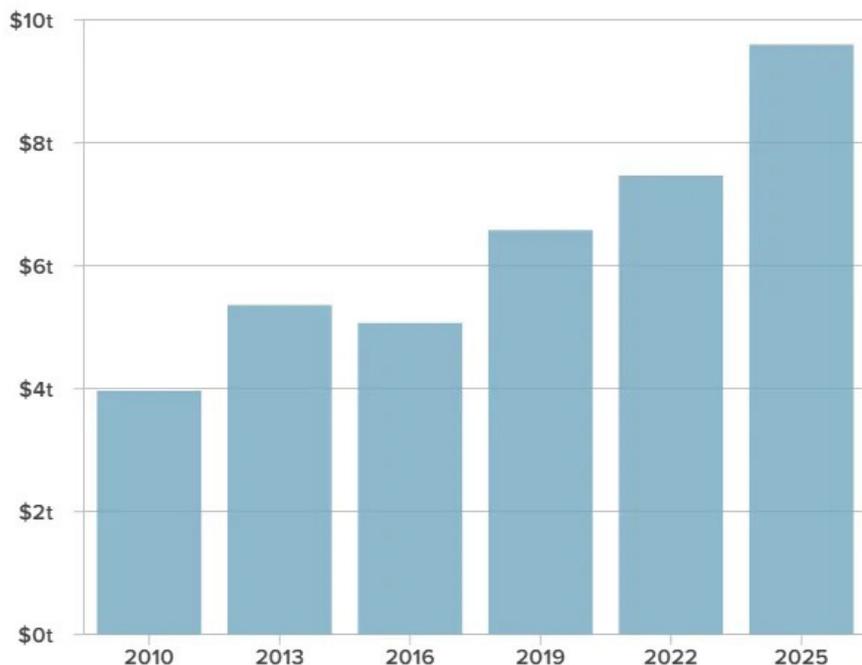
مشارکت غربی را از بین برد.

۳۵ تریلیون دلار، حجم انتقال استیبل کوین ها

Global FX trading surged to an all-time high in April 2025



Average daily currency trading volume (in trillions of dollars)



Source: Bank for International Settlements

دوجانبه هستیم تا معاملات مقطعی و موردی.

۸۸.۲ درصد، نسبت ارزش ناخالص بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی (GDP) در منطقه یورو

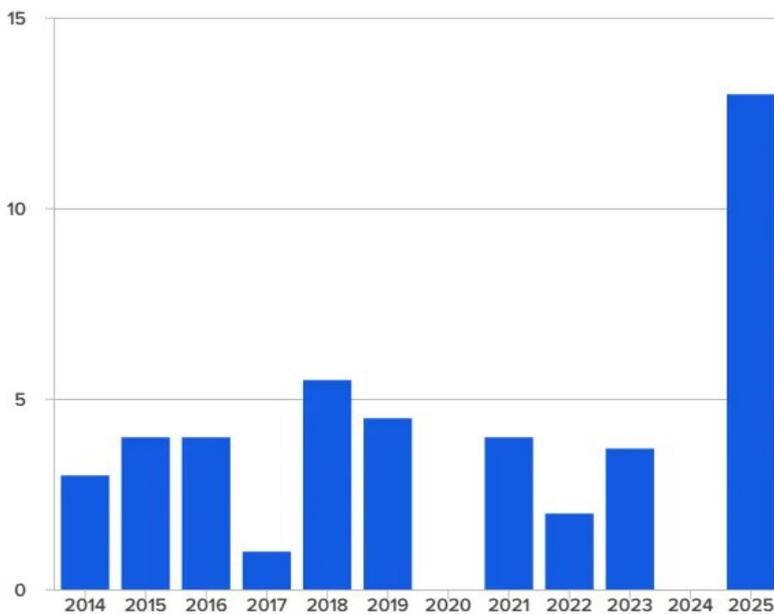
نیشا ناریانان، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک با اشاره به فعل و انفعال های اقتصادی در منطقه یورو تاکید دارد که بین سه ماهه اول و دوم سال مالی ۲۰۲۵، نسبت کل بدهی به تولید ناخالص داخلی (GDP) منطقه یورو از ۸۷.۷ درصد به ۸۸.۲ درصد افزایش یافت. افزایش نسبت کل بدهی عمدتاً به دلیل نرخ های بهره بالا و محدودیت های مالی پایدار بوده است. در حالی که این شاخص ممکن است در مقایسه با افزایش نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی جهانی به میزان ۹۴.۷ درصد در سال ۲۰۲۵ نگران کننده نباشد، اما عوامل زیربنایی و اصول اقتصاد کلان متناقض که موجب افزایش نرخ بدهی شدند، خطرات قابل توجهی برای ثبات مالی منطقه به همراه دارند.

۵، تعداد کشورهای عضو پلتفرم ارز دیجیتال چین

جاش لیبسکی، رئیس اقتصاد بین الملل در شورای آتلانتیک در بررسی اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۵ به فعل و انفعال های اقتصادی سایر کشورها تاکید کرده که چین، هنگ کنگ، تایلند، امارات متحده عربی و عربستان سعودی، کشورها و مناطقی هستند که اکنون جزو پلتفرم پرداخت مبتنی بر بلاک چین بین مرزی و عمده فروشی mBridge قرار دارند که پکن آن را راه اندازی کرده است. از منظر این کارشناس، سال جاری بانک تسویه حساب های بین المللی، که از زمان آغاز پروژه در سال ۲۰۲۰ نظارت بر آن را بر عهده داشت، مجبور شد به دلیل نگرانی ها درباره اهداف چین در مورد سیستم پرداخت، خود را از این پروژه کنار بکشد. این نگرانی ها، که با پیشنهادات مقامات روسی مبنی بر اینکه mBridge می تواند به عنوان پلی برای ارز آینده BRICS استفاده شود، تشدید شد، عملاً امکان هرگونه

Panda bonds issued by foreign governments

Billions of yuan



Source: Bloomberg Finance LLP

کاهش یافته است.

۲۰۲۷ درصد، نرخ آفریقایی‌هایی که در کشورهای بار تبه اعتباری دولتی سرمایه‌گذاری

زندگی می‌کنند

نیکول گولدین، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک و رئیس توسعه عادلانه در مرکز تحقیقات سیاست سازمان ملل متحد در این نوشتار به مقوله‌ای متفاوت اشاره دارد و تاکید کرده که کمتر از ۱۰ درصد از کشورهای مستقر در بازار نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه دارای رتبه اعتباری دولتی سرمایه‌گذاری هستند و تقریباً هفتاد کشور با درآمد پایین هیچ رتبه‌ای ندارند. تنها سه کشور آفریقایی (موریس، بوتسوانا و مراکش) رتبه اعتباری سرمایه‌گذاری دارند.

بر اساس آخرین داده‌های موجود از جمعیت بانک جهانی، این سه کشور تنها ۲.۷۷ درصد از جمعیت قاره آفریقا را تشکیل می‌دهند. به باور گولدین رتبه‌های اعتباری نقش حیاتی در تعیین دسترسی و هزینه سرمایه دارند: کشورهای با رتبه‌های ضعیف‌تر به طور متوسط نرخ‌های بهره‌ای ۲۰ واحد پایه بالاتر می‌پردازند که ۹ برابر بیشتر از کشورهای بار تبه‌های بهتر است.

۲۰۲۵ درصد، رشد پیش‌بینی شده برای تولید ناخالص داخلی چین در سال

دنیل روزن، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک و عضو موسس گروه رودیم تاکید دارد که پکن احتمالاً نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ۲۰۲۵ را نزدیک به ۵ درصدی که برای سال تعیین کرده اعلام خواهد کرد. اما این عدد با شاخص‌های کمکی‌اش، از جمله داده‌های رسمی مثل داده‌های اداره ملی آمار چین (NBS) هم‌خوانی ندارد. برآوردهای به دست آمده، از جمله گزارشی که به زودی گروه رودیم منتشر خواهد کرد، نشان می‌دهد که نرخ رشد نزدیک به ۲.۷ درصد ارزیابی شده است.

۱۳ میلیارد یوان، مجموع ارزش اوراق قرضه پاندا

لیزه د کرویف، دستیار برنامه در ابتکار سیاست اقتصادی مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای

نیکیل راغویرا، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی به ارزش‌های دیجیتال اشاره کرده و نوشته، ارزش بازار استیبل کوین‌ها از ابتدای سال تاکنون از ۲۰۳ میلیارد دلار به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار یعنی تقریباً ۵۰ درصد افزایش یافته است. به باورش استفاده از استیبل کوین‌ها نیز رشد کرده، گزاره‌ای که می‌توان نتیجه‌اش را در افزایش حجم انتقال ارزهای دیجیتال مشاهده کرد، که از ۲۷ تریلیون دلار به ۳۵ تریلیون دلار در سال گذشته رسید.

۲، تعداد تحریم‌های اعمالی دولت ترامپ

علیه روسیه

کیمبرلی داناون، مدیر ابتکار سیاست اقتصادی مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک با لنزی متفاوت کنشگری‌های اقتصادی سال ۲۰۲۵ را رصد کرده و مدعی است، ماه اکتبر، دولت ترامپ دو شرکت نفتی روسی، یعنی روس نفت و لوک‌ویل و همچنین شرکت‌های تابعه آن‌ها را تحریم کرد. این اولین و تنها تحریم‌هایی بود که دولت ترامپ علیه روسیه در این سال اعمال کرد. این میزان تحریم علیه نهادهای روسی بسیار کمتر از صدها تحریمی است که اتحادیه اروپا (EU) و بریتانیا علیه روسیه در سال ۲۰۲۵ اعمال کردند و هزاران تحریمی که ائتلاف گروه هفت (G7) علیه روسیه از زمان حمله تمام‌عیار به اوکراین در ۲۰۲۲ وضع کرده است.

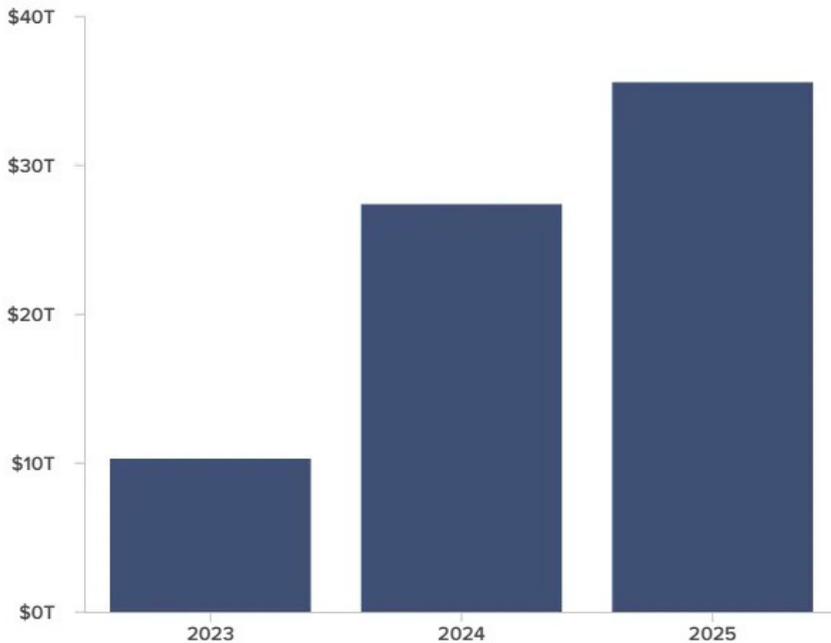
۶۱ درصد کاهش نرخ‌های کلیک

ارگانیک کاربران دروب

جولیا فانتی، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی با استناد به داده‌های خود تاکید دارد که امروزه بیشتر وب‌سایت‌ها تبلیغات را به عنوان منبع اصلی درآمد خود نمایش می‌دهند و به موتورهای جستجو برای جذب کاربران وابسته هستند. اما موتورهای جستجوی مبتنی بر هوش مصنوعی ممکن است شاهد کاهش جذابیت این صنعت چند میلیارد دلاری باشند. تحقیقات -SeerInter-active نشان داد که نرخ کلیک برای نتایج جستجو با پیش‌نمایش‌های هوش مصنوعی از ژوئن ۲۰۲۴ تا سپتامبر ۲۰۲۵، ۶۱ درصد

Stablecoin transfer volume

USD (trillion)



Source: RWA.XYZ

قراردادهایی برای خرید سهام در حداقل شش شرکت دیگر تا پایان سال ۲۰۲۵ به امضارساند.

۳۷ میلیارد دلار، وام‌های جدید تایید شده توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF)

بارت پیاسکی، معاون مدیر در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک تاکید دارد، از ژانویه تا اکتبر ۲۰۲۵، هیات اجرایی صندوق بین‌المللی پول (IMF) توافقات مالی جدیدی برای ده کشور عضو تایید کرد: آرژانتین، السالوادور، کاستاریکا، مراکش، چاد، جمهوری دموکراتیک کنگو، مصر، گامبیا، اردن، و پاکستان. تسهیلات ۲۰ میلیارد دلاری «Extended Fund Facility» که صندوق بین‌المللی پول به آرژانتین اعطا کرد، تدبیری برای کشورهای با چالش‌های عمیق و ساختاری در تراز پرداخت‌ها، نزدیک به ۶۰ درصد از کل ارزش وام‌های تایید شده توسط IMF در این سال را شامل می‌شود.

۶۹۰ میلیارد دلار، حجم تقریبی حواله‌های کارگران مهاجر به کشورهای با درآمد پایین

ومتوسط

هونگ تران، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک با اشاره به رقم ۶۹۰ میلیارد دلار به عنوان حجم تقریبی حواله‌های کارگران مهاجر نوشت، این رقم به مراتب بیش از میزان کمک‌های رسمی توسعه محوری است که در سال ۲۰۲۵ توزیع شده و به طور جهانی در دو سال گذشته ۲۶ درصد کاهش یافته است. حواله‌ها به کشورهای با درآمد پایین و متوسط همچنین بسیار بیشتر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی بوده که به پایین‌ترین سطح خود در دو دهه گذشته کاهش یافته است. با این حال، هزینه ارسال حواله‌ها همچنان زیاد است. دولت‌های کشورهای با درآمد پایین و متوسط باید زیرساخت‌های پرداختی برای کاهش این هزینه‌ها ایجاد کنند و به گیرندگان کمک کنند.

صفر، تراز درآمد خالص ایالات متحده

مارک اولیویه استراوس-کهان، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک نیز تاکید دارد، برای دهه‌ها، تراز درآمد خالص ایالات متحده مثبت بود، زیرا بازده حاصله آمریکایی‌ها از دارایی‌های خارجی بیشتر از بازده دارایی‌های ایالات متحده

آتلانتیک بر این باور است که در سال ۲۰۲۵، دولت‌های خارجی معادل ۱۳ میلیارد یوان اوراق قرضه پاندا صادر کردند (اوراق قرضه با واحد یوان که توسط وام‌گیرندگان خارجی در بازار داخلی چین فروخته می‌شود). این میزان در مقایسه با بازار وسیع اوراق قرضه دلاری محدود باقی خواهد ماند، اما افزایش بدهی‌های دولتی یوان نسبت به سال‌های گذشته همچنان قابل توجه است.

۵۳ درصد، افزایش واردات از کانادا

بث بالتزان پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک نیز درباره اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۵ نوشته، در حالی که توافقات تجارت آزاد اغلب به عنوان ابزاری برای ادغام منطقه‌ای قلمداد می‌شوند، اما قدرت‌شان منوط است به انگیزه‌ای که ایجاد می‌کنند.

افزایش تعرفه‌ها علیه ملت‌های محبوب در دولت ترامپ در سال ۲۰۲۵ که با معافیت‌ها تحت توافقنامه ایالات متحده-مکزیک-کانادا (USMCA) همراه است، ارزش USMCA (توافق آمریکا-کانادا و مکزیک) را برجسته‌تر کرده است. توافقات تجارت آزاد فقط زمانی می‌توانند به طور موثر ادغام منطقه‌ای و تنوع زنجیره تامین را ترویج کنند که تعرفه‌های ملت‌های محبوب به اندازه کافی بالا باشند تا تامین منابع منطقه‌ای از نظر اقتصادی جذاب شود.

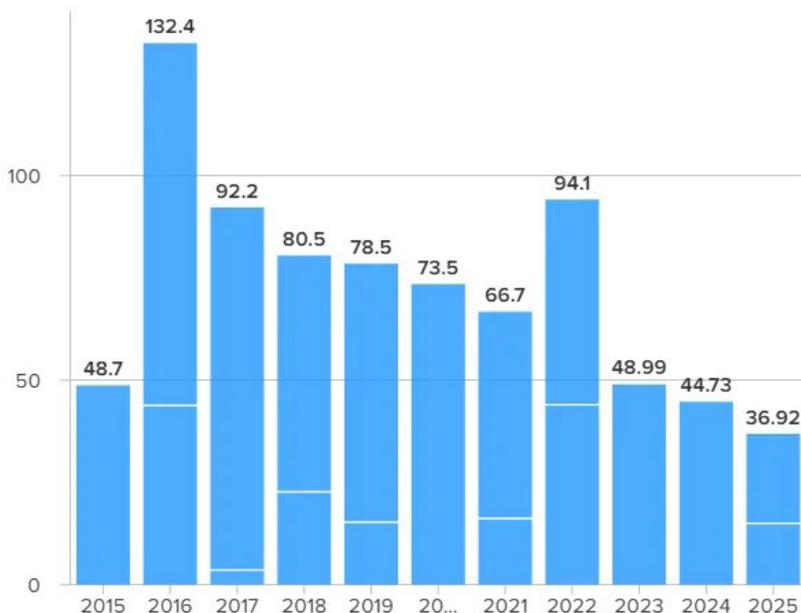
۷، تعداد شرکت‌هایی که دولت ایالات

متحده در آن‌ها سهام است

جسی سوچر، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک نوشته، در سالی که تغییرات چشمگیری در سیاست‌های ایالات متحده در حوزه امنیت اقتصادی مشاهده شد، تصمیم دولت فعلی برای گرفتن سهام در تعدادی از شرکت‌ها به وضوح برجسته بود. این روند از اوایل سال آغاز شد، زمانی که کاخ سفید اعلام کرد که دولت ایالات متحده «سهام طلایی» در شرکت US Steel خریداری کرده تا بررسی امنیت ملی مربوط به خرید این شرکت توسط Nippon Steel را حل و فصل کند. این روند در طول سال ادامه یافت و دولت

Annual value of IMF arrangements is declining

Value of approved IMF arrangements by year (USD)



Source: International Monetary Fund • SDR valued at USD 1.42 as of December 1, 2025.

متحده «قانون وابستگی» را صادر کرد، کنشی که شرکت‌های چینی را هدف قرار داد و محدودیت‌های صادراتی راعلیه وابستگی نهادهایی که در فهرست نهادهای تحت تحریم و فهرست کاربران نظامی قرار دارند، گسترش داد. در تاریخ ۱۰ نوامبر، به واسطه توافق تجاری گسترده‌تر ایالات متحده-چین، وزارت بازرگانی ایالات متحده اجرای این قانون را پس از ۴۲ روز به حالت تعلیق درآورد. با توجه به تحولات بعدی، قانون وابستگی در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۲۶، یک سال پس از تعلیق، دوباره اجرایی خواهد شد.

۳۸. تعداد ماه‌های متوالی که قیمت‌های تولیدکننده چینی کاهش یافته‌اند

جرمی مارک، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک تاکید دارد که اقتصاد کند چین که با تقاضای ضعیف مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاری کم، بحران مسکن طولانی مدت و بدهی‌های عظیم دولت‌های محلی روبرو است به شدت به تولید صنعتی و صادرات برای ایجاد رشد وابسته است. مشکل اینجاست که تولید کارخانه‌ای بی‌وقفه باعث ایجاد ظرفیت اضافی و رقابت شدید برای سهم بازار شده است.

۹۲ درصد، نتیجه پردازش و جداسازی عناصر خاکی نادر تحت کنترل چین

دانیل تانوم، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک بر این باور است که تامین مواد معدنی خاکی نادر در مرکز توجه قرار دارد، منابعی که در بسیاری از کشورهای دنیا وجود دارد. در همین راستا در سال ۲۰۲۵ اوکراین توافق معدنی با ایالات متحده امضا کرد. اما توجه بسیار کمتری به این واقعیت معطوف است که برای پردازش و تصفیه عناصر خاکی نادر، جهان تقریباً به طور کامل به چین وابسته است، چین هم از نظر تسهیلاتی برای حمایت از تصفیه و هم بر تجهیزات مورد نیاز برای پردازش اکسیدهای خاکی نادر به فلزات، آلیاژها و آهنرباها، کنترل کاملی دارد.

۱ درصد، مالیات بر درآمد سالی ایالات متحده در سال ۲۰۲۶

بود که توسط غیرآمریکایی‌ها نگهداری می‌شد. این وضعیت عمدتاً به این دلیل بود که ایالات متحده به عنوان پناهگاه امن دیده می‌شد و دلار نقش مرکزی در اقتصاد جهانی ایفا می‌کند. در سال ۲۰۲۴، این تراز به طور جزئی منفی شد و به -۵۱ میلیارد دلار رسید، این تغییر بازتابی از افول سریع موقعیت سرمایه‌گذاری بین‌المللی ایالات متحده است، چرا که دارایی‌های خارجی ایالات متحده از دارایی‌های آمریکایی‌ها در خارج پیشی گرفت، روندی که در سال ۲۰۲۵ شدت گرفته و کسری را عمیق‌تر کرده است. کسری تراز در سال ۲۰۲۵، پیش از انتشار داده‌های مربوط به سه ماهه چهارم سال مالی، به منفی ۴۶۰ میلیارد دلار رسیده است.

۵. تعداد کشورهایی که مکانیزم‌های جدید برای بررسی سرمایه‌گذاری مرتبط با امنیت ملی معرفی کردند

سارا باورل دانزمن، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک نوشته، در سال ۲۰۲۵، بلغارستان، کرواسی، قبرس، یونان و ایرلند همگی مکانیزم‌های جدید بررسی سرمایه‌گذاری را معرفی کردند. این به این معناست که اکنون یا به زودی تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا یک مکانیزم بررسی سرمایه‌گذاری در حال اجرا دارند که مکمل مکانیزم همکاری بررسی سرمایه‌گذاری در سطح اتحادیه اروپا است. این روند نشان‌دهنده گسترش سریع چنین تدابیری است چهل و چهار کشور از سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، اتحادیه اروپا و گروه بیست (G20) اکنون ابزارهای بررسی رسمی دارند. این روند به احتمال زیاد به تکه‌تکه شدن زنجیره‌های تامین جهانی، مالکیت و فناوری در سال‌های آینده منجر خواهد شد.

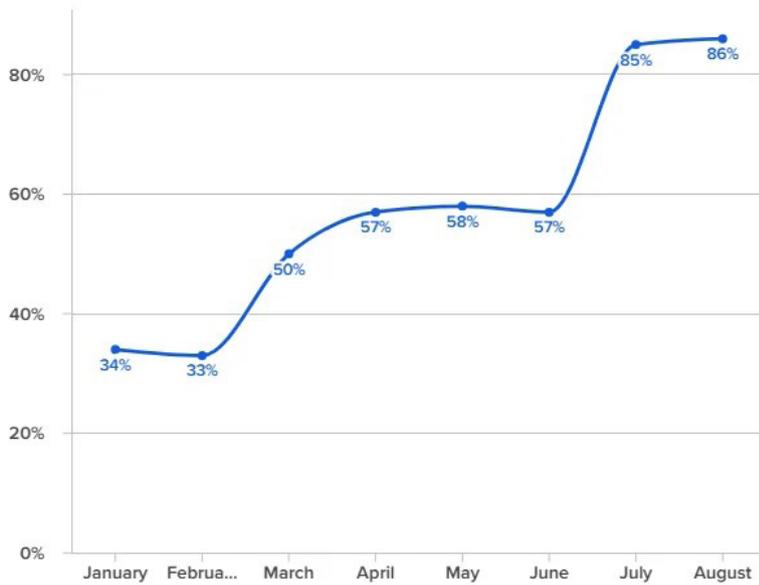
۴۲. تعداد روزهایی که ایالات متحده محدودیت‌های صادراتی «قانون وابستگی» را علیه چین اعمال کرد

آنی فرولیش، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک مدعی است، در تاریخ ۲۹ سپتامبر، اداره صنعت و امنیت وزارت بازرگانی ایالات

Percentage of imports from Canada claiming USMCA status

Atlantic Council
GEOECONOMICS CENTER

By customs values (2025)



Source: United States International Trade Commission Databank, Author's calculations.

به نوشته جسی بین، معاون مدیر در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک ایالات متحده تنها ۴۸۴ میلیارد دلار قطعات و لوازم جانبی ماشین‌های پردازش داده خودکار را در شش ماه اول سال ۲۰۲۵ از تایوان وارد کرده است. پس در ژوئیه چه اتفاقی افتاد؟ افزایش شدید واردات واحدهای پردازش گرافیکی پیشرفته بخش عمده‌ای از این جهش را تشکیل می‌دهد، چرا که شرکت‌های هوش مصنوعی در ایالات متحده برای خرید این مؤلفه حیاتی قبل از اعمال تعرفه ۲۰ درصدی ایالات متحده بر تایوان که در آگوست اجرایی شد، شتاب داشتند.

کمتر از ۱۰ درصد، سهم لایحه‌های کنگره در مورد فناوری‌های نوین که به قانون تبدیل می‌شوند

جی پی اسنپر-کاستراس، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک تاکید دارد که در سال ۲۰۲۵، قانون‌گذاران حجم بی‌سابقه‌ای از قوانین در مورد هوش مصنوعی، ارزش‌های دیجیتال و خودروهایی خودران در سطوح فدرال و ایالتی معرفی کردند، اما تنها بخش کوچکی از آن‌ها به قانون تبدیل شد و بیشتر لوایح به طور عمده به جای سیاست‌های واقعی به عنوان پیام‌های سیاسی رسانه‌ای شدند. نتایج حاصل، اجرای مقررات و تصمیمات اولیه دادگاه‌ها به دست آمده است. در این محیط، تمایز دادن بین سیگنال‌های واقعی و نویز قانونی برای استارت‌آپ‌ها و سیاست‌گذاران دشوار شده است.

۵۲ درصد، رشد سالانه فعالیت‌های ارزش دیجیتال در صحرای بزرگ

طبق گزارش Chainalysis، اوپن‌کانسولا آکین-اولوباده، فعال در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک تاکید دارد که پذیرش ارزش دیجیتال در صحرای بزرگ به طور پیوسته در حال افزایش است، به طوری که فعالیت‌های زنجیره‌ای (on-chain) ۵۲ درصد افزایش یافته و ارزش کل دریافتی از ۲۰۵ میلیارد دلار فراتر رفته است. این منطقه اکنون سومین منطقه با رشد سریع ارزش دیجیتال در جهان است که پس از آمریکای لاتین و منطقه آسیا و اقیانوسیه قرار دارد. برای بسیاری از آفریقایی‌ها، استیبل‌کوین‌ها راهی عملی و قابل اعتماد برای پس‌انداز، انجام پرداخت‌ها و ارسال حواله‌ها در محیطی پر از نوسانات ارزی و محدودیت‌های مالی هستند. تجارت‌نیوز

جولیت لنسی، حرفه‌ای جوان جهانی در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک در این باره نوشت، از سال ۲۰۲۳، هزینه متوسط حواله‌ها ۶.۴ درصد بوده، رقمی که حدود ۱۲ دلار برای یک انتقال ۲۰۰ دلاری است. اما سال جاری، هزینه‌ها حتی بیشتر شد. در ماه ژوئیه، کنگره «قانون یک لایحه بزرگ و زیبا» را تصویب کرد که شامل یک مالیات بر درآمد ۱ درصدی بر تمام حواله‌های نقدی از ایالات متحده است که از اول ژانویه ۲۰۲۶ اعمال خواهد شد.

۲۰ سال، میانگین سن ناوگان در سایه

روسیه

مری کیت آدامی، فعال در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک مدعی است، سن ناوگان در سایه روسیه فقط یک عدد نیست این متغیر قوی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده تصادفات دریایی است. در حالی که تانکرهای نفتی معمولی به طور میانگین سیزده ساله هستند، کشتی‌هایی که نفت خام تحریمی روسیه را جابجا می‌کنند، به طور میانگین بیست ساله‌اند. روسیه به کشتی‌های قدیمی وابسته است که استانداردهای ایمنی را رعایت نمی‌کنند تا نفت خود را منتقل کنند. حتی خرابی‌های جزئی یا برخورد‌ها می‌تواند موجب نشت نفت در مقیاس وسیع شده و تهدیدی برای محیط زیست در آب‌های مشترک ایجاد می‌کند.

۹.۶ تریلیون دلار، میانگین حجم

معاملات روزانه ارزی جهانی

آلیشا چنگانی، معاون مدیر در مرکز اقتصاد جغرافیایی شورای آتلانتیک با استناد به نظرسنجی سه‌ساله BIS تاکید دارد که در سال ۲۰۲۵، معاملات ارزی جهانی به رکورد جدیدی رسید، با حجم معاملات روزانه متوسط حدود ۹.۶ تریلیون دلار در آوریل، که از حدود ۷.۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است.

۴.۷۹ میلیارد دلار، ارزش تجهیزات

پردازش داده‌ای وارده از تایوان به ایالات متحده

بازنگر اصلی اقتصاد ۲۰۲۶

بررسی دیدگاه‌های موسسات معتبر از چشم‌انداز سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که با وجود تنوع سناریوها، دست‌کم ۲۵ محور مشترک وجود دارد. تحلیلگران معتقدند امسال، سال بازتعریف قواعد اقتصادی و سیاسی است و در سال آتی پیامدهای واقعی این تحولات آشکار می‌شود. در این میان، ردپای هوش مصنوعی در بسیاری از چشم‌اندازها دیده می‌شود و انتظار می‌رود تمرکز از توسعه صرف فناوری، به سمت کاربرد عملی تغییر کند. این تغییر می‌تواند با افزایش بهره‌وری نیروی کار منجر به تقویت سودآوری شرکت‌ها شود. برخلاف سال ۲۰۲۵ که سناریوی رکود در کانون هشدار بسیاری از تحلیلگران قرار داشت، اجماع کنونی حاکی از آن است که رکود در سال ۲۰۲۶ از دایره انتظارات خارج شده است. همچنین تعرفه‌ها از این پس جزء ثابت قواعد اقتصاد و تجارت بین‌الملل خواهند بود. اغلب تحلیل‌ها حکایت از پایان دوره نرخ‌های بهره بالا دارد و بانک مرکزی چین، احتمالاً تنها نهادی خواهد بود که به سوی افزایش نرخ‌ها حرکت می‌کند.

بسیاری از تحلیلگران و اقتصاددانان، سال ۲۰۲۵ را «سال بازتعریف اصول» می‌دانند؛ سالی که عادت‌ها، قوانین و مقررات تازه شکل گرفتند. از تلاش بازارها برای سازگاری با نرخ‌های بهره بالا گرفته تا تغییر آرایش ژئوپلیتیک در دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و سیاست‌های تعرفه‌ای، و همچنین گذر هوش مصنوعی از مرحله هیجان به مرحله اجرا، همه نشانه‌های این بازتعریف بزرگ هستند. در این راستا بسیاری معتقدند که سال ۲۰۲۶، سال تثبیت و نمایان شدن پیامدها خواهد بود. اجماع تحلیلگران حاکی از خوش‌بینی محتاطانه‌ای است که با عدم قطعیت همراه شده است. مورگان استنلی از ۲۰۲۶ با عنوان «سال بازتنظیم ریسک» یاد می‌کند. به عبارتی در این دوره تمرکز بازارها از نگرانی‌های کلان اقتصادی به بنیان‌های خرد و عملکرد واقعی شرکت‌ها تغییر شکل داده و شرایط مساعدتری برای دارایی‌های پرریسک فراهم می‌شود. هم‌زمان، فضای سیاست‌گذاری نیز حمایتی و با ترکیبی از محرک‌های مالی، تداوم سیاست‌های پولی انبساطی و مقررات‌زدایی توصیف می‌شود. تحلیلگران این مجموعه را با نام «سه‌گانه سیاستی» شناخته و معتقدند که معمولاً فقط در دوره‌های رکود مشاهده می‌شود.

با این حال، نشریه اکونومیست رویکردی محتاطانه‌تر پیش گرفته و هشدار می‌دهد که ۲۰۲۶ بیش از هر چیز با عدم قطعیت تعریف خواهد شد؛ چرا که بازتعریف هنجارهای ژئوپلیتیک از سوی ترامپ همچنان پیامدهای گسترده‌ای در سطح جهان ایجاد می‌کند. نظمی که پیش از این ماحصل قوانین بین‌المللی بود، بیش از پیش تضعیف شده و مرز میان جنگ و صلح در سایه اقدامات خاکستری، نفوذهای سایبری و رقابت دائمی میان قدرت‌ها، هر روز مبهم‌تر می‌شود. به عبارتی اگرچه دارایی‌های پرریسک ممکن است از این شرایط منتفع شوند، اما جهانی که این بازارها بر بستر آن شکل گرفته‌اند، همچنان پرتنش و مملو از ابهام باقی خواهد ماند. برای سومین سال متوالی هوش مصنوعی نقش پررنگی در پیش‌بینی‌ها دارد، اما روایت آن

نیوشا شایان‌مهر: هر ساله در آستانه آغاز سال نو میلادی، هزاران موسسه پژوهشی و تحلیلگر برجسته از جمله مورگان استنلی، گلدمن ساکس، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، اکونومیست، دلویت، مایکروسافت، گارتنر و ده‌ها نهاد معتبر دیگر، پیش‌بینی‌های خود از تحولات سال پیش‌رو را منتشر کرده و چشم‌انداز اقتصاد، بازارها و فناوری را ترسیم می‌کنند. وب‌سایت Visual Capi- talist با بررسی و تجمیع بیش از ۲ هزار تحلیل و پیش‌بینی منتشر شده برای سال ۲۰۲۶، تلاش کرده تا مهم‌ترین روندهای مشترکی را که در اغلب این گزارش‌ها تکرار شده‌اند، شناسایی و دسته‌بندی کند. با کنار هم قرار دادن این پیش‌بینی‌ها و تمرکز بر نقاط مشترک می‌توان تصویری روشن‌تر از اجماع حاکم بر میان تحلیلگران و مهم‌ترین محورهایی که احتمال تحقق آنها در سال آینده بالاتر است، استخراج کرد.

چشم‌انداز کلی

*تعداد نقاط نشان دهنده میزان اجماع است

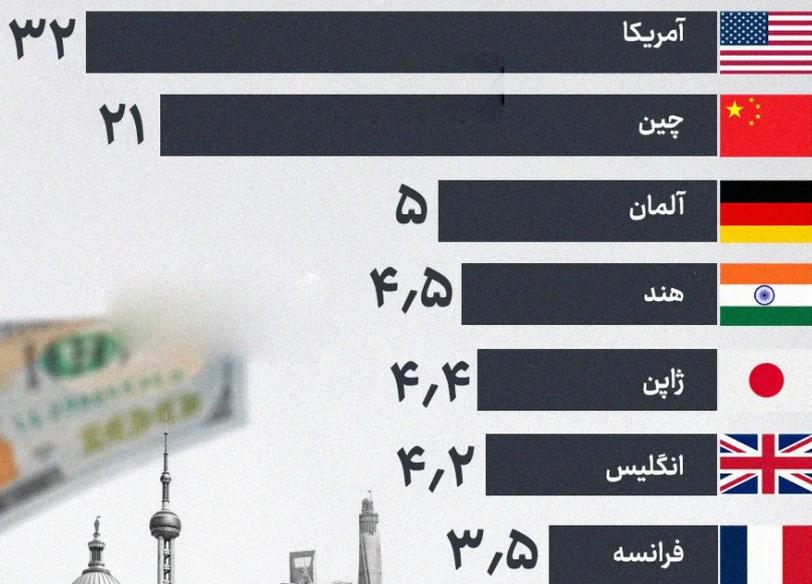
<p>تمرکز چین بر تولید و صادرات</p>	<p>گسترش سرمایه گذاری شرکت ها بر خودکارسازی فرایندها توسط هوش مصنوعی</p>	<p>رشد 3 درصدی تولید ناخالص داخلی جهان</p>	<p>پیشرفت امنیت سایبری مبتنی بر هوش مصنوعی</p>	<p>ظهور ردپای هوش مصنوعی در بهره وری</p>
<p>ترند جدید سرمایه گذاری در صنعت هوا و فضا</p>	<p>مشاغل حرفه‌ای و تخصصی در معرض تهدید هوش مصنوعی</p>	<p>هوش مصنوعی و غول‌های فناوری، محرک اصلی بازار سهام</p>	<p>داروهای دیابت 1-GLP، آغازگر مناظره اخلاقی درباره بهبود انسان</p>	<p>هدف 1.5 درجه سانتی گراد گرمایش زمین کنار گذاشته می شود</p>
<p>افزایش شیب منحنی بازده اوراق خزانه آمریکا *بالاترین سطح از سال 2021</p>	<p>سرعت بخشی به توافق‌های انرژی پاک در مقیاس کلان</p>	<p>S&P 500 در مسیر رشد دو رقمی</p>	<p>ساخت و توسعه مراکز داده، محور اصلی بازارها می شود</p>	<p>تعرفه ها قاعده ثابت اقتصاد می شوند</p>
<p>افزایش نقش استیبل کوین‌ها در جریان اصلی اقتصاد</p>	<p>افزایش بازاریابی و شخصی سازی با هوش مصنوعی</p>	<p>سقوط تدریجی نظم استوار بر قوانین بین المللی</p>	<p>ترکیب سیاست‌های مالی، پولی و مقررات زدایی، محرک رشد بازارها می شوند</p>	<p>افزایش هزینه های دفاعی</p>
<p>پایان دوره ی نرخ های بهره بالا</p>	<p>تداوم رالی صعودی طلا و ثبت رکورد 4 هزار و 500 دلار</p>	<p>افزایش اقدامات تحریک آمیز در مناطق خاکستری *رقبا به شکل غیرمستقیم آمریکا و ناتو را به چالش می کشند.</p>	<p>هند موتور رشد اقتصاد جهان</p>	<p>افزایش بازدهی دارایی های پرریسک</p>

تنها پاسخ دادن به پرسش‌ها عمل کرده و به عنوان همکار انسان‌ها ظاهر شده است. این همکار جدید می تواند توان تخصصی تیم‌ها را چند برابر کند. دلویت پیش بینی می کند که تا پایان سال ۲۰۲۶، حدود ۷۵ درصد از شرکت‌ها ممکن است اقدام به سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی‌هایی کنند که قابلیت اجرای خودکار برخی از عملیات‌ها را دارند. این نوع سامانه‌ها قادرند با حداقل نظارت انسانی برنامه‌ریزی کرده، عمل کنند و خود را با شرایط جدید تطبیق دهند. این دستیار هوشمند قرار است به همکار دیجیتال سازمان‌ها تبدیل شود و به تیم‌های کوچک امکان دهد که فراتر از اندازه واقعی خود عمل کنند. مایکروسافت آینده‌ای را تصویر می کند که در آن یک تیم سه نفره بازاریابی می تواند ظرف چند روز یک کمپین جهانی راه‌اندازی کند. در این فرآیند هوش مصنوعی تحلیل داده‌ها و تولید محتوا را بر عهده داشته و انسان‌ها بر راهبرد و تصمیم‌گیری نظارت می کنند. به عبارتی پس از سال‌ها،

تغییر کرده است. در سال ۲۰۲۴ محور اصلی پیش‌بینی‌ها این بود که آیا هیجان پیرامون هوش مصنوعی توجیه‌پذیر است یا خیر؟ آیا صحبت‌های پیرامون هوش مصنوعی با چاشنی اغراق همراه است؟ در سال ۲۰۲۵ اکثر تحلیل‌ها بر گسترش فراگیر این ابزار متمرکز شدند و حالا در آستانه آغاز سال ۲۰۲۶، محور اصلی پیش‌بینی‌ها، نقش پررنگ هوش مصنوعی در فرایندها است. در صنایع مختلف، هوش مصنوعی فراتر از

بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان در سال ۲۰۲۶

تولید ناخالص داخلی (GDP) - تریلیون دلار



منبع: صندوق بین‌المللی پول

در مواجهه با کسری تقاضای داخلی، بحران مسکن و کندی رشد اقتصادی داخلی، چین به سمت تقویت تولید صنعتی و سلطه بر صادرات حرکت می‌کند. این کشور در تلاش است خود را به‌عنوان شریک قابل اعتمادتر، به‌ویژه در کشورهای جنوب جهانی، معرفی کند و در حالی که ایالات متحده از چندجانبه‌گرایی فاصله می‌گیرد، توافق‌های تجاری جدیدی امضا می‌کند. مورگان استنلی پیش‌بینی می‌کند تولید ناخالص داخلی واقعی چین در سال ۲۰۲۶ حدود ۵ درصد رشد کند که بخشی از آن ناشی از حمایت‌های پیشاپیش دولت است. با این حال، این استراتژی تنش‌های جهانی را نیز به همراه دارد چرا که ظرفیت صنعتی بیش از حد می‌تواند بازارهای جهانی را اشباع کند و احتمال تشدید جنگ‌های تعرفه‌ای افزایش یابد.

تنش‌های فرازمینی

اکنون میست هشدار می‌دهد که روسیه و چین با تحریک منطقه خاکستری در شمال اروپا و دریای چین جنوبی، تعهد آمریکا به متحدان خود را آزمایش خواهند کرد. انتظار می‌رود تنش‌ها در قطب شمال، فضا، کف دریا و فضای سایبری افزایش یابد. این شرایط که کوتاه‌تر از جنگ تمام‌عیار اما فراتر از حالت عادی در دوران صلح است، احتمالاً تسریع خواهد شد و رقابت میان قدرت‌های بزرگ شامل عملیات اطلاعاتی فضایی، فناوری پهپاد و حملات سایبری مبتنی بر هوش مصنوعی خواهد بود. /دنیای اقتصاد

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است که اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۶ حدود ۳,۱ درصد رشد کند. اگرچه این رقم کمتر از میانگین ۳,۷ درصدی پیش از پاندمی کرونا است اما آن قدر کم نیست که نشانه رکود باشد. مورگان استنلی نیز برآوردی مشابه ارائه کرده و رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۶ را ۳,۲ درصد می‌داند. در این میان انتظار می‌رود اقتصادهای پیشرفته تنها ۱,۵ الی ۱,۶ درصد رشد کنند. در مقابل انتظار می‌رود اقتصادهای نوظهور رشدی بیش از ۴ درصد را تجربه کنند. علاوه بر این انتظار می‌رود که تمامی بانک‌های مرکزی بزرگ از جمله فدرال رزرو، بانک مرکزی انگلستان و بانک مرکزی اروپا همگی اقدام به کاهش نرخ‌های بهره کنند. در این میان تنها اقتصاد بزرگ و بهره‌یافته که احتمال افزایش نرخ بهره در آن مطرح است، ژاپن خواهد بود. پیش‌بینی می‌شود بانک مرکزی ژاپن تا دسامبر نرخ بهره را به ۰,۷۵ درصد برساند و سپس نرخ‌ها را در این سطح ثابت نگه دارد.

بازیکن جدید اقتصاد

تعرفه‌ها جزو محدود موضوعاتی هستند که بیشتر تحلیلگران بر آن اجماع دارند. انتظار می‌رود که در سال ۲۰۲۶ تعرفه‌های فعلی پایدار مانده و تغییر ناگهانی در ماهیت این سیستم رخ ندهد. تاکنون تاثیر تعرفه‌ها بر اقتصاد آمریکا ملایم‌تر از آن چیزی بود که بسیاری انتظار داشتند. UBS پیش‌بینی می‌کند که در ابتدای سال ۲۰۲۶ قیمت‌ها در آمریکا تحت فشار تعرفه‌ها قرار گیرند، اما از سه‌ماهه دوم به بعد چشم‌انداز اقتصادی روشن‌تر خواهد شد و رشد اقتصادی گسترده‌تر و تقویت‌شده‌ای به‌همراه خواهد داشت. با این حال، پیامدها صرفاً کوتاه‌مدت نخواهند بود و تغییرات ساختاری عمیقی در جریان است. برای نمونه مسیر تجارت جهانی ممکن است به‌طور دائمی تغییر کند، زنجیره‌های تامین در حال متنوع‌تر شدن هستند و ایالات متحده آشکارا از ابزار تعرفه برای افزایش نفوذ اقتصادی خود بهره می‌گیرد.

چین بر تولید و صادرات متمرکز می‌شود

بر اساس گزارش ماه اکتبر صندوق بین‌المللی پول (IMF)، چشم‌انداز اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۶ با احتیاط و نگرانی همراه است. این نهاد اعلام می‌کند که رشد جهانی در حال کاهش است؛ به‌ویژه به‌دلیل تجزیه اقتصادی، افزایش سیاست‌های حمایتی و محدودکننده (حمایت‌گرایی). همچنین خطرهای قابل‌توجهی در مسیر رشد وجود دارد. از جمله احتمال افت ارزش سهام شرکت‌های فناوری و کاهش استقلال نهادهای تصمیم‌گیر که می‌تواند کیفیت سیاست‌گذاری اقتصادی را تضعیف کند.

تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۲۶ حدود ۲۰/۷ تریلیون دلار برآورد می‌شود که ۳۵ درصد کمتر از آمریکا است اما هنوز سه برابر اقتصاد آلمان محسوب می‌شود.

این گزارش نگاهی سالانه به تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورها دارد و از داده‌های پیش‌بینی‌شده برای سال ۲۰۲۶ در پایگاه «دیتامپِر» صندوق بین‌المللی پول (تا اکتبر ۲۰۲۵) استفاده می‌کند. در این تحلیل، اندازه اقتصاد هر کشور بر اساس ارزش جاری دلار آمریکا محاسبه شده است.

اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۶
۱۲۴
میلیارد دلار

هند با تکیه بر تقاضای داخلی بالا موفق شده در سال ۲۰۲۵ از ژاپن پیشی بگیرد و در سال ۲۰۲۶ جایگاه چهارم خود را به نام خود کند.

در سال ۲۰۲۶، قاره آسیا از آمریکای شمالی پیشی می‌گیرد و به بزرگ‌ترین منطقه اقتصادی جهان تبدیل می‌شود. این برتری به لطف اقتصادهای عظیمی چون چین، ژاپن و هند حاصل شده است.

تولید ناخالص داخلی اسم (میلیارد دلار)

چین

تولید ناخالص داخلی واقعی (میلیون دلار)

آسیا

هند ۴/۵

ژاپن ۴/۵

کره جنوبی ۴/۵

اندونزی ۱/۶

تایوان ۰/۹

سنگاپور ۰/۶

تایلند ۰/۵

فیلیپین ۰/۵

بنگلادش ۰/۵

ویتنام ۰/۵

مالزی ۰/۴

هندونگ ۰/۴

پاکستان ۰/۳

قزاقستان ۰/۳

سایر کشورهای آسیا ۰/۵



اقتصادهای بزرگی

در سال ۲۰۲۶

براساس پیش‌بینی‌ها

پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی آمریکا نسبت به سال گذشته تعدیل نزولی داشته باشد، چرا که جنگ‌های تجاری، بازارهای جهانی را متزلزل کرده و به افزایش قیمت‌ها در بزرگ‌ترین اقتصاد مصر فی

WWW.TEJARATEFARDA.COM

س و ۵ (۳)

احتمالاً سه کشور نخست از نظر تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP per Capita) بدون تغییر باقی بمانند که شامل لوکز امبورگ با ۱۵۴ هزار و ۱۱۵ دلار، ایرلند با ۱۳۵ هزار و ۲۴۷ دلار و سوئیس با ۱۱۸ هزار و ۱۷۳ دلار هستند.

هر سه کشور لوکز امبورگ، ایرلند و سوئیس به واسطه جریان بالای سرمایه‌گذاری‌های خارجی از اقتصادی بزرگ‌تر نسبت به جمعیت خود بهره‌مند هستند.

کشورهای اروپایی نیمی از ۲۰ جایگاه نخست را به خود اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده استاندارد بالای زندگی در این قاره است.

در مقابل، ۱۷ کشور آفریقایی در میان ۲۰ کشور فقیر جهان از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی قرار دارند.



ایالات متحده که در طول ۱۰۰ سال گذشته جایگاه نخست اقتصاد جهانی را حفظ کرده، به‌نظر می‌رسد این روند را برای دهه‌های آینده نیز ادامه دهد.



نظم تازه اقتصادی جهان؛ ایران همچنان در میان ۵۰ اقتصاد برتر

اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۵ وارد مرحله‌ای تازه از تحول شده است؛ مرحله‌ای که در آن ایالات متحده و چین همچنان در صدر بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان قرار دارند، اما نظم اقتصادی از حالت تک‌قطبی به سمت چندقطبی حرکت کرده است. در این میان، ایران نیز توانسته جایگاه خود را در میان ۵۰ اقتصاد برتر جهان حفظ کند و در رتبه ۴۴ قرار گیرد. هر چند رشد اقتصادی کشور محدود و تنها ۰.۶ درصد برآورد شده است، اما همین حضور در جمع اقتصادهای بزرگ جهان نشان‌دهنده ظرفیت‌ها و اهمیت ایران در معادلات اقتصادی بین‌المللی است.

ایالات متحده؛ قدرت اول اقتصادی جهان

ایالات متحده با تولید ناخالص داخلی ۳۰.۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۵، همچنان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است. رشد اقتصادی این کشور حدود ۲ درصد پیش‌بینی شده که اندکی کمتر از میانگین ۲۵ سال گذشته است. با وجود سیاست‌های تجاری حمایتی دولت ترامپ، هزینه‌کرد مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با هوش مصنوعی همچنان محرک اصلی فعالیت اقتصادی آمریکا محسوب می‌شوند.

چین؛ موتور رشد آسیا

چین با تولید ناخالص داخلی ۱۹.۴ تریلیون دلار و رشد ۴.۸ درصدی در جایگاه دوم جهان قرار دارد. از آغاز قرن بیست و یکم تاکنون، اقتصاد چین رشدی معادل ۵۸۶ درصد را تجربه کرده و به بزرگ‌ترین شریک تجاری جهان تبدیل شده است. با وجود افزایش تعرفه‌های آمریکا، چین همچنان نقشی محوری در زنجیره‌های تأمین جهانی ایفا می‌کند، به ویژه در تولید و پالایش مواد معدنی حیاتی.

اروپا؛ حضور پنج اقتصاد در میان ده کشور نخست

آلمان با تولید ناخالص داخلی ۵ تریلیون دلار، سومین اقتصاد بزرگ جهان، اما با رشد بسیار پایین ۰.۲ درصد.

بریتانیا با ۳.۹ تریلیون دلار و رشد ۱.۳ درصدی.

فرانسه با ۳.۳ تریلیون دلار و رشد ۰.۷ درصدی.

ایتالیا با ۲.۵ تریلیون دلار و رشد ۰.۵ درصدی.

اسپانیا با ۱.۸ تریلیون دلار و رشد ۲.۹ درصدی.

این آمار نشان می‌دهد که اقتصادهای اروپایی با وجود حجم بالای تولید، با چالش‌هایی همچون صادرات ضعیف و رشد پایین مواجه هستند.

اقتصادهای نوظهور آسیا

آسیا علاوه بر چین و ژاپن، میزبان اقتصادهای نوظهور دیگری است:

– هند با تولید ناخالص داخلی ۴.۱ تریلیون دلار و رشد چشمگیر ۶.۶ درصدی، پنجمین اقتصاد بزرگ جهان.

– اندونزی با ۱.۴ تریلیون دلار و رشد ۴.۹ درصدی.

– ویتنام با ۴۸۵ میلیارد دلار و رشد ۶.۵ درصدی.

– فیلیپین با ۴۹۴ میلیارد دلار و رشد ۵.۴ درصدی.

ایمن کشورها با جمعیت جوان و سرمایه‌گذاری در صنایع تولیدی و فناوری، به موتورهای جدید رشد اقتصادی جهان تبدیل شده‌اند.

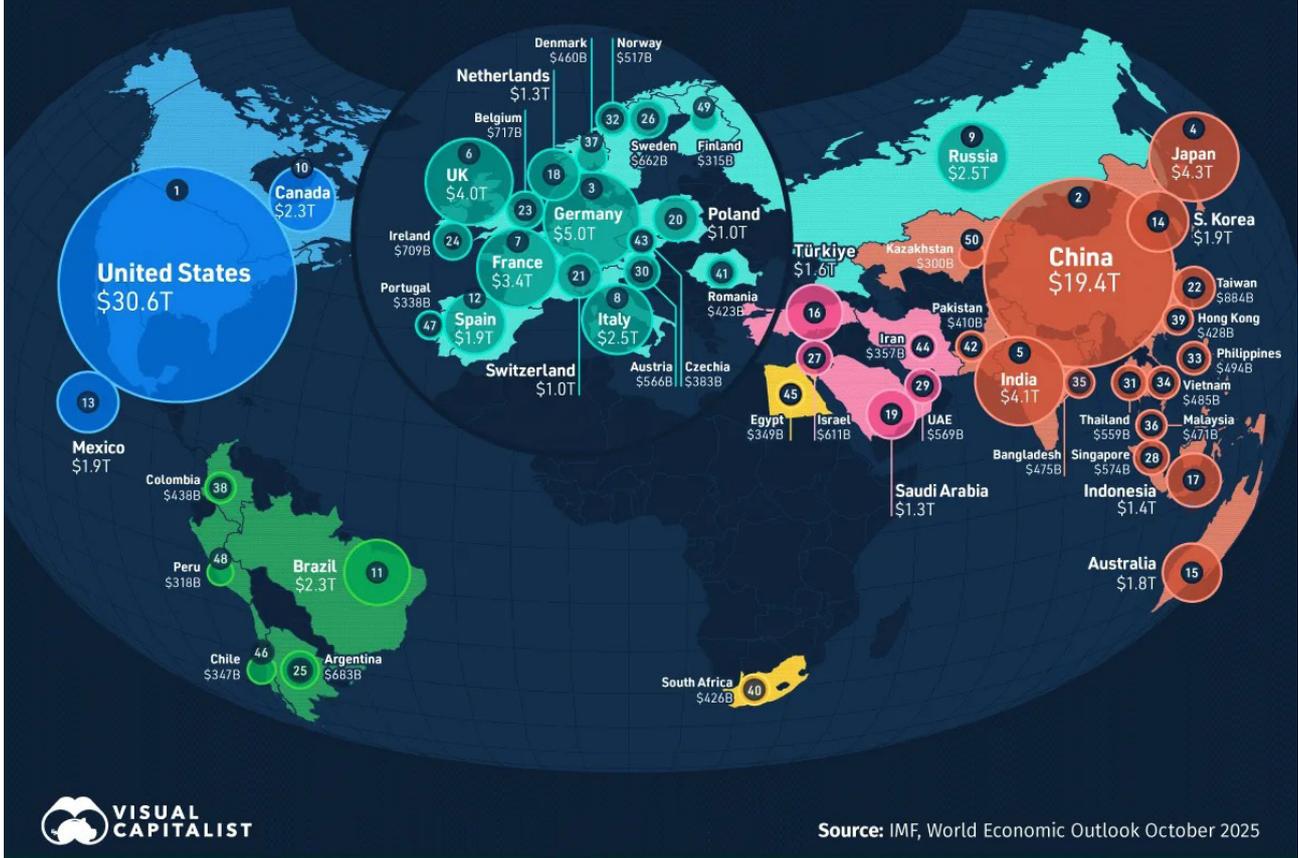
اقتصادهای انرژی محور خاورمیانه

اقتصادهای نفتی منطقه نیز جایگاه مهمی در جدول جهانی دارند:

– عربستان سعودی با تولید ناخالص داخلی ۱.۲۶ تریلیون دلار و رشد ۴ درصدی.

Top 50 Economies

BY GDP IN 2025



VISUAL CAPITALIST

Source: IMF, World Economic Outlook October 2025

۵۰ اقتصاد برتر جهان را بر اساس داده‌های آخرین گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی صندوق بین‌المللی پول (IMF)

رتبه	کشور	تولید ناخالص داخلی ۲۰۲۵ (میلیارد دلار)	رشد واقعی سالانه تولید ناخالص داخلی ۲۰۲۵
1	آمریکا	30,616	2.0%
2	چین	19,399	4.8%
3	آلمان	5,014	0.2%
4	ژاپن	4,280	1.1%
5	هند	4,125	6.6%
6	بریتانیا	3,959	1.3%
7	فرانسه	3,362	0.7%
8	ایتالیا	2,544	0.5%
9	روسیه	2,541	0.6%
10	کانادا	2,284	1.2%
11	برزیل	2,257	2.4%
12	اسپانیا	1,891	2.9%
13	مکزیک	1,863	1.0%

– امارات متحده عربی با ۵۶۹ میلیارد دلار و رشد ۴.۸ درصدی.

این کشورها با تمرکز بر انرژی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مالی و گردشگری، توانسته‌اند جایگاه خود را در میان ۳۰ اقتصاد نخست جهان تثبیت کنند.

آمریکای لاتین و آفریقا

– برزیل با تولید ناخالص داخلی ۲.۲۵ تریلیون دلار و رشد ۲.۴ درصدی، بزرگ‌ترین اقتصاد آمریکای لاتین.

– آرژانتین با ۶۸۳ میلیارد دلار و رشد ۴.۵ درصدی.

– آفریقای جنوبی با ۴۲۶ میلیارد دلار و رشد ۱.۱ درصدی.

– مصر با ۳۴۹ میلیارد دلار و رشد ۴.۳ درصدی.

این کشورها با وجود چالش‌های سیاسی و اجتماعی، همچنان نقش مهمی در زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای ایفا می‌کنند.

ایران در رتبه ۴۴ اقتصادهای جهان

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی

رتبه	کشور	تولید ناخالص داخلی ۲۰۲۵ (میلیارد دلار)	رشد واقعی سالانه تولید ناخالص داخلی ۲۰۲۵
14	کره جنوبی	1,859	0.9%
15	استرالیا	1,830	1.8%
16	ترکیه	1,565	3.5%
17	اندونزی	1,443	4.9%
18	هلند	1,321	1.4%
19	عربستان سعودی	1,269	4.0%
20	لهستان	1,040	3.2%
21	سوئیس	1,003	0.9%
22	تایوان	884	3.7%
23	بلژیک	717	1.1%
24	ایرلند	709	9.1%
25	آرژانتین	683	4.5%
26	سوئد	662	0.7%
27	اسرائیل	611	2.5%
28	سنگاپور	574	2.2%
29	امارات متحده عربی	569	4.8%
30	اتریش	566	0.3%
31	تایلند	559	2.0%
32	نروژ	517	1.2%
33	فیلیپین	494	5.4%
34	ویتنام	485	6.5%
35	بنگلادش	475	3.8%
36	مالزی	471	4.5%
37	دانمارک	460	1.8%
38	کلمبیا	438	2.5%
39	هنگ کنگ	428	2.4%
40	آفریقای جنوبی	426	1.1%
41	رومانی	423	1.0%
42	پاکستان	410	2.7%
43	جمهوری چک	383	2.3%

پول، تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۵ حدود ۳۵۷ میلیارد دلار برآورد شده است. این رقم ایران را بالاتر از کشورهای هم‌چون مصر (۳۴۹ میلیارد دلار) و شیلی (۳۴۷ میلیارد دلار) قرار می‌دهد. جایگاه ایران در میان اقتصادهای برتر جهان، با وجود محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و چالش‌های ساختاری، نشان‌دهنده توان بالقوه کشور در عرصه‌های تولیدی، تجاری و سرمایه‌گذاری است.

رشد اقتصادی محدود؛ دلایل و پیامدها

نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۵ تنها ۰.۶ درصد پیش‌بینی شده است؛ رقمی که در مقایسه با بسیاری از اقتصادهای نوظهور، پایین محسوب می‌شود. این رشد محدود را می‌توان ناشی از چند عامل دانست:

- تحریم‌های بین‌المللی که دسترسی ایران به بازارهای جهانی و سرمایه‌گذاری خارجی را محدود کرده‌اند.

- ساختارهای ناکارآمد اقتصادی و وابستگی بالا به درآمدهای نفتی.

- چالش‌های داخلی همچون تورم مزمن، ضعف نظام بانکی و مشکلات زیرساختی.

با این حال، همین رشد اندک نیز نشان‌دهنده مقاومت و تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر فشارهای خارجی و داخلی است.

مقایسه با اقتصادهای منطقه‌ای

ایران در رتبه ۴۴ قرار دارد، در حالی که عربستان سعودی با تولید ناخالص داخلی ۱.۲۶۹ تریلیون دلار در جایگاه ۱۹ ایستاده است. امارات متحده عربی نیز با ۵۶۹ میلیارد دلار در رتبه ۲۹ قرار دارد. این مقایسه نشان می‌دهد که اقتصاد ایران، با وجود جمعیت و منابع عظیم، هنوز فاصله قابل توجهی با اقتصادهای نفتی منطقه دارد. دلیل اصلی این فاصله، بهره‌برداری ناکافی از ظرفیت‌های انرژی، ضعف در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌هاست.

فرصت‌های پیش‌رو برای ایران

با وجود رشد محدود، ایران ظرفیت‌های

رتبه	کشور	تولید ناخالص داخلی ۲۰۲۵ (میلیارد دلار)	رشد واقعی سالانه تولید ناخالص داخلی ۲۰۲۵
44	ایران	357	0.6%
45	مصر	349	4.3%
46	شیلی	347	2.5%
47	پرتغال	338	1.9%
48	پرو	318	2.9%
49	فنلاند	315	0.5%
50	قزاقستان	300	5.9%

درصد، در رتبه ۴۴ اقتصادهای جهان قرار دارد. این جایگاه هر چند نشان دهنده محدودیت‌ها و چالش‌های جدی کشور است، اما در عین حال ظرفیت‌ها و فرصت‌های بزرگی را نیز آشکار می‌کند. آینده اقتصاد ایران به میزان توانایی در اصلاح ساختارها، جذب سرمایه‌گذاری، بهره‌برداری از منابع انسانی و طبیعی و تعامل سازنده با اقتصاد جهانی وابسته است. اگر این مسیر با جدیت دنبال شود، ایران می‌تواند در سال‌های آینده جایگاه بالاتری در میان اقتصادهای برتر جهان کسب کند.

چالش‌های اصلی

برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها، ایران باید بر چالش‌های جدی غلبه کند:

- اصلاح ساختار اقتصادی: کاهش وابستگی به نفت و تقویت بخش خصوصی.
- بهبود فضای کسب و کار: تسهیل قوانین، کاهش بروکراسی و حمایت از کارآفرینان.
- جذب سرمایه‌گذاری خارجی: ایجاد شرایط پایدار و امن برای سرمایه‌گذاران.
- مدیریت تورم و نقدینگی: کنترل تورم مزمن و اصلاح نظام بانکی.

ایران در چشم‌انداز جهانی

حضور ایران در میان ۵۰ اقتصاد برتر جهان، فرصتی برای بازتعریف جایگاه کشور در نظم اقتصادی چندقطبی است. در حالی که آمریکا و چین همچنان قدرت‌های اصلی اقتصاد جهانی باقی مانده‌اند، کشورهای نوظهور مانند هند، اندونزی و ویتنام بارشد سریع خود در حال تغییر نقشه اقتصاد جهانی هستند. ایران نیز اگر بتواند اصلاحات اقتصادی را به‌طور جدی دنبال کند، می‌تواند جایگاه خود را ارتقا دهد و از رتبه‌های پایین‌تر جدول فاصله بگیرد.

جمع‌بندی

ایران در سال ۲۰۲۵ با تولید ناخالص داخلی ۳۵۷ میلیارد دلار و رشد اقتصادی ۰.۶



تجارت با چراغ خاموش



تحریم‌ها چه بر سر تجارت نفت آوردند؟

تحریم‌ها قرار بود صادرات نفت را برای کشورهای صادرکننده، متوقف کنند اما در عمل باعث تولد یک بازار پنهان شدند؛ حمل و نقل با چراغ خاموش.

خاموش کردن عمدی سیستم شناسایی خودکار کشتی‌ها با هدف پنهان کردن موقعیت، مسیر و سرعت کشتی‌ها صورت می‌گیرد.

اهداف اصلی

۱ صادرات نفت از کشورهای تحریم‌شده

۲ کشتی‌به‌کشتی (STS) در دریا

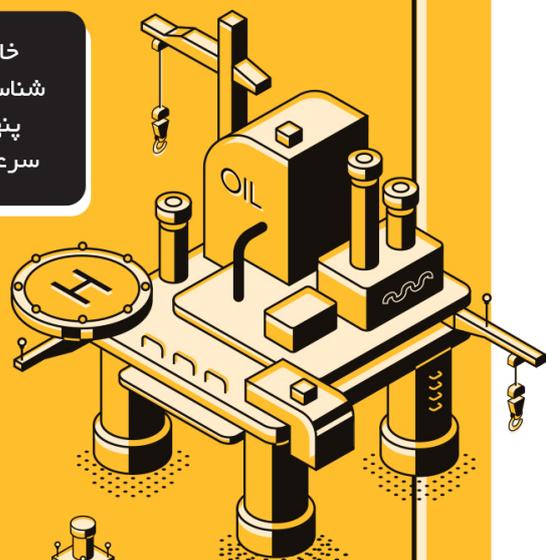
۳ واکنش مستقیم به تحریم‌های نفتی غرب

کشورهای درگیر



بیش از ۷۵ درصد تجارت جهانی نفت خام از مسیر دریا انجام می‌شود که بخش بزرگی از این تجارت در آمار رسمی ثبت نمی‌شود و عملاً از دید نهادهای نظارتی پنهان می‌ماند.

۷۵٪



آثار گسترش ناوگان چراغ خاموش:

۱ تصویر ناقص از بازار نفت

۲ ارزیابی اشتباه اثر تحریم‌ها

۳ واکنش غیرمنتظره قیمت‌ها



حجم صادرات از مسیر تاریک

۳/۹ میلیون تن نفت خام متوسط ماهانه

معادل نیمی از صادرات دریایی نفت خام جهان

اندازه واقعی ناوگان چراغ خاموش:

حدود ۲۵ درصد از کل ناوگان نفتکش‌های حمل نفت خام

۵۵۵

متوسط تعداد کشتی‌های چراغ خاموش طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳

مکانیسم بازار:

۱ تحریم اروپا

۲ کاهش صادرات روس

۳ افزایش صادرات تاریک

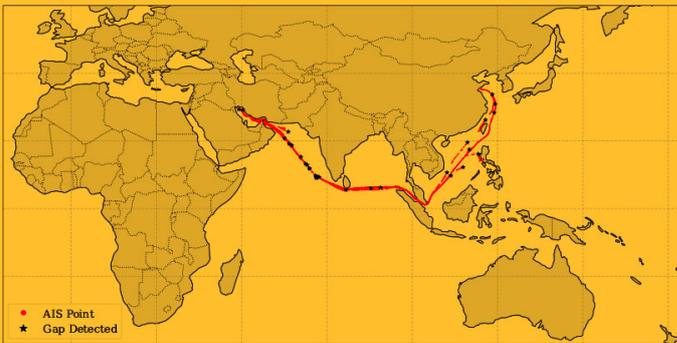
۴ مازاد عرضه و نفت ارزان

۵ کاهش هزینه تولید

۶ انتقال اثر به آمریکا

طریق زنجیره





در نقشه حرکت کشتی روما در سال ۲۰۲۳، نقاط سیاه موارد قطع شدن ارتباط رادیویی کشتی را نشان می‌دهد.



واردکنندگان اصلی (مقصد کشتی‌های چراغ خاموش)



چین

بیش از ۱۱۷ میلیون تن ۱۵ درصد کل نفت حمل‌شده توسط ناوگان تاریک



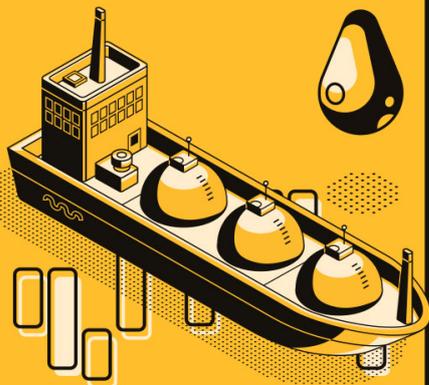
هند



امارات



کره جنوبی



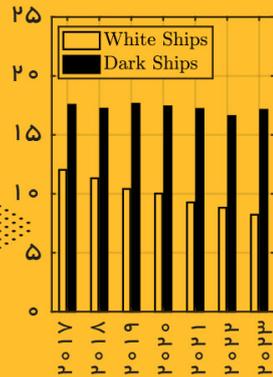
حمل و نقل چراغ خاموش یک پدیده حاشیه‌ای نیست.

این پدیده ساختار بازار جهانی نفت را تغییر داده.

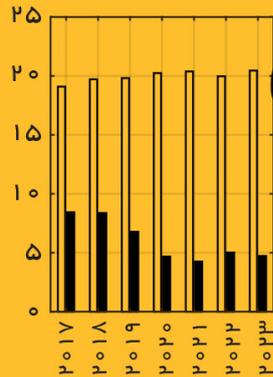
بدون درک مسیرهای پنهان، ارزیابی تحریم‌های نفتی ناقص و گمراه‌کننده است.

حمل و نقل چراغ خاموش اثر تحریم‌ها را بازتوزیع کرده و پیامدهای ناخواسته‌ای برای خود تحریم‌کنندگان ایجاد کرده است.

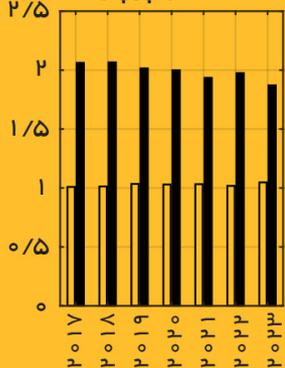
میانگین مقادیر سال‌های استفاده



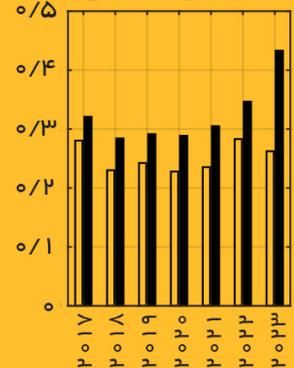
تعداد کشتی‌های متعلق به اپراتور تجاری



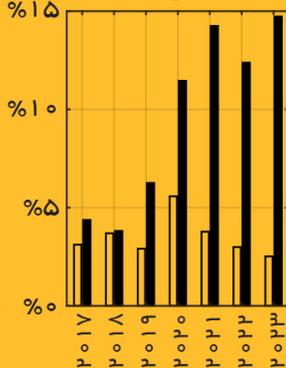
رتبه‌بندی ریسک کشور صاحب پرچم



امتیاز سوئمن به حرکت کشتی



نسبت حرکت بدون توقف



SANCTIONS

۲۰۱۸

خروج آمریکا از برجام

۲۰۲۲

تحریم و سقف قیمتی نفت روسیه

نقاط جهش:



صادرات جهانی نفت ثبت‌شده

لیه روسیه می روسیه یک به چین ان در چین ید در چین تا و اروپا از های ارزش



رتبه اقتصاد ایران در لیگ منطقه‌ای

درآمد سرانه ایران در سال ۲۰۲۴؛ رتبه ۱۳ در بین ۲۰ کشور منطقه

نگاهی به آمار بانک جهانی حقایق تلخی را از تغییر جایگاه اقتصادی کشور در منطقه ما نشان می‌دهد. طبق این آمار در سال ۲۰۲۴ - یعنی سال ۱۴۰۳ - درآمد سرانه ایران بر اساس روش برابری قدرت خرید (ppp) ۱۹.۹ هزار دلار بوده است. این در حالی است که میانگین این شاخص در ۲۰ کشور منطقه ۳۵.۹ هزار دلار بوده است. یعنی متوسط درآمد سالانه هر فرد در ایران بر حسب برابری قدرت خرید بین پول کشورهای مختلف، ۴۵ درصد کمتر از میانگین کشورهای منطقه است. در اینجا منظور از کشورهای منطقه بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله یعنی کشورهای همسایه ایران، خاورمیانه و منطقه قفقاز. طبق آمارها در بین کشورهای منطقه از سال ۲۰۰۵ تا کنون بیشترین درآمد سرانه را قطر داشته که در سال ۲۰۲۴ درآمد آن به بیش از ۱۲۶ هزار رسیده است. امارات، عربستان سعودی، بحرین و کویت در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر در بین این ۲۰ کشور، ایران رتبه سیزدهم را کسب کرده است. این در حالی است که قرار بود در این سال کشور اول منطقه باشیم.

سقوط ۶ رتبه‌ای درآمد ایرانیان نسبت به همسایگان

وقتی همین شاخص را در سال ۲۰۰۵ که مقارن با سال ۱۳۸۴ است، بررسی می‌کنیم مشخص می‌شود که رتبه ایران در شاخص درآمد سرانه در بین کشورهای منطقه نه تنها بهبود نیافته که بدتر شده است. طبق آمار بانک جهانی، کشور ما در این سال در بین این ۲۰ کشور در جایگاه هفتم بوده و بالاتر از ترکیه، ارمنستان، آذربایجان و چند کشور دیگر قرار داشتیم. اما در این بیست سال ۶ رتبه سقوط کرده و به رتبه ۱۳ رسیده‌ایم. البته این به معنای افت درآمد سرانه ما در این سال‌ها نیست. ماجرا وقتی جالب می‌شود که ببینیم اتفاقاً درآمد سرانه ایران نسبت به سال ۲۰۰۵ یعنی بیست سال پیش، ۳۲ درصد رشد کرده است. بنابراین دلیل افت جایگاه ایران در منطقه، رشد پرشتاب بسیاری از کشورهای دیگر است که در مقابل آن‌ها رشد درآمد سرانه کشور ما ناچیز به نظر می‌رسد. برای بررسی این موضوع می‌توان تغییر درآمد سرانه این ۲۰ کشور را در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۰۵ مقایسه کرد.

رشد شتابان اقتصادی کشورهای کوچک منطقه

این بررسی نشان می‌دهد در حالی که درآمد سرانه ایران در این بیست سال ۳۲ درصد افزایش یافته، ۱۰ کشور منطقه رشد بیش از ۱۰۰ درصدی را تجربه کرده‌اند. در این میان گرجستان با رشد ۴۳۶ درصدی شتابان‌ترین حرکت را به سوی رفاه بیشتر و اقتصاد

در چشم‌انداز ۲۰ ساله صحبت از رسیدن به جایگاه اول اقتصادی است. این هدف می‌تواند از جوانب مختلفی بررسی شود، اما یکی از بارزترین نمودهای آن که در سند چشم‌انداز هم به آن اشاره شده، درآمد سرانه است؛ یعنی سهم هر نفر از کل درآمدی که سالانه در کشور از تولید و صادرات و سرمایه‌گذاری و خلاصه تمام فعالیت‌های اقتصادی به دست می‌آید. ۲۰ سال پیش قرار بود سال ۱۴۰۴ جایگاه اول اقتصادی منطقه را داشته باشیم. حالا که زمان به پایان رسیده، نسبت به همسایگانمان کجا قرار داریم؟

این هدفی بود که در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور به ثبت رسیده بود. سندی که سال ۱۳۸۴ تدوین شد و اهداف کلی ۲۰ سال آتی کشور را مشخص کرده بود. حالا که دقیقاً در نقطه پایان این سند ۲۰ ساله قرار داریم، می‌توان گفت این سند رویای بلندپروازانه‌ای بیش نبوده است.

در چشم‌انداز ۲۰ ساله صحبت از رسیدن به جایگاه اول اقتصادی است. این هدف می‌تواند از جوانب مختلفی بررسی شود، اما یکی از بارزترین نمودهای آن که در سند چشم‌انداز هم به آن اشاره شده، درآمد سرانه است؛ یعنی سهم هر نفر از کل درآمدی که سالانه در کشور از تولید و صادرات و سرمایه‌گذاری و خلاصه تمام فعالیت‌های اقتصادی به دست می‌آید.

حالا درآمد سرانه ما به چه سطحی رسیده و سرعت پیشرفت‌مان نسبت به کشورهای منطقه در این دو دهه چقدر بوده است؟

رشد درآمد سرانه کشورهای منطقه در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۰۵



قوی‌تر داشته است. درآمد سرانه این کشور از ۵۲۷۲ دلار در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۲۸ هزار دلار در سال ۲۰۲۴ رسیده است. ارمنستان (۳۴۱ درصد رشد)، ترکیه (۲۸۷ درصد رشد)، ترکمنستان (۲۸۶ درصد رشد)، آذربایجان (۲۶۶ درصد رشد)، قرقیزستان (۲۳۶ درصد رشد)، ازبکستان (۲۲۸ درصد رشد)، تاجیکستان (۲۲۳ درصد رشد)، قزاقستان (۲۰۹ درصد رشد) و مصر (۱۹۱ درصد رشد) کشورهای دیگری بوده‌اند که رشد شتابانی را تجربه کرده‌اند.

بدتر از سال ۱۳۸۴ است.

بنابراین در بهترین و خوش‌بینانه‌ترین ارزیابی می‌توان گفت اقتصاد ما در این ۲۰ سال درجا زده است؛ ۲۰ سالی که بسیاری از کشورهای منطقه از آن برای توسعه اقتصادی و ساخت آینده خود بهره بردند. البته عمده این درجا زدن به علت تحریم‌ها رخ داده است که از ابتدای دهه ۹۰ تاکنون وجود داشته است.

در همین باره:

بازار سرمایه ایران؛ عقب‌نشینی همزمان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی

همچنین پاکستان با ۹۰ درصد رشد، عراق ۵۳ درصد رشد، بحرین و اردن با بیش از ۴۰ درصد رشد و عربستان سعودی با ۳۳ درصد رشد نسبت به ایران حرکت پرشتاب‌تری به سمت افزایش درآمد سرانه رفاه اقتصادی داشته‌اند.

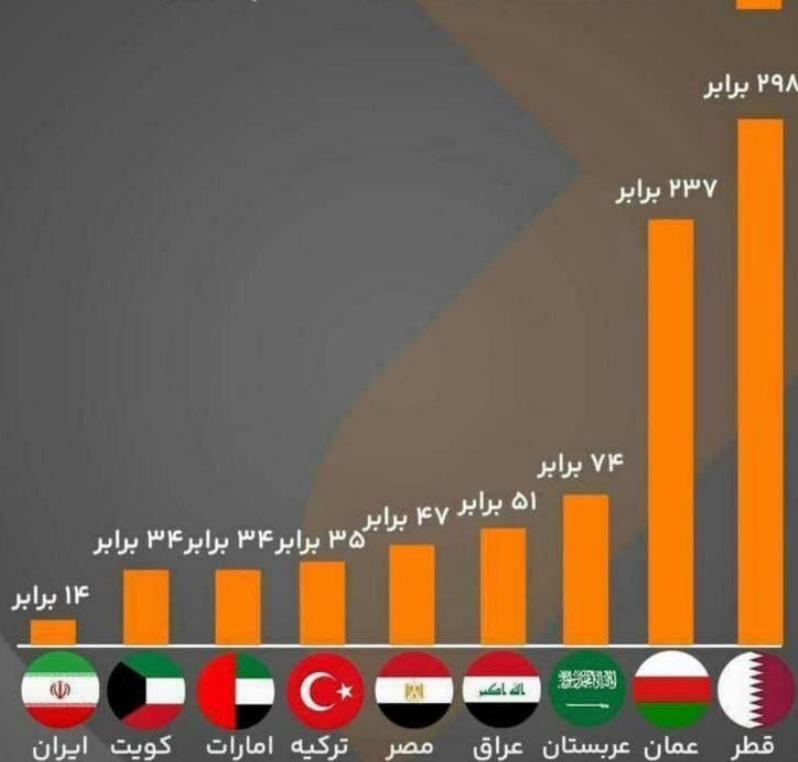
از سوی دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس شامل کویت، امارات، کویت و قطر با وجود سطح بالای درآمد سرانه، از سال ۲۰۱۲ افت زیادی را تجربه کرده‌اند. علت این موضوع عمدتاً به کاهش قیمت نفت در این سال‌ها بر می‌گردد که باعث شد درآمد این کشورها به شدت تحت تاثیر قرار بگیرد. موضوعی که باعث شد رشد درآمد سرانه آن‌ها در انتهای این بازه زمانی ۲۰ ساله منفی و یا بسیار ناچیز باشد. این بررسی نشان می‌دهد در حالی که درآمد سرانه ایران در این بیست سال ۳۲ درصد افزایش یافته، ۱۰ کشور منطقه رشد بیش از ۱۰۰ درصدی را تجربه کرده‌اند. در این میان گرجستان با رشد ۴۳۶ درصدی شتابان‌ترین حرکت را به سوی رفاه بیشتر و اقتصاد قوی‌تر داشته است.

هدفی که دور شد

همه این اعداد می‌گویند اهدافی که سال‌ها قبل تعیین شد، نه تنها محقق نشد بلکه اگر اقتصاد ایران را با کشورهای اطرافمان مقایسه کنیم وضعیت ما حالا حتی شاید

میزان رشد اقتصادی کشورهای منطقه در ۵۰ سال گذشته

اقتصاد های منطقه در ۵۰ سال گذشته چند برابر شده اند؟



منبع: اتاق بازرگانی تهران



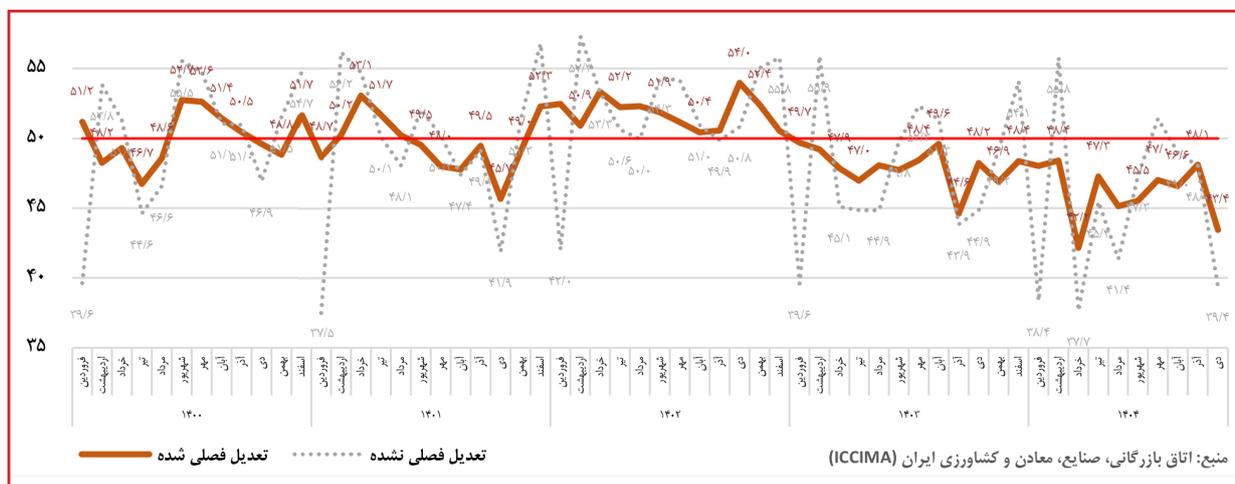
زنگ خطر برای تولید؛ فاصله گرفتن شامخ صنعت از مرز رونق

شناخته می‌شود، در دی ماه ۱۴۰۴ بار دیگر از تداوم فضای رکودی در اقتصاد ایران حکایت دارد. عدد ۴۳.۴ برای شامخ کل اقتصاد، نه تنها بیانگر کاهش فعالیت‌هاست، بلکه کمترین سطح این شاخص از خردادماه تاکنون را نشان می‌دهد. استمرار قرار گرفتن این شاخص زیر محدوده ۵۰ طی ۲۲ ماه متوالی، تصویری از رکودی فرسایشی ارائه می‌کند که به تدریج ابعاد گسترده‌تری از تولید، اشتغال، صادرات و حتی انتظارات فعالان اقتصادی را در بر گرفته است.

رکود ممتد در سایه عدد ۴۳.۴

ثبت شامخ ۴۳.۴ در دی ماه به معنای آن است که بخش عمده‌ای از بنگاه‌های اقتصادی با کاهش فعالیت نسبت به ماه قبل مواجه بوده‌اند. فاصله قابل توجه این عدد از مرز خشتی ۵۰ نشان می‌دهد شدت رکود صرفاً یک نوسان مقطعی نیست، بلکه روندی تثبیت شده و ادامه‌دار است. اینکه این شاخص برای بیست و دومین ماه پیاپی در محدوده انقباضی قرار دارد، بیانگر آن است که اقتصاد کشور وارد دوره‌ای از رکود مزمن شده که خروج از آن نیازمند تغییرات جدی در متغیرهای کلان است. در چنین شرایطی، شامخ به عنوان شاخصی پیش‌نگر می‌تواند هشداردهنده کاهش رشد اقتصادی در ماه‌های آینده باشد. استمرار این وضعیت نه تنها بر تولید اثر می‌گذارد، بلکه بر سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی بنگاه‌ها و تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی نیز سایه می‌اندازد.

نمودار ۱: شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد



جدول ۲: شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت در دو ماه منتهی به دی ۱۴۰۴

تعدیل فصلی شده		تعدیل فصلی نشده		شاخص
دی ۱۴۰۴	آذر ۱۴۰۴	دی ۱۴۰۴	آذر ۱۴۰۴	
۴۳/۰	۴۹/۷	۳۹/۳	۴۷/۵	شامخ کل صنعت
۴۱/۲	۵۰/۱	۳۶/۵	۴۸/۸	مقدار تولید محصولات
۳۹/۰	۵۲/۴	۳۴/۴	۵۰/۶	میزان سفارشات جدید مشتریان
۴۸/۳	۵۲/۸	۴۶/۰	۵۱/۷	سرعت انجام و تحویل سفارش
۴۲/۵	۴۱/۴	۳۹/۲	۳۵/۳	موجودی مواد اولیه خریداری شده
۴۷/۳	۴۶/۸	۴۵/۳	۴۴/۳	میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی
۷۷/۶	۷۸/۳	۹۰/۸	۹۱/۱	قیمت خرید مواد اولیه
۴۸/۶	۴۳/۵	۴۹/۲	۴۴/۵	موجودی محصول نهایی در انبار
۴۱/۳	۴۵/۲	۳۹/۸	۴۴/۷	میزان صادرات کالا
۶۰/۵	۵۶/۶	۷۶/۰	۶۸/۴	قیمت محصولات تولید شده
۵۰/۳	۵۴/۵	۵۱/۶	۵۸/۳	مصرف حامل‌های انرژی
۳۸/۵	۴۷/۹	۳۳/۴	۴۶/۴	میزان فروش محصولات
۴۱/۰	۵۰/۴	۴۲/۰	۴۷/۸	انتظارات تولید در ماه آینده

ماخذ: مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران آذر و دی ۱۴۰۴

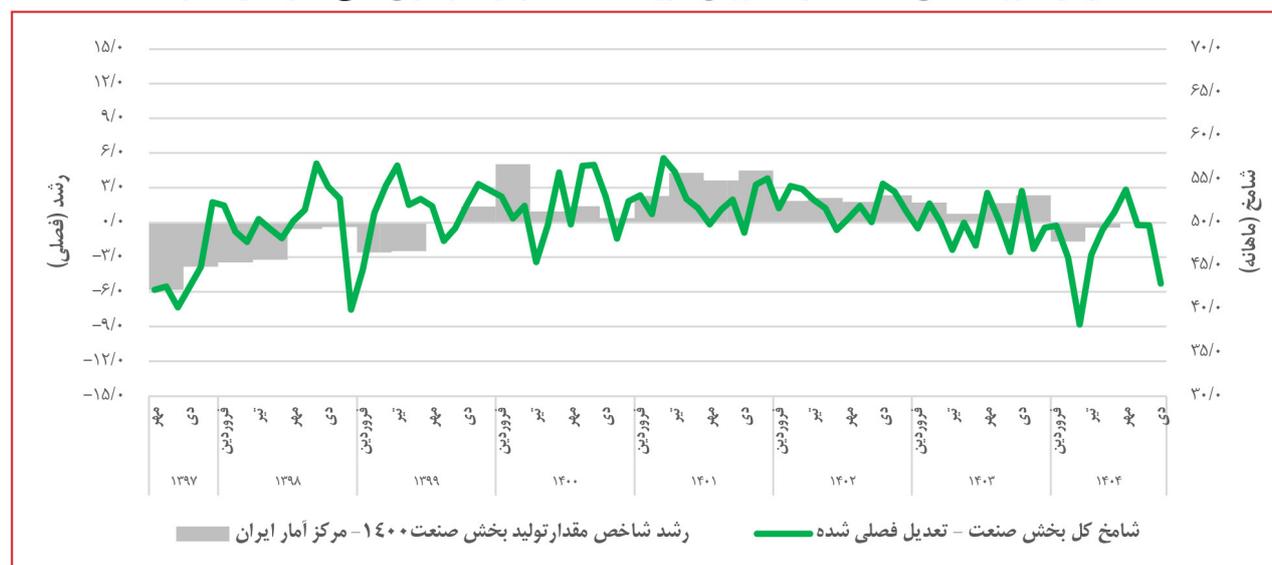
پنج‌ماهه رسیده و همچنان زیر محدوده خنثی باقی مانده است. تداوم ۲۲ ماهه این شاخص در وضعیت انقباضی، نشان می‌دهد بنگاه‌ها با افت مداوم در حجم فعالیت روبه‌رو هستند. همزمان، شاخص سفارش‌های جدید مشتریان کمترین مقدار ۷۰ ماهه خود را از فروردین ۱۳۹۹ ثبت کرده که یکی از نگران‌کننده‌ترین ارقام این گزارش به‌شمار می‌رود. کاهش سفارش‌های جدید به این معناست که موتور تقاضا در اقتصاد به‌شدت تضعیف شده است. وقتی بنگاه‌ها با افت تقاضا مواجه می‌شوند، ناگزیر تولید را کاهش می‌دهند و این چرخه به افت درآمد، کاهش سرمایه‌گذاری و تعمیق رکود منجر می‌شود. ثبت چنین کف تاریخی در سفارش‌های جدید، هشدار جدی درباره چشم‌انداز کوتاه‌مدت فعالیت‌های اقتصادی به حساب می‌آید.

کاهش مستمر فعالیت‌ها در بازه‌ای نزدیک به دو سال، بیانگر آن است که رکود از حالت مقطعی عبور کرده و به ساختار اقتصاد نفوذ کرده است.

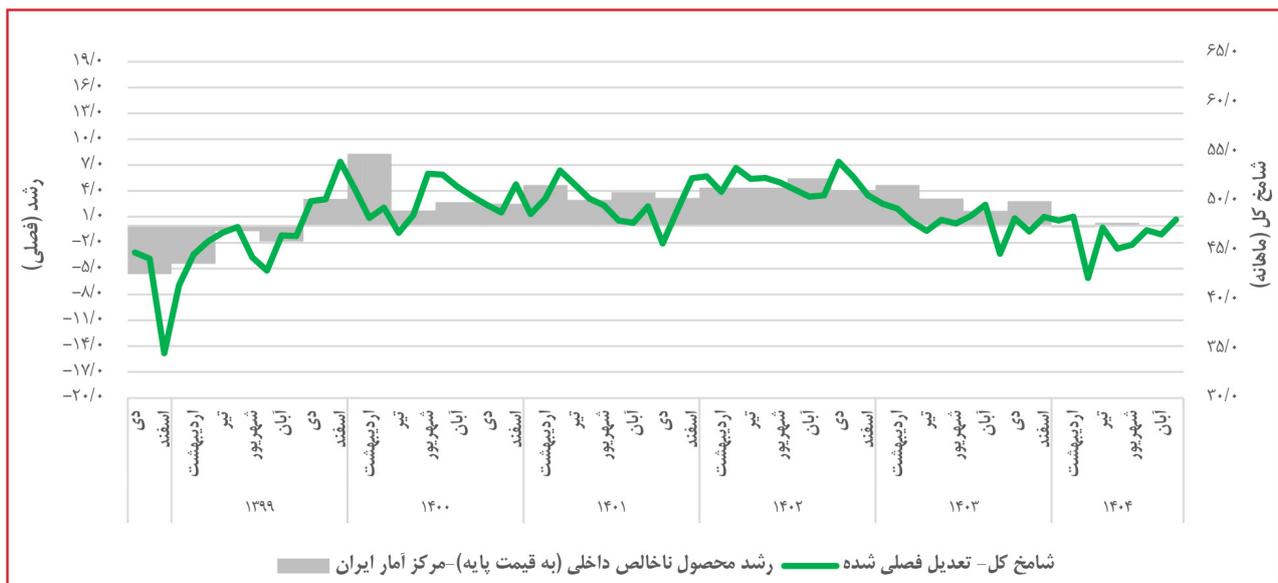
سقوط تولید و سفارش‌های جدید به کف‌های تاریخی

شاخص مقدار تولید محصول یا ارائه خدمات در دی‌ماه به کمترین سطح

نمودار ۶: روند شامخ صنعت با رشد ارزش افزوده صنعت (مرکز آمار ایران) طی سال‌های اخیر



نمودار ۳: روند شاخص کل اقتصاد با رشد محصول ناخالص داخلی (مرکز آمار ایران) طی سال‌های اخیر



می‌دهد بنگاه‌ها نه تنها تمایلی به جذب نیروی جدید ندارند، بلکه احتمالاً در حال تعدیل یا جایگزینی محدود نیروها هستند. تداوم این روند می‌تواند به افزایش فشار بر بازار کار و کاهش درآمد خانوارها منجر شود. در مقابل، شاخص قیمت مواد اولیه و لوازم خریداری شده به بالاترین سطح ۴۴ ماهه از خرداد ۱۴۰۱ رسیده است. این جهش هزینه‌ای در حالی رخ می‌دهد که سمت تقاضا در رکود قرار دارد. ترکیب رکود در فروش و افزایش هزینه نهاده‌ها، حاشیه سود بنگاه‌ها را

اشتغال در مسیر انقباض، هزینه‌ها در اوج
شاخص میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی در دی‌ماه به کمترین سطح سه‌ماهه رسیده و برای هشتمین ماه متوالی زیر ۵۰ قرار گرفته است. این موضوع نشان

جدول ۴: شاخص مدیران خرید (شاخص) زیربخش‌های صنعت، تعدیل فصلی شده، دی ۱۴۰۴

شاخص	صنایع غذایی	صنایع نساجی	پوشاک و چرم	چوب، کاغذ و مبلمان	صنایع فرآورده‌های نفت و گاز	صنایع شیمیایی	صنایع لاستیک و پلاستیک	صنایع کانی غیر فلزی	صنایع فلزی	ماشین‌سازی و لوازم خانگی	وسایل نقلیه و قطعات وابسته	سایر صنایع
شاخص کل فعالیت	۴۲٫۵	۴۴٫۷	۳۰٫۴	۵۶٫۱	۴۵٫۹	۳۷٫۱	۳۹٫۵	۵۴٫۷	۳۶٫۶	۴۲٫۵	۴۶٫۹	۳۷٫۱
مقدار تولید محصولات	۳۶٫۸	۵۰٫۲	۲۹٫۴	۶۶٫۸	۴۶٫۱	۳۱٫۱	۳۶٫۹	۵۰٫۸	۳۶٫۴	۴۰٫۶	۴۳٫۹	۲۵٫۵
میزان سفارشات جدید	۳۵٫۲	۴۵٫۷	۲۰٫۱	۵۰٫۴	۴۴٫۳	۳۳٫۷	۳۰٫۸	۵۴٫۲	۳۱٫۱	۳۷٫۵	۵۰٫۷	۴۵٫۲
سرعت انجام و تحویل سفارش	۵۰٫۶	۴۳٫۹	۴۴٫۱	۵۸٫۵	۵۲٫۵	۴۷٫۵	۴۵٫۸	۶۰٫۵	۴۲٫۴	۴۳٫۹	۴۶٫۶	۳۶٫۵
موجودی مواد اولیه	۴۶٫۴	۲۵٫۰	۲۰٫۶	۵۶٫۸	۳۶٫۷	۳۴٫۴	۴۱٫۳	۵۰٫۰	۳۷٫۸	۴۰٫۱	۳۶٫۸	۳۳٫۳
میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی	۵۲٫۴	۴۶٫۷	۴۱٫۶	۴۹٫۳	۴۷٫۵	۴۳٫۳	۵۰٫۰	۵۸٫۳	۴۰٫۱	۵۲٫۴	۵۰٫۰	۴۱٫۷
قیمت خرید مواد اولیه	۷۹٫۸	۱۰۰٫۰	۹۴٫۱	۹۶٫۴	۹۰٫۰	۷۹٫۸	۸۳٫۳	۸۷٫۵	۷۵٫۲	۷۷٫۷	۸۹٫۷	۷۵٫۰
موجودی محصول نهایی در انبار	۴۵٫۶	۶۷٫۹	۵۰٫۰	۵۰٫۰	۴۶٫۷	۴۷٫۷	۵۰٫۰	۵۰٫۰	۴۸٫۰	۵۱٫۴	۴۱٫۴	۵۰٫۰
میزان صادرات کالا	۴۲٫۱	۴۱٫۹	۲۸٫۹	۴۸٫۱	۳۸٫۸	۴۵٫۱	۴۵٫۶	۴۷٫۱	۴۱٫۱	۴۴٫۸	۴۶٫۵	۴۱٫۷
قیمت محصولات تولیدشده	۸۲٫۴	۸۹٫۳	۸۵٫۳	۸۲٫۱	۸۶٫۷	۷۳٫۳	۸۷٫۵	۷۳٫۸	۶۲٫۱	۷۶٫۵	۶۹٫۰	۴۴٫۹
مصرف حامل‌های انرژی	۴۹٫۶	۴۶٫۲	۳۵٫۳	۶۴٫۴	۵۷٫۲	۴۳٫۵	۴۸٫۰	۵۱٫۸	۴۵٫۰	۵۶٫۴	۵۳٫۴	۷۵٫۰
میزان فروش محصولات	۳۳٫۵	۳۸٫۶	۲۴٫۹	۵۷٫۸	۴۳٫۸	۳۰٫۳	۳۴٫۵	۶۳٫۵	۲۹٫۲	۳۴٫۴	۴۱٫۳	۴۶٫۴
انتظارات تولید در ماه آینده	۴۷٫۳	۵۵٫۵	۱۹٫۹	۴۰٫۷	۳۷٫۴	۴۴٫۷	۴۸٫۱	۶۰٫۳	۳۴٫۸	۳۹٫۰	۴۶٫۸	۳۷٫۸

شامخ کل اقتصاد در دی ماه به ۴۳٫۴ و در بخش صنعت به ۴۳ رسید. بر این اساس شامخ کل اقتصاد و بخش صنعت کشور در دی ماه سال جاری روندی کاهشی داشته و وضعیت رکودی را نشان می‌دهد

به شدت تحت فشار قرار می‌دهد و خطر تعطیلی یا کاهش ظرفیت تولید را افزایش می‌دهد.

صنعت در کف هفت‌ماهه، صادرات در سراسیمبی طولانی

در بخش صنعت، شامخ تعدیل شده در دی ماه کمترین مقدار هفت‌ماهه را ثبت کرده است. شاخص مقدار تولید محصولات، میزان سفارش‌های جدید و میزان فروش نیز همگی به پایین‌ترین سطح هفت‌ماهه خود رسیده‌اند. این هم‌زمانی افت در چند شاخص کلیدی صنعتی نشان می‌دهد رکود در این بخش عمق بیشتری یافته و محدود به یک مؤلفه خاص نیست. از سوی دیگر، شاخص میزان صادرات کالا کمترین مقدار هفت‌ماهه را ثبت کرده و برای پانزدهمین ماه متوالی روندی کاهشی داشته است. تداوم افت صادرات در بازه‌های بیش از یک سال، بیانگر محدودیت‌های ساختاری در تجارت خارجی و کاهش قدرت رقابتی بنگاه‌هاست. کاهش صادرات به معنای محدود شدن یکی از مهم‌ترین کانال‌های ارزآوری و رشد تولید صنعتی است.

شاخص قیمت محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده بیشترین مقدار ۳۳ ماهه خود را ثبت کرده و در بخش صنعت نیز شاخص قیمت فروش به بالاترین سطح طی ۸۸ دوره اجرای طرح از مهر ۱۳۹۷ تاکنون رسیده است. این افزایش قیمت فروش نشان می‌دهد بنگاه‌ها بخشی از رشد هزینه‌های خود را به مصرف‌کننده منتقل کرده‌اند؛ اقدامی که می‌تواند فشار تورمی را در سطح اقتصاد تقویت کند.

در مقابل، شاخص انتظارات تولید در ماه آینده کمترین مقدار خود را طی ۸۸ دوره اجرای طرح ثبت کرده است. این افت کم‌سابقه در انتظارات، حاکی از آن است که فعالان اقتصادی چشم‌انداز مثبتی برای بهبود شرایط در کوتاه‌مدت متصور نیستند. ترکیب افزایش قیمت‌ها با افت امید به آینده، تصویری از اقتصادی ارائه می‌دهد که هم‌زمان با رکود در تقاضا و فشار تورمی در عرضه مواجه است؛ وضعیتی که خروج از آن نیازمند اصلاحات جدی در سیاست‌های اقتصادی خواهد بود.

جمع‌بندی؛ رکودی که از هشدار آماری عبور کرده و به بحران سیاستی رسیده

در چنین فضایی، پرسش اصلی این است که چرا با وجود هشدارهای بی‌پایه‌نماگرهای پیش‌نگر، سیاست‌گذاری اقتصادی همچنان واکنشی و کوتاه‌مدت باقی مانده است؟ تداوم ۲۲ ماهه قرار گرفتن شامخ زیر مرز ۵۰، دیگر یک آمار ماهانه نیست، بلکه سندی از فرسایش ظرفیت تولید در نتیجه بی‌ثباتی متغیرهای کلان، نوسانات ارزی، ناطمینانی سیاستی و ضعف دسترسی بنگاه‌ها به تأمین مالی است. وقتی هزینه مواد اولیه به اوج ۴۴ ماهه می‌رسد اما تقاضا در کف‌های تاریخی قرار دارد، روشن است که سیاست‌های مهار تورم بدون توجه به سمت عرضه و تولید، عملاً فشار را بر حلقه نهایی زنجیره یعنی بنگاه‌ها متمرکز کرده است. ادامه این وضعیت می‌تواند به موجی از کوچک‌شدن اجباری بنگاه‌ها، تعلیق سرمایه‌گذاری‌های جدید و تشدید خروج سرمایه از بخش مولد منجر شود.

از سوی دیگر، افت ممتد صادرات و ثبت پایین‌ترین سطح انتظارات تولید طی کل دوره اجرای طرح شامخ، نشان می‌دهد مشکل صرفاً رکود داخلی نیست، بلکه اقتصاد با بحران اعتماد نیز مواجه است؛ بحرانی که ریشه در بی‌ثباتی تصمیمات، نبود افق روشن در سیاست خارجی و فقدان برنامه منسجم برای بازسازی تقاضا دارد. اگر سیاست‌گذار همچنان به مدیریت روزمره نوسانات بسنده کند و اصلاحات ساختاری در حوزه نظام بانکی، بودجه دولت و محیط کسب‌وکار را به تعویق بیندازد، رکود فعلی می‌تواند از مرحله فرسایشی عبور کرده و به رکود عمیق‌تری تبدیل شود که تبعات آن نه‌تنها در شاخص‌ها، بلکه در معیشت خانوارها و پایداری اشتغال نیز به‌وضوح نمایان خواهد شد.

اوج قیمت فروش، حسیض انتظارات تولید

PMI در برخی از کشورها در ژانویه ۲۰۲۶



لایحه بودجه ۱۴۰۵ دخل از ملت، خرج از دولت!؟

محمد هاشم صفار افق مشهد، دی ماه ۱۴۰۴
دفتر مطالعات و بررسی های اقتصادی

می بینند نه مبتنی بر علم است و نه عدالت. اما اگر بخواهیم به موضوع ماهیت و چرایی بودجه به صورت تخصصی ورود پیدا کنیم باید در ابتدا بپردازیم به قانون اساسی کشور، آنجایی که در مقدمه، قانون اساسی اقتصاد را وسیله و نه هدف عنوان می کند و وظیفه حکومت اسلامی را تهیه برنامه اقتصادی به منظور بروز خلاقیت های متفاوت انسانی و تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای آنها بر می شمرد.

همچنین قانون گذار به نیابت از ملت در اصل سوم به وظایف دولت اشاره دارد و در اصل ششم تمامی تصمیمات امور کشور را به طور مستقیم و غیر مستقیم به رای ملت و خواسته اکثریت آنها منوط می کند. حق، حقوق و قدرتی که ملت بارای و نظر خود به صورت اعتباری به دولت تفویض نموده است تا مطابق اصول آن، خواسته های ملت را برآورده سازد. بنابراین در ماهیت بودجه به معنای چارچوب دخل و خرج دولت، نظام و کشور این مخارج و مدیریت آنها بایستی منطبق با خواسته ملت باشد. و نمایندگان ملت در مجلس بازگو کنند و مطالبه گر خواسته های واقعی برآمده از جامعه باشند. بنابراین کلیت بودجه و مبنای کارکرد آن به صراحت در قانون اساسی تعبیه شده و خروج از این ضوابط عملاً نادیده گرفتن قانون اساسی و حقوق ملت است.

یکی از ایرادات عمد بر لایحه بودجه دولت در نظر نگرفتن بخشی از اصولی است که

مطابق روال آذرماه هر ساله اقتصاد ایران، این روزها شاهد ارائه لایحه بودجه سالیانه کشور به مجلس جهت بررسی، تصویب و در نهایت ثبت اسمی این موضوع می باشیم. اما به راستی بودجه دولت چه کارکردی باید داشته باشد؟

اقتصاد ایران علی رغم تلاشها و تحولات چشمگیر انجام شده طی سالهای اخیر، هنوز با مسائل و مشکلات فراوان مواجه است. انفجار جمعیت، بیکاری گسترده، توزیع نامتعادل درآمد، عدم به کارگیری بهینه منابع بالفعل و بالقوه کشور و نهایتاً تصمیم گیریهای مقطعی، کوتاه مدت و نبود استراتژی جامع توسعه در کشور.

پر واضح است که بودجه های سالیانه در کنار برنامه های توسعه میان مدت و بلند مدت ابزارهایی هستند که می توانند می باید جهت دهنده و تسریع کننده حرکت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور باشند. از اینرو لازم است همواره بودجه های سالیانه برش های مشخصی از روش های حصول به بخشی از اهداف برنامه های توسعه و پیشرفت باشند.

اگرچه همواره کارشناسان از کاهش وابستگی دولت به نفت استقبال کرده اند و خواسته اند تا ثروت نفت به عنوان یک ذخیره بین نسلی محفوظ بماند اما در این میان دست اندازی های متوالی و متداوم دولتها به این تفکر، مشکلات زیادی را ایجاد نموده است. از سوی دیگر آنچه در این میان آنچه فراموش شده است، این است که کاهش وابستگی به نفت به معنای فشار بیشتر بر اقتصاد کشور و جامعه در قالب مالیات نیست و نباید باشد. بلکه متناسب شدن مالیاتها و دریافت های دولت با حوزه عملکرد و اثر بخشی آن بر اقتصاد کشور و شرایط اقتصادی، اجتماعی کشور به خصوص در بخش تولید بایستی مبنای کار باشد.

به نظر می رسد اگرچه در تمامی برنامه های توسعه کارشناسان خواستار کوچکی دولت و چابک سازی و بهبود هوشمندی آن بوده اند اما حجم هزینه های دولت در ردیف های مختلف و ارگانها و نهادها نشان می دهد که این بدنه به شدت بزرگ، فرتوت و فاقد کارآمدی و بهره وری مناسب است. دولتی که با اخذ عمده اعتبارات و سپرده اهی بانکی در غالب فروش اوراق قرضه جایگزین بخش خصوصی شده و وظایف حاکمیتی خود را به شایسته گی نمایندگی نمی کند. بهره وری پایین بخشی دولتی یکی از مشکلات عمده در اقتصاد ایران است که به مانند چاه ویل بخش عمده درآمدهای نفتی و مالیاتی را به جای آنکه صرف توسعه و نوسازی جامعه نماید، به اتلاف بیهوده می کشد. باید اشاره کرد که دولت مقتدر با دولت بزرگ و دولتی که در اقتصاد دخالت می کند متفاوت است.

یکی از مطالبات امروز بخش خصوصی شفاف سازی نحوه هزینه کرد دولت در اقتصاد است. مدیریت هزینه های دولت بایستی مهمتر از بحث مدیریت درآمدهای آن باشد. همچنین درخواست رشد مالیاتی بر همه پایه های مالیاتی و گروه های درآمدی بدون آنکه بررسی شود چه گروههایی بر روی موج های تورمی شناور هستند و چه گروههایی در این موج ها صدمه

لازمه، شایسته و بایسته یک سیستم بودجه نویسی کارشناسانه است. این اصول عبارتند از:

- ۱- اصل سالانه بودن بودجه
 - ۲- اصل تقدم درآمد بر هزینه
 - ۳- اصل تعادل بودجه
 - ۴- اصل پیش بینی و تقدم
 - ۵- اصل وحدت بودجه
 - ۶- اصل تمرکز عایدات
 - ۷- اصل کاملیت یا جامعیت بودجه
 - ۸- اصل شمولیت یا تفصیل بودجه
 - ۹- اصل تخصیص و عدم تخصیص بودجه
 - ۱۰- اصل انعطاف پذیری
 - ۱۱- اصل تحدیدی بودن هزینه ها
 - ۱۲- اصل تخمینی بودن درآمدها
 - ۱۳- اصل تنظیم بودجه بر مبنای عملیات
 - ۱۴- اصل تفکیک هزینه های مستمر از غیرمستمر
- اما اگر بخواهیم به صورت کارشناسانه به تحلیل لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۴۰۵ پردازیم موارد ذیل قابل ذکر است.
- ۱- نبود ارتباط تنگاتنگ بین بودجه های سالیانه و برنامه های توسعه و پیشرفت، طرح های آمایش سرزمین، و موضوع توازن منطقه ای امکانات در مناطق کشور
 - ۲- حاکم نبودن اصول مدون علمی بر ماهیت بودجه های سالیانه کشور از جمله اصل تعادل بودجه، اصل وحدت بودجه، اصل تمرکز عایدات و اصل تنظیم بودجه بر مبنای اهداف و عملیات
 - ۳- تفوق تفکر مدیریت درآمدی بر بودجه به جای تفکر همزمان مدیریت درآمدها و مدیریت هزینه ها. وجود سازمانها و ارگانها نهادها و اختصاص ردیف هزینه ای برای فصلهایی که یا اهداف آنها منتقضی شده و یا آنکه اصولاً اهداف آنها انطباقی با نیازهای جامعه و حتی چارچوب های مدیریت دولت ندارد.
 - ۴- سرگردانی بودجه دولت در اختصاص ردیفهای متنوع برای اهداف مشخص و نهایتاً درگیر نمودن بخشهای زیادی از جامعه در اهدافی که می توانند با هم همپوشانی داشته باشند.
 - ۵- غیر واقعی بودن و نبود نگاه واقع بینانه

بر مبنای پارامترها و شاخص های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی بر بخشی از ردیف درآمدهای بودجه از جمله تامین مالیاتها، فروش اوراق قرضه و فروش شرکت های دولتی با توجه به شرایط رکود تورمی حاکم بر جامعه و کاهش قدرت نسبی توان درآمدی جامعه

- ۶- در نظر نداشتن اثرات تورمی حاکم بر سیاستهای بودجه و بر آورد نکردن تبعات تصمیم گیری ها از جمله افزایش دو درصدی نرخ مالیات بر ارزش افزوده، افزایش نرخ حاملهای انرژی، افزایش نرخ خدمات دولت و جریم های آن در بخش برق، آب و سوخت،
- ۷- بر آورد نکردن تبعات تصمیم گیری دولت در حذف نرخ ترجیحی ارز، و اثرات یکسان سازی نرخ ارز بر پایه پولی و گسترش تورمی
- ۸- شناسایی نشدن طبقات محروم جامعه به منظور پوشش آنها در مقابل سیاستهای تعدیل اقتصادی دولت

۹- افزایش فشار مالیاتی بر طبقات فعلی مالیاتی کشور بدون برنامه ریزی برای شناسایی و گسترش پایه های مالیاتی جدید و نبود برنامه برای حذف طبقات مالیاتی از جمله نهادها و بنیادهای اقتصادی وابسته به حاکمیت به خصوص بخشهایی که عملاً مسبب رقابت مخرب در فعالیتهای صرف اقتصادی و مالی می گردند.

۱۰- اختصاص اعتبار ۲۰ درصدی برای رشد حقوق و دستمزدهای بخش های مختلف کارمندان و کارگران در سازمانها و نهادها بدون در نظر گرفتن فشارهای تورمی حاکم بر جامعه طی سالهای اخیر و کاهش شدید قدرت خرید بدنه متوسط جامعه.

۱۱- عدول از اصل تمرکز عایدات و وحدت بودجه، و در نظر نداشتن موضوع تخصیص در اعطای فروش نفت به ارگانها و سازمانهای نظامی و انتظامی. در نظر نداشتن ایجاد رقابت مخرب بین ارگانها و سازمانها در فروش نفت و ایجاد لطمه به قدرت جانه زنی کشور در فروش ثروت ملی کشور.

۱۲- اختصاص بخشی از برنامه های وصول درآمد و عایدات از ناحیه اخذ جریمه از بخشهای مختلف از جمله اخذ جرائم از مصرف اضافه حاملهای انرژی، برق، آب و حتی اقدام نکردن به تهیه مجوزهای راهنمایی و رانندگی و غیره. فراهم کردن بستری ضد فرهنگی برای توجیح خلاف با اخذ جریمه.

۱۳- عدم اتخاذ سیاست هزینه هدف به منظور بهره برداری بخش ها و یا مناطق ضعیف کشور در امر سرمایه گذاری، به عنوان مثال اخذ مالیات بر خودروهای وارداتی و تخصیص آن در بهبود محیط زیست، اخذ حقوق دولتی معادن و اختصاص آن به هزینه در محل، اخذ مالیات بر مصرف سوخت و تخصیص آن به بهبود و تکمیل خطوط جاده ای و قص الهذا...

علی ایحال تجربه توسعه اقتصاد دو قرن اخیر نمایانگر این نکته است که توسعه اقتصادی با اتکاء بر عامل تصادفی بودن در زمینه نهادسازی و سازماندهی کل اقتصاد، قابل حصول نیست و این امر در گرو تدوین و بکارگیری بودجه ریزی منضبط، کارآمد و برنامه ریزی و استراتژی جامع توسعه است. بدیهی است در شرایطی که به واسطه مشکلات روزمره تصمیم گیری های اقتصادی اجباراً در افق زمانی کوتاه مدت و در جهت حل و فصل مشکلات روزمره شکل می گیرند نه تنها نتایج مورد انتظار از این تصمیم گیری ها به نتایج مطلوب منتهی نمی گردد بلکه با اهداف و آرمانهای بلند مدت اقتصاد ملی کشور نیز در تضاد قرار می گیرد. از اینرو نگاه به بودجه های سالیانه به عنوان برشی از برنامه های توسعه امری لازم الاجرا است. از سویی دیگر انطباق چارچوب های بودجه با اصول بودجه باید رعایت گردد و در نهایت بودجه می بایست نشان دهند نحوه تفکر و تعامل دولت با ملت و خواست های آنان بوده و در راستای بهرمندی جامعه تدوین و عملیاتی گردد. هر گونه هزینه ای که انطباقی با خواسته ملت نداشته باشد اصولاً قابل پذیرش نیست از اینرو مدیریت هزینه کرد دولت باید بر مدیریت نحوه تامین درآمدهای آن تقدم داشته باشد.



بازار کار در مدار نزولی؛ زنان بیشترین ضربه را خوردند

نرخ بیکاری در پاییز امسال با افزایش ۰.۶ واحد درصدی نسبت به فصل مشابه سال گذشته به ۷.۸ درصد رسید. همزمان نرخ مشارکت اقتصادی نیز با کاهش ۰.۵ واحد درصدی به ۴۰.۷ درصد افت کرده که بیانگر کاهش جمعیت فعال در بازار کار است. گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، در یک سال منتهی به پاییز، جمعیت شاغل ۱۲۶ هزار نفر افت کرده است. اما وضعیت بازار کار زنان نگران‌کننده‌تر است؛ در این فصل بیش از ۲۸۷ هزار شغل از دست رفته و نرخ بیکاری زنان با افزایش ۲.۳ واحد درصدی به ۱۶ درصد رسیده است.

۱۱۸ نفر کمتر است. این در حالی است که جمعیت در سن کار در همین مدت بیش از ۸۱۵ هزار نفر افزایش یافته است. افت شاخص‌های بازار کار عمدتاً ناشی از عدم پایداری وضعیت اقتصاد کلان بر اثر شوک‌های ناشی از جنگ ۱۲ روزه در تابستان، ناترازی در انرژی، قطعی اینترنت و شوک‌های ناشی از افزایش تنش‌های سیاسی و تحمیل شرایط نه جنگ و نه صلح به اقتصاد ایران بوده است.

در این میان، وضعیت زنان به مراتب نگران‌کننده‌تر است. نرخ بیکاری زنان با افزایش ۲.۳ واحد درصدی به ۱۶ درصد رسیده است که معادل افزایش بیکاری بیش از ۷۵ هزار نفر از جمعیت فعال زنان نسبت به پاییز سال گذشته است. افزون بر این، بیش از ۲۱۲ هزار نفر از زنان از جمعیت فعال خارج شده‌اند. به نظر می‌رسد در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی، شوک‌های بیرونی و کاهش فرصت‌های شغلی، زنان که معمولاً از امنیت شغلی کمتری برخوردارند، نخستین گروهی هستند که از بازار کار بیرون رانده می‌شوند.

مرکز آمار ایران تازه‌ترین نتایج طرح آمارگیری نیروی کار را برای پاییز سال ۱۴۰۴ منتشر کرده است که نشان می‌دهد بازار کار در این فصل با افت در شاخص‌های اصلی روبه‌رو بوده است. براساس این گزارش، نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر با افزایش ۰.۶ واحد درصدی نسبت به پاییز سال پیش از آن، به ۷.۸ درصد رسیده است. این افزایش اگرچه در ظاهر چندان بزرگ به نظر نمی‌رسد، اما وقتی در کنار سایر شاخص‌های بازار کار قرار می‌گیرد، تصویر نگران‌کننده‌تری ارائه می‌دهد.

با این حال برای تحلیل دقیق بازار کار، نباید تنها به نرخ بیکاری بسنده

کارشناسان افت شاخص‌های بازار کار را ناشی از بی‌ثباتی در محیط اقتصاد کلان می‌دانند؛ این بی‌ثباتی از یک سو تحت تاثیر شوک‌های ناشی از جنگ ۱۲ روزه و تشدید تنش‌های سیاسی، اقتصاد را در شرایطی مبهم و فرسایشی قرار داده و از سوی دیگر با قطعی‌های مکرر برق و اینترنت، فشار مضاعفی بر تولید و فعالیت‌های اقتصادی وارد کرده است.

نتایج تازه‌ترین طرح آمارگیری نیروی کار در پاییز ۱۴۰۴، تصویری نگران‌کننده از بازار کار ایران ترسیم می‌کند. براساس اعلام مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر با افزایش ۰.۶ واحد درصدی نسبت به پاییز سال گذشته، به ۷.۸ درصد رسیده است. نرخ مشارکت اقتصادی که نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به کل جمعیت در سن کار را نشان می‌دهد، در پاییز ۱۴۰۴ به ۴۰.۷ درصد رسیده؛ رقمی که نسبت به سال قبل ۰.۵ واحد درصد کاهش یافته است. کاهش این شاخص به معنای آن است که بخشی از جمعیت در سن کار، دیگر حتی در جست‌وجوی شغل هم نیستند.

وقتی افزایش نرخ بیکاری با کاهش نرخ مشارکت همراه می‌شود، نشان‌دهنده آن است که هم افراد بیشتری شغل خود را از دست داده‌اند و هم گروهی از جویندگان کار، از یافتن شغل مناسب ناامید شده و از بازار کار خارج شده‌اند. نسبت اشتغال نیز ۰.۷ واحد درصد کاهش یافته است. تعداد شاغلان به ۲۴ میلیون و ۸۵۷ هزار نفر رسیده که نسبت به پاییز سال قبل، ۱۲۶ هزار و

نسبت اشتغال زنان و میزان اشتغال جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر



واحد درصد کاهش یافته است. کاهش نرخ مشارکت به این معناست که بخشی از جمعیت در سن کار از بازار کار خارج شده‌اند. این خروج معمولاً زمانی رخ می‌دهد که افراد امید خود را برای یافتن شغل مناسب از دست می‌دهند و دیگر حتی در آمار بیکاران هم قرار نمی‌گیرند؛ زیرا جست‌وجوی فعالانه کار را متوقف کرده‌اند. افزایش نرخ بیکاری در کنار کاهش نرخ مشارکت، پیام روشنی دارد: در پاییز امسال هم افراد بیشتری شغل خود را از دست داده‌اند و هم گروهی از جویندگان کار، از یافتن شغل ناامید شده‌اند. به بیان دیگر، بازار کار نه تنها توانسته فرصت‌های شغلی جدید متناسب با نیاز جمعیت ایجاد کند، بلکه بخشی از ظرفیت پیشین خود را نیز از دست داده است.

شاخص دیگری که این وضعیت را تایید می‌کند، نسبت اشتغال است. نسبت اشتغال به درصدی از جمعیت در سن کار گفته می‌شود که دارای شغل هستند. در فصل پاییز ۱۴۰۴ این نسبت نسبت به فصل مشابه سال قبل ۰٫۷ واحد درصد کاهش یافته است. تعداد شاغلان در فصل پاییز سال جاری ۲۴ میلیون و ۸۵۷ هزار نفر ثبت شده که نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۱۲۶ هزار و ۸۱۸ نفر کاهش داشته است. این در حالی است که در همین بازه زمانی جمعیت در سن کار بیش از ۸۱۵ هزار نفر افزایش یافته است. این فاصله میان رشد جمعیت در سن کار و کاهش تعداد شاغلان نشان می‌دهد که اقتصاد نتوانسته متناسب با افزایش جمعیت، فرصت‌های شغلی ایجاد کند.

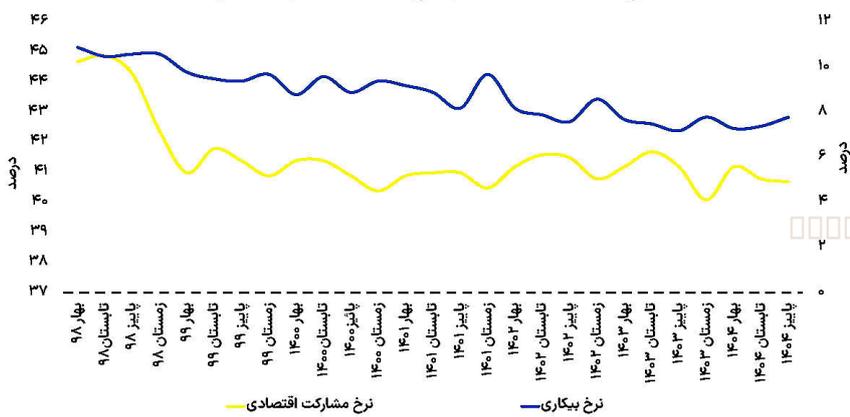
در جست‌وجوی دلایل افت در شاخص‌های کلان بازار کار، این وضعیت عمدتاً ناشی از بی‌ثباتی وضعیت اقتصاد کلان بوده است. اقتصاد ایران در ماه‌های گذشته با مجموعه‌ای از شوک‌ها روبه‌رو بوده است. جنگ ۱۲ روزه در تابستان، فضای نااطمینانی را تشدید کرد و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را با اختلال مواجه ساخت. ناترازی در انرژی و قطعی‌های مکرر برق و گاز، به‌ویژه در بخش تولید، باعث کاهش ظرفیت فعالیت‌ها شد. قطعی اینترنت نیز به کسب و کارهای آنلاین و خدمات وابسته به فضای مجازی آسیب وارد کرد و بخشی از مشاغل را موقتاً یا دائماً از بین برد.

از سوی دیگر، افزایش تنش‌های سیاسی و تحمیل شرایط «نه جنگ و نه صلح» به اقتصاد

نرخ بیکاری زنان با افزایش ۲٫۳ واحد درصدی به ۱۶ درصد رسیده است که معادل افزایش بیکاری بیش از ۷۵ هزار نفر از جمعیت فعال زنان نسبت به پاییز سال گذشته است. افزون بر این، بیش از ۲۱۲ هزار نفر از زنان از جمعیت فعال خارج شده‌اند. به نظر می‌رسد در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی، شوک‌های بیرونی و کاهش فرصت‌های شغلی، زنان که معمولاً از امنیت شغلی کمتری برخوردارند، نخستین گروهی هستند که از بازار کار بیرون رانده می‌شوند.

کرد. نرخ بیکاری زمانی معنا پیدا می‌کند که در کنار نرخ مشارکت اقتصادی بررسی شود. نرخ مشارکت اقتصادی نسبت جمعیت فعال، یعنی مجموع افراد شاغل و بیکار، به کل جمعیت در سن کار است. این شاخص نشان می‌دهد چه میزان از جمعیت در سن کار، عملاً وارد بازار کار شده‌اند؛ به این معنا که نسبت افراد شاغل و بیکار از جمعیت در سن کار را نشان می‌دهد. طبق اعلام مرکز آمار، نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در پاییز ۱۴۰۴ به ۴۰٫۷ درصد رسیده است؛ رقمی که نسبت به پاییز سال پیش ۰٫۵

نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری به صورت فصلی



نابرابری جنسیتی در بازار کار نیست، بلکه وضع اقتصادی خانواده‌ها را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ چراکه در سال‌های اخیر با افت کیفیت درآمد خانواده‌ها، درآمد زنان نیز به کمک خانواده‌ها آمده‌اند.

افت اشتغال در کشاورزی و صنعت؛ رشد در خدمات

گزارش چکیده طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، تصویری از جابه‌جایی‌ها در ترکیب اشتغال کشور در پاییز امسال ارائه می‌دهد. براساس این گزارش، در دو بخش اصلی اقتصاد یعنی کشاورزی و صنعت، تعداد شاغلان کاهش یافته است. در بخش کشاورزی بیش از ۵۶ هزار نفر و در بخش صنعت بیش از ۱۲۰ هزار نفر از تعداد شاغلان کم شده است. در مقابل، بخش خدمات با افزایش ۵۲ هزار نفری تعداد شاغلان همراه بوده است. با این حال، این رشد نیز توزیع متوازنی نداشته است. بیشترین افزایش اشتغال در بخش خدمات مربوط به مردان بوده و در سوی دیگر، زنان در همین بخش با کاهش بیش از ۱۶۱ هزار نفری اشتغال مواجه شده‌اند. به بیان دیگر، حتی در بخشی که به‌طور کلی رشد اشتغال داشته، وضعیت برای زنان منفی بوده است.

همزمان با افزایش عدم قطعیت‌های اقتصادی در فصل پاییز، کیفیت مشاغل نیز افت کرده است. سهم اشتغال ناقص به ۷٫۹ درصد رسیده که نسبت به پاییز قبل از آن ۰٫۵ واحد درصد افزایش یافته است. اشتغال ناقص به معنای آن است که افراد کمتر از ساعت کاری معمول (کمتر از ۴۴ ساعت در هفته) کار می‌کنند و تمایل و آمادگی برای کار بیشتر دارند؛ اما به دلایلی نتوانسته‌اند به میزان کافی کار کنند؛ این موضوع نشان‌دهنده شکننده‌تر شدن وضعیت بازار کار است.

آمارها همچنین نشان می‌دهد افراد با تحصیلات پایین‌تر آسیب بیشتری از افزایش بیکاری دیده‌اند و به نظر می‌رسد موج شوک‌های اقتصادی بیش از همه به این گروه اصابت کرده است. در مقابل، سهم جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل شاغلان در پاییز ۱۴۰۴ به ۲۷٫۷ درصد رسیده که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۰٫۸ واحد درصد افزایش یافته است که نشان از تغییر ترکیب اشتغال به نفع نیروهای تحصیل کرده‌تر دارد. در بررسی وضعیت اشتغال در سطح استان‌ها، خوزستان، گلستان و سیستان و بلوچستان به ترتیب با ۱۲، ۱۱٫۵ و ۱۱٫۲ درصد بیشترین نرخ‌های بیکاری و استان‌های خراسان جنوبی، مرکزی و آذربایجان غربی به ترتیب با ۳٫۷، ۵٫۲ و ۵٫۶ درصد کمترین نرخ بیکاری را در فصل پاییز ۱۴۰۴ نسبت به فصل مشابه سال قبل ثبت کرده‌اند. /دنیای اقتصاد

ایران، فضای سرمایه‌گذاری را تضعیف کرده است. در چنین شرایطی، بنگاه‌ها تمایل کمتری به توسعه فعالیت، استخدام نیروی جدید یا حتی حفظ نیروی کار قبلی دارند. به این طرق نااطمینانی اقتصادی اثر خود را در بازار کار نشان می‌دهد؛ جایی که کارفرمایان برای کاهش ریسک، هزینه‌های نیروی انسانی را تعدیل می‌کنند. مجموع این عوامل سبب شده است پاییز ۱۴۰۴ برای بازار کار فصلی سخت باشد؛ فصلی که در آن هم نرخ بیکاری افزایش یافته، هم نرخ مشارکت کاهش پیدا کرده و هم تعداد شاغلان کمتر شده است. این ارقام نشان می‌دهد بهبود بازار کار بدون بازگشت ثبات به اقتصاد کلان و کاهش شوک‌های بیرونی، دشوار خواهد بود.

جای خالی زنان در بازار کار

آمارها حکایت از شرایط دشوارتر زنان در بازار کار دارد: بیش از ۲۱۲ هزار نفر از زنان از جمعیت فعال خارج شده‌اند. خروج از جمعیت فعال به این معناست که این افراد یا بیکار شده‌اند یا به جمعیت غیرفعال پیوسته‌اند و از جست‌وجوی شغل دست کشیده‌اند. دلیل افت عمیق‌تر شاخص‌های مربوط به زنان را باید در ساختار شکننده‌تر اشتغال آنها جست‌وجو کرد. در زمان بروز شوک‌های خارجی به اقتصاد، مانند تنش‌های سیاسی، رکود یا اختلال در فعالیت بنگاه‌ها، کارفرمایان معمولاً ابتدا سراغ تعدیل نیروهایی می‌روند که از امنیت شغلی کمتری برخوردارند. در بسیاری از موارد، زنان در مشاغل موقت، قراردادی یا پاره‌وقت فعالیت دارند و همین موضوع باعث می‌شود اولین ضربه‌ها متوجه آنها شود.

همچنین در شرایط نااطمینانی اقتصادی، برخی بنگاه‌ها ترجیح می‌دهند ظرفیت فعالیت خود را کاهش دهند و فرصت‌های شغلی جدید ایجاد نکنند؛ وضعیتی که به‌طور نامتناسبی به زیان زنان تمام می‌شود. به همین دلیل، هر موج بی‌ثباتی اقتصادی، بیش از دیگران بازار کار زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و آسیب‌پذیری این گروه را افزایش می‌دهد. با این حال کاهش مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی تنها به معنای افزایش

تداوم افت ارزش صادرات

درصد افزایش را نشان می‌دهد. این گزارش می‌افزاید در این مدت مقدار ۱۳۰ میلیون و ۳۶ هزار تن انواع کالا به ارزش ۴۵ میلیارد و ۱۵ میلیون دلار به کشورهای مختلف صادر شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزن ۱.۴۴ درصد افزایش و از نظر ارزش ۶.۳ درصد کاهش داشته است. بر اساس این گزارش، در ۱۰ ماه سال جاری مقدار ۳۳ میلیون و ۱۷۷ هزار تن کالا به ارزش ۴۹ میلیارد و ۱۰۷ میلیون دلار وارد کشور شده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزن ۴.۶ درصد افزایش و از نظر ارزش ۱۵.۶ درصد کاهش یافته است.

سنگ‌اندازی در مسیر صادرات

ندیر پورجم، نایب‌رئیس کمیسیون گمرک اتاق بازرگانی ایران، درباره عوامل موثر بر توقف رشد ارزش صادراتی ایران طی ماه‌های اخیر در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» توضیح داد: یکی از دلایل اصلی این وضعیت سخت‌گیری در بازگرداندن ارز حاصل از صادرات است. پیش‌تر صادرکنندگان با بازگرداندن ۶۰ درصد از ارز خود قادر به تمدید کارت‌های بازرگانی و ادامه فعالیت‌های تجاری بودند، اما این میزان اکنون به ۷۰ درصد افزایش یافته است. علاوه بر این، سقف صادراتی کارت‌های بازرگانی به ۱۰۰ هزار دلار کاهش یافته و حتی در بازه‌ای صادرات با این سقف متوقف شد. در همان مقطع اعلام شد که صادرات با سقف ۱۰۰ هزار دلار تنها با ارائه ضمانت‌نامه ممکن است. این تصمیم اعتراض صادرکنندگان را در پی داشت و نهایتاً سقف صادراتی ۱۰۰ هزار دلار تا ۳۰ دی ماه تمدید شد. از سوی دیگر، برای کارت‌های صادرشده از ۲۳ آذرماه سال جاری، امکان صادرات تنها از طریق ضمانت‌نامه فراهم شد. سازمان توسعه تجارت نیز فرمولی پیچیده برای این ضمانت‌نامه‌ها معرفی کرد که این پیچیدگی باعث شده صادرکنندگان، به ویژه صادرکنندگان خرد، در عمل از صادرات خودداری کنند.

او درباره وضعیت صادرکنندگان کلان کشور و تولیدکنندگان عنوان کرد: صادرات کلان کشور به‌ویژه در حوزه‌های پتروشیمی و فولاد با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و مقررات جدید مواجه شده است. از جمله این مقررات می‌توان به الزام بازگشت ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات و وضع ۱۵ درصد عوارض صادراتی اشاره کرد. از طرفی، برای واحدهای تولیدی هم سقف صادراتی تعیین شده است. به‌عنوان نمونه، یک شرکت تولیدکننده لبنیات تنها قادر است به یک میزان مشخصی کالا صادر کند، در حالی که ممکن است ظرفیت واقعی صادرات آن شرکت از سقف تعیین شده بیشتر باشد. محدودیت‌های مربوط به کارت بازرگانی نیز مشکلاتی ایجاد کرده است، چراکه تولیدکنندگان ناچارند از کارت بازرگانی دیگران استفاده کنند و به دارنده آن کارت مبلغی پرداخت کنند. نتیجه این محدودیت‌ها، کاهش قابل توجه فعالیت‌های صادراتی و حتی توقف برخی از آنهاست.

این فعال بخش خصوصی درباره ادامه این روند در ماه‌های آینده پیش‌بینی کرد: اگر این شرایط ادامه پیدا کند، کسری تجاری هم روزه‌روز افزایش پیدا می‌کند. هرچند به دلیل وضع بخشنامه‌های مکرر از سوی دفتر مقررات صادرات و واردات، ریسک تجارت افزایش پیدا کرده است. بنابراین، سیر نزولی تراز تجاری کشور ادامه پیدا می‌کند. او تأکید کرد که باید سیاست‌های ارزی بانک مرکزی تغییر پیدا کند و از صدور بخشنامه‌های متعدد جلوگیری شود.

بررسی آمار تجارت خارجی کشور در ۱۰ ماه منتهی به پایان دی ماه سال جاری حکایت از روند نزولی تجارت از منظر وزنی و ارزشی در دی ماه امسال در قیاس با آذر دارد. چنانچه ارزش صادراتی کشور را از ابتدای امسال تاکنون مرور کنیم، این دومین مرتبه در طول ۱۰ ماه گذشته است که ارزش صادرات ماهانه کشور به کمتر از ۴ میلیارد دلار کاهش یافته است.

تداوم افت ارزش صادرات

در همین حال میزان صادرات ۱۰ ماهه کشور نسبت به مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزن ۱.۴۴ درصد افزایش و از نظر ارزش ۶.۳ درصد کاهش یافته است. تحریم و محدودیت‌های جدی پیش روی حضور محصولات ایرانی در بازار رقابت جهانی و همچنین تشدید تحریم‌های اعمال شده علیه اقتصاد ایران عملاً به کاهش ارزش صادرات کشور منتهی شده است. همزمان بی‌توجهی به توسعه تولید محصولات با ارزش افزوده بالا در کمبود جریان ورود سرمایه به کشور، قوانین و مقررات دست‌وپاگیر و حتی محل تجارت، فقدان تکنولوژی‌های نوین در شرایط تحریمی و... از مهم‌ترین دلایل تداوم روند کاهش صادرات طی سال‌های اخیر بوده و زنگ خطری برای اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود.

آمار صادرات و واردات

گمرک ایران در گزارشی آخرین وضعیت تجارت خارجی کشور را منتشر کرد. به گزارش روابط عمومی گمرک ایران، بر این اساس مجموع تجارت خارجی ایران در ۱۰ ماه سال جاری از حیث ارزش به ۹۴ میلیارد و ۱۲۳ میلیون دلار و از نظر وزن به ۱۶۳ میلیون و ۲۱۳ هزار تن رسید. بر اساس این گزارش، این میزان تجارت خارجی به لحاظ ارزش ۱۱.۳۶ درصد کاهش و از حیث وزن ۲

هشدار برای زمین

بحران آب زیرزمینی ایران

عنوان مقاله:

Assessing groundwater drought in Iran using GRACE data and machine learning

نویسندگان مقاله:



▲ Ali Kashani



▲ Hamid R. Safavi

وضعیت هشدار

۲۹

ساتی-متر میانگین کاهش سالانه سطح آب زیرزمینی در ایران (داده‌های ماهواره‌ای ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۳)

حوضه دریای خزر

حوضه آبریز با بیشترین کاهش

۱۱۰٪

نسبت برداشت از آب‌های زیرزمینی به منابع تجدیدپذیر در ایران

۴۰۵

دشت ممنوعه و بحرانی در سال ۱۴۰۰

(منبع: وزارت نیرو)

آثار فرونشست زمین

آسیب به زیرساخت‌ها

جاده‌ها، خطوط راه‌آهن، ساختمان‌ها، خطوط لوله و آثار تاریخی



شور شدن آب و خاک

کاهش کیفیت محصولات کشاورزی و تخریب اراضی



خشک شدن قنات‌ها و چشمه‌ها

نابودی میراث تاریخی و سیستم‌های آبیاری پایدار



تخریب زیست‌بوم‌ها

خشک شدن تالاب‌ها و جنگل‌های دشتی وابسته به آب زیرزمینی

(منبع: سازمان زمین‌شناسی)

۲۴

ساتی-متر در سال نرخ فرونشست در دشت تهران-ورامین

۳۶

ساتی-متر در سال نرخ فرونشست در دشت فسا-چهرم

۹۰٪

سهم بخش کشاورزی از مصرف آب در ایران

۴۵٪

راندان آبیاری در کشاورزی ایران

۲۵٪

میزان هدررفت آب در شبکه‌های توزیع شهری

منبع: شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور

سفر ایران

عامل اصلی فشار برداشتن

تاخیر آب

خشکی زیرزمینی ۸ ماه تاخیر خشکسالی آغاز می‌شود پایان می‌آید آبخاها ۳ سالها

ارتباط با

پدیده‌ها ال‌نینو و ن شمالی بر بارش آبخاها غیرمستقیم این یافته زود هنگام مفید



راه‌های پیش رو



مدیریت بر مبنای داده

استفاده از خروجی مدل‌های ترکیبی ماهواره و هوش مصنوعی



اصلاح الگوی کشت

حرکت به سمت کشت محصولات کم‌آبر و متناسب با اکوسیستم هر منطقه



افزایش بهره‌وری

نوسازی سیستم‌های آبیاری، ترمیم شبکه‌های فرسوده آب شهری



کنترل برداشت

نصب کنتورهای هوشمند بر چاه‌ها و اجرای جدی قوانین منع حفر چاه‌های غیرمجاز



تغذیه مصنوعی آبخوان‌ها

هدایت سیلاب‌ها و آب‌های مازاد به سفره‌های زیرزمینی

فناوری‌های نوین برای رصد بحران

روش سنتی (چاه‌های پیزومتری)، پرهزینه، با پوشش ناقص و داده‌های پراکنده است.

راه‌حل ماهواره‌ای: ماموریت GRACE و GRACE-FO

این ماهواره‌ها مانند یک ترازوی فضایی، تغییرات جرم آب در سطح زمین را اندازه می‌گیرند.

تقویت داده‌ها

با هوش مصنوعی: الگوریتم‌هایی مانند XGBoost ماهواره‌ای را با داده‌های بارش، دما و رطوبت خاک ترکیب می‌کنند.



استفاده از مدل‌های آماری مانند SARIMA برای ایجاد سری زمانی پیوسته و پیش‌بینی روندها

ایران رکورددار فرونشست در جهان است.



ایران شش حوضه اصلی و ۶۰٪ زیرحوضه دارد.

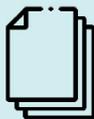
بحران آب

زیرزمینی ایران پدیده‌ای آهسته، پنهان و فاجعه‌بار است.



امروز با کمک

فناوری‌های نوین، تشخیص دقیق‌تر از همیشه ممکن شده است. گام بعدی، درمان قاطع و عاجل با اجرای سیاست‌های پایدار مدیریت آب است.



پایش ماهانه و یکپارچه تغییرات ذخیره کل آب در مقیاس بزرگ. تا تصویری دقیق‌تر در مقیاس حوضه یا آبخوان ارائه دهند. به این فرآیند ریزمقیاس‌سازی می‌گویند.



داده‌های آب زیرزمینی و نقاط انتخاب‌شده برای بررسی

سالیانه و تیرماه

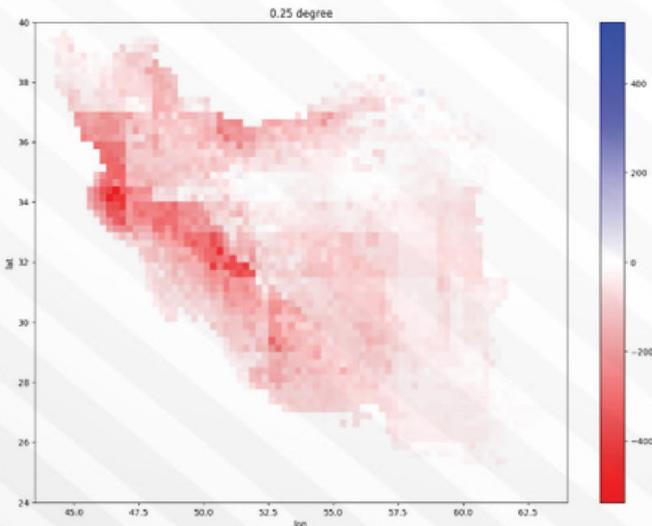


در پاسخ توان

سالیانه با حدود تیرماه پس از هواشناسی بود و دیرتر بیاید. احیای ما می‌تواند بول بکشد.

الگوهای جهانی

یابی مانند فوسان اطلس می‌توانند و تغذیه ی ایران اثر هم بگذارند. برای هشدار م خشکسالی است.



تغییرات اقلیمی و اثر آن بر مشارکت اقتصادی زنان



۶
میلیارد دلار
خسارت
سالانه
سیل ها

زنان
۷۳/۸۰٪
تجربه
خشکسالی
شدید
یا بسیار شدید
(۲۰۱۰-۲۰۱۹)
مردان
۸۹/۸۰٪



۱۴
درصد
نرخ
مشارکت
اقتصادی
زنان بالای
۱۵ سال
(پیش از
تشدید بحران
اقلیمی)

۳۷
میلیارد دلار
خسارت
سالانه
امواج گرمایی

**شکاف
درآمدی
ناشی از
اقلیم**



بر اساس گزارش های فائو
گرمایش جهانی درآمد خانوارهای
زن سرپرست را نسبت به
مرد سرپرست ها
با نرخ بیشتری کاهش می دهد.



اثرات بخشی بر اشتغال زنان

کشاورزی (روستایی)

- کاهش بهره‌وری و محصول
- از دست رفتن منبع اصلی درآمد زنان
- افزایش کار بدون مزد
- مهاجرت اجباری



خدمات (شهری)

- رکود اقتصادی
- افزایش بیکاری زنان
- گسترش مشاغل غیررسمی (دست‌فروشی، خدمتکاری)



صنعت (واحدهای کوچک)

- اختلال زنجیره تأمین
- افزایش هزینه تولید
- زنان در صف اول اخراج‌ها



توصیه‌های سیاستی

مشارکت زنان در تصمیم‌گیری

حضور مؤثر
در مدیریت
منابع طبیعی

اعتباردهی و آموزش هدفمند

وام خرد +
مهارت‌های
تاب‌آور اقلیمی

زیرساخت‌های کاهنده بار زمانی

دسترسی محلی
به آب آشامیدنی
سالم



حمایت اجتماعی حساس به جنسیت

کمک نقدی/
غذایی
به زنان
سرپرست خانوار

پیامد نهایی

تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های جنسیتی موجود در بازار کار ایران را تشدید می‌کند و زنان را به سمت فقر، اشتغال غیررسمی و ناامنی شغلی سوق می‌دهد.



آب و آینده

تبدیل این تهدید اجباری به فرصتی برای توسعه پایدار می‌پردازد.

وضعیت بارش در پاییز چنان نگران‌کننده بود که برخی معتقد هستند، تولیدات کشاورزی در سال آینده با بحران روبه‌رو می‌شود و در نتیجه بازار محصولات کشاورزی پرمصرف با یک تنش جدی اجتماعی درگیر خواهد شد. با توجه به تشدید بحران آب و تشدید تغییرات اقلیمی، کشاورزی ایران در آینده نزدیک چه مسیری را طی خواهد کرد؟ آیا امکان تداوم الگوهای کنونی کشاورزی وجود دارد یا کشور در آستانه یک دگرگونی ساختاری اجباری قرار گرفته است؟

آینده کشاورزی ایران نه با دولت محوری کامل و نه با بازار آزاد محض، بلکه از طریق یک مدل ترکیبی هوشمند شکل خواهد گرفت که در آن دولت، چهارچوب کلان (به‌ویژه در مدیریت آب و اقلیم) را تنظیم می‌کند و کشاورز به‌عنوان تصمیم‌گیر و بازیگر اصلی تولید عمل می‌کند. کشاورزی ایران در دهه آینده به ناچار به سمت کشاورزی کم‌آب، سازگار با اقلیم و دانش‌بنیان حرکت خواهد کرد. دلیل این امر، تغییرات غیرقابل انکار در بستر طبیعی کشور است. منابع آب تجدیدپذیر از ۱۳۰ میلیارد متر مکعب به حدود ۹۰ میلیارد متر مکعب کاهش یافته، خشکسالی‌های پایی به وضعیتی عادی تبدیل شده‌اند، پیش‌بینی می‌شود دمای کشور تا پایان قرن ۱/۵ تا ۳ درجه افزایش یابد و الگوهای بارش از نظر حجم و زمان‌بندی به شدت ناپایدار شده‌اند. بنابراین، حتی در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های جدید، خود طبیعت، کشاورزی را به سمت محصولات کم‌آب هدایت خواهد کرد.

در بحث الگوی کشت، یک دیدگاه معتقد است دولت باید سخت‌گیرانه هدایت کند و دیدگاهی دیگر می‌گوید بازار و کشاورز بهترین تصمیم‌گیر هستند. با توجه به وضعیت امروز آب و کشاورزی در ایران شما کدام رویکرد را واقع‌بینانه‌تر و کارآمدتر می‌دانید؟

تحلیل‌ها متفاوت است، اما دو روایت اکنون برای تحلیل شرایط موجود است که تنها بخشی از حقیقت را بیان می‌کنند؛ اما هیچ‌کدام پاسخ کاملی ارائه نمی‌دهند. یکی روایت «دولت‌هدایتگر» است و دیگری روایت بازار آزاد. بر اساس روایت دولت‌هدایتگر، دولت باید سقف برداشت آب را تعیین کند، الگوی کشت ملی و منطقه‌ای ارائه دهد، زیرساخت‌های ضروری مانند آبیاری نوین، نهاده‌ها، بیمه و زنجیره سرد را ایجاد کند و از حمایت پنهان (مانند یارانه آب) از کشت‌های پرآب خودداری کند. با این حال، اگر دولت بیش از حد مداخله‌گر شود، ممکن است واکنش طبیعی بازار را مختل کند، با مشکلات اجرایی مشابه تجربه دو دهه گذشته در الگوی کشت مواجه شود و کشاورزان را از انگیزه نوآوری دور کند. روایت «بازار آزاد» نیز مؤلفه‌های خود را دارد. این نگاه بر آزادی عمل کشاورز و تنظیم امور به وسیله مکانیسم قیمت‌ها تأکید دارد. اما بحران آب یک شکست بازار واضح است. قیمت آب بیانگر ارزش واقعی و کمیابی آن نیست. همچنین، بازار به تنهایی نمی‌تواند زیرساخت‌های کلان،

اگر کمی خوش‌بینانه به بحران آب، تغییرات اقلیمی و اثر آن بر تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی نظر کنیم، ایران در دهه آینده با یکی از سرنوشت‌سازترین چالش‌های تاریخ معاصر خود در بخش کشاورزی و امنیت آبی روبه‌رو خواهد بود. خوش‌بینانه از این نظر که در همین سال آبی جاری، کاهش شدید بارش در پاییز، این احتمال را برجسته کرده که تولیدات کشاورزی در سال آینده چگونگی عرصه اقتصاد و بسترهای اجتماعی و احیاناً سیاسی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. با تشدید تغییرات اقلیمی و کاهش بی‌سابقه منابع آب تجدیدپذیر، تداوم الگوی فعلی کشاورزی نه تنها ممکن نیست، بلکه به فاجعه‌ای اکولوژیک و اجتماعی خواهد انجامید. تجارت فردا در گفت‌وگو با مجتبی (دامون) آشنینه، رئیس گروه مدیریت مصرف، تقاضا و بهره‌وری آب در شرکت مدیریت منابع آب ایران، مسیرهای ممکن برای عبور از این بحران را بررسی کرده‌است. او تأکید می‌کند که نجات کشاورزی ایران نه در انحصارگری دولتی و نه در رهاسازی کامل بازار، بلکه در اجرای یک الگوی ترکیبی هوشمند نهفته است؛ الگویی که در آن دولت چهارچوب کلان و قواعد بازی را مبتنی بر ظرفیت واقعی آب هر حوضه تعیین می‌کند و در عین حال، با تسهیلگری و ایجاد زیرساخت، آزادی عمل و قدرت تصمیم‌گیری را به کشاورز بازمی‌گرداند. این مصاحبه به تحلیل تهدیدهای ادامه‌دار وضع موجود، اولویت‌های اصلاحی اجتناب‌ناپذیر و ترسیم مدلی عملیاتی برای

تحقیقات بلندمدت برای سازگاری با اقلیم یا حمایت از گذار کشاورزان را تامین کند. در نهایت مسیر پیش رو، گذار مدیریت شده و هوشمند به سمت کشاورزی پایدار است. این گذار نیازمند نقش آفرینی متناسب هر دو رکن است. دولت باید تنها به عنوان تسهیل گر و قاعده گذار در حیطه کلان منابع و امنیت غذایی، و کشاورز به عنوان مجری آگاه و نوآور در مزرعه عمل کند. این همکاری چهارچوب مند، کلید بقا و بازتعریف کشاورزی ایران در شرایط جدید اقلیمی خواهد بود.

با توجه به بحران آب و اقلیم، آیا کشاورزان باتجربه و بر اساس شناخت محلی خود، می توانند بدون سیاست گذاری دستوری به سمت کشت های کم آب و مقاوم حرکت کنند، یا مداخله ساختاری دولت اجتناب ناپذیر است؟

دانش محلی کشاورزان یک سرمایه ارزشمند است، اما تغییر اقلیم امروز آنقدر شدید و سیستماتیک شده که این حرکت خودجوش به تنهایی کافی نیست. همان طور که توضیح داده شد بازار آب در ایران عملاً اتفاق نیفتاده و قیمت آب واقعی نیست. بنابراین زیرساخت های لازم وجود ندارد که کشاورز به تنهایی بتواند بهترین بازدهی و عملکرد را داشته باشد. از این رو، مداخله دولت به رغم تبعاتی که دارد، اجتناب ناپذیر است. اما باید در نظر داشت که حضور دولت نباید به صورت دستوری باشد. بلکه نقش دولت باید حمایت گر و تسهیل کننده بماند، نه اینکه به طور دائم دستوردهنده باشد. دولت موظف است چهارچوب کلان را بسازد. انتشار داده های دقیق اقلیم و بازار، ارائه بیمه واقعی، یارانه دهی هدفمند به فناوری های نوین آبیاری، تنظیم هوشمند خرید تضمینی و صادرات و تقویت زنجیره ارزش (بسته بندی، سردخانه، بازاریابی). این بستر، انتخاب و نوآوری کشاورز را توانمند می کند. اگر این مدل ترکیبی اجرا شود، آیا آینده کشاورزی ایران بهتر خواهد شد؟ در این سناریو، کشاورزی ما به سمت محصولات با ارزش افزوده بالا و کم آب

مانند پسته، زعفران، گیاهان دارویی، محصولات گلخانه ای و دانه های روغنی می رود. آبیاری نوین تا پنج برابر گسترش یافته، بهره وری آب حداقل دو برابر می شود، در آمد کشاورزان بالا رفته و امنیت غذایی پایدار می ماند. در مقابل، تداوم وضع موجود به معنای تشدید بحران آب، حذف تدریجی کشت محصولات پر آب در بسیاری مناطق، افزایش مهاجرت و تهدید شدید امنیت غذایی است. راه نجات، پذیرش یک تغییر اجباری است. در شرایط ایران، نه دولت تمام دستوردهنده جواب می دهد و نه بازار کاملاً رها شده. فرمول واقع بینانه سیاست گذاری هوشمند آب، آزادی انتخاب محصول برای کشاورز است. این مدل ترکیبی، منعطف، علمی و پایدار است و بدون اجرای فوری آن، دهه آینده با ریسک های اکولوژیک و امنیتی بزرگی روبه رو خواهیم شد.

با فرض تداوم الگوهای فعلی کشاورزی در ایران که عمدتاً بر اساس عادت های مردم در مناطق محلی، توصیه های غیر علمی و سود کوتاه مدت شکل می گیرد، مهم ترین مخاطراتی که ایران در دهه آینده در حوزه های اکولوژیک، اقتصادی و امنیت غذایی با آن روبه رو خواهد شد، چیست؟

ادامه این روند، ایران را با بحرانی چندبعدی و تشدید شونده مواجه خواهد کرد که مهم ترین تهدیدات آن تهدیدات اکولوژیک است. اصلی ترین خطر، تخریب غیر قابل بازگشت پایه های طبیعی تولید در ایران است. ادامه برداشت بی رویه از آب های زیر زمینی، فرونشست دشت هارا شتاب بخشیده و ظرفیت ذخیره سازی آبخوان هارا برای نسل های آینده به شکلی جبران ناپذیر نابود می کند. این امر نه تنها کشاورزی، بلکه زیرساخت های حیاتی مانند جاده ها، خطوط ریلی و ساختمان هارا نیز تهدید می کند. از سوی دیگر تهدید های اقتصادی و اجتماعی نیز در ادامه چنین سیاستی است. کاهش تولید محصولات اساسی به دلیل تنش آبی، باعث از بین رفتن کشاورزی در یک نگرش بزرگ تر و افزایش حجم بیکاری در این حوزه و لاقط در یک نگرش جزئی تر وابستگی غذایی و کاهش امنیت غذایی و عادت به واردات و در نتیجه تاثیر پذیرفتن از نوسان های قیمت جهانی و داخلی می شود. هزینه های تولید برای کشاورزان به دلیل افت منابع آب و خاک بالا رفته، موج ورشکستگی کشاورزان خرد و مهاجرت اجباری روستائیان تشدید می شود. این مهاجرت، فشار بر زیرساخت های شهری و امنیت اجتماعی را به شدت افزایش خواهد داد و سطح تنش های اجتماعی را در مناطق مختلف شهرها به خصوص حواشی شهرها بالا می برد.

برای اینکه کشاورزی ایران از بحران آب عبور کند، چه اصلاحاتی ضروری است؟ از فناوری های کم آب بر و داده محور گرفته تا تغییر در نظام مالکیت زمین، قیمت گذاری آب، بیمه، یا آموزش کشاورزان، اولویت ها از نگاه شما چیست؟

برای عبور پایدار از بحران آب، نیازمند تحولی نظام مند هستیم که بر پنج اصل کلیدی و به هم پیوسته استوار است. این اصلاحات باید به صورت یک بسته جامع و هماهنگ پیگیری شوند.

اول: تحول در حاکمیت و حکمرانی آب است که پایه همه اقدامات است. اساس کار، اجرای بی تعلق مدیریت مبتنی بر حوضه آبریز با محوریت تخصیص حجمی و پایش الکترونیک برداشت هاست. این به معنای تعریف سقف برداشت پایدار برای هر حوضه، نصب کنتور های هوشمند و ایجاد نظام پاسخگو برای ثبت برداشت است. در کنار آن، بازنگری در قیمت گذاری آب به سمت الگویی ضروری است که اصل «هر چه بیشتر برداشت کنی، باید گران تر بپردازی» را با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی و یارانه هدفمند برای کشاورزان خرد اجرا کند. بدون این چهارچوب حکمرانی شفاف و انضباط بخش، دیگر اقدامات تاثیر محدودی خواهند داشت.

دوم: جهش در بهره وری از طریق فناوری و زنجیره ارزش است. پس از استقرار چهارچوب حکمرانی، محور دوم، تسهیم ریسک و افزایش جذابیت اقتصادی تغییر است. این شامل



وزارتخانه‌های نیرو، جهاد کشاورزی و سازمان‌های محلی تحت مدیریت واحد حوضه‌ای یک ضرورت انکارناپذیر است. همچنین، بازنگری در قوانین مالکیت و بهره‌برداری از زمین برای تشویق قراردادهای بلندمدت اجاره و مدیریت، می‌تواند انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری در سیستم‌های پایدار آبیاری و بهبود خاک را ایجاد کند.

در نهایت اولویت نخست، استقرار حکمرانی قوی، مبتنی بر داده و غیر قابل دور زدن برای آب است. این اصل، سنگ بنایی است که امکان اثرگذاری واقعی سایر اقدامات، از فناوری‌های کم‌آب‌بر و مشوق‌های مالی تا آموزش، را فراهم می‌کند. بدون این پایه، سایر سرمایه‌گذاری‌ها صرفاً مصرف بیشتر آب را کارآمدتر کرده و بحران را ژرف‌تر خواهد کرد.

در نهایت، کدام الگوی سیاستی می‌تواند برای پایداری سرزمین و کشاورزی ایران و شرایط اقلیمی آن مناسب باشد؟ آیا می‌توان بین هدایت دولت و آزادی عمل کشاورز، تعادلی ایجاد کرد که هم منابع حفظ شود و هم انگیزه اقتصادی باقی بماند؟

مدل عملیاتی مطلوب برای ایران، یک چهارچوب حکمرانی آب با محوریت حوضه آبریز، توأم با ابزارهای بازارسازی هوشمند است. در این الگو، نقش‌ها به این شکل تفکیک می‌شود که دولت نه به عنوان متصدی مستقیم تولید، بلکه به عنوان ضابط و تضمین‌کننده قواعد پایه عمل می‌کند. وظیفه اصلی آن تعریف و اجرای سقف برداشت پایدار (تخصیص حجمی) برای هر حوضه، پایش دقیق برداشت‌ها و تعیین مناطق ممنوعه توسعه است. این چهارچوب، مرزهای اکولوژیک را تعیین می‌کند. درون این مرزهای ایمن، آزادی عمل و ابتکار به کشاورز و بخش خصوصی واگذار می‌شود. دولت با ابزارهای غیر دستوری،

طراحی بیمه چندریسکی محصولات سازگار با اقلیم برای پوشش مخاطرات تغییر الگوی کشت و ارائه تسهیلات کم‌بهره و لیزینگ برای مدرنیزاسیون مزرعه است. همزمان، دولت باید با سرمایه‌گذاری درزنجیره فرآوری، بسته‌بندی و بازارسازی برای محصولات کم‌آب‌بر (مانند گیاهان دارویی، دانه‌های روغنی و محصولات گلخانه‌ای)، تقاضا و سودآوری آنها را افزایش دهد تا انگیزه بازار به کمک انگیزه حکمرانی بیاید.

سوم: توانمندسازی با دانش و داده است. تحول بدون عامل انسانی ممکن نیست. ایجاد یک پلت‌فرم ملی یکپارچه داده‌های کشاورزی، اقلیمی و بازار که دسترسی بی‌معطلی کشاورز به پیش‌بینی‌های هواشناسی، قیمت‌های عمده‌فروشی و توصیه‌های آبیاری هوشمند را فراهم کند، زیربنای تصمیم‌گیری علمی است. این پلت‌فرم باید مکمل برنامه‌های ترویجی مشارکتی باشد که از طریق تشکل‌های کشاورزی و بخش خصوصی، دانش‌نوین را به زبان محلی و قابل اجرا منتقل می‌کنند. چهارم: اصلاحات نهادی برای پشتیبانی بلندمدت است. برای تداوم این مسیر، هماهنگی نهادی فرابخشی میان



تغییرات الگوی کشاورزی در کشورهای کم‌بارش

با آن مواجه هستند، برای سیاست‌گذاران در راستای طراحی استراتژی‌های متناسب که ظرفیت سازگاری محلی را ایجاد می‌کنند، ضروری است. برای نمونه، می‌توان به طرح‌های بذر سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) برای سورگوم (ذرت خوشه‌ای) و ارزن مرواریدی اشاره کرد. طرح‌های بذر OECD، با اعمال استانداردها و رویه‌های هماهنگ گواهی بذر، قصد دارند تجارت بین‌المللی بذرهای باکیفیت را تسهیل کنند. طرح‌های بذر با تسهیل توزیع بذر گونه‌های سازگار در سراسر جهان، نقش کلیدی در توزیع نوآوری‌های اصلاح نباتات از پرورش‌دهندگان به کشاورزان ایفا می‌کنند. بذرهای باکیفیت با کمک به کشاورزان در بهبود و تثبیت عملکرد محصولاتشان، می‌توانند به کاهش نیاز به افزایش مساحت زمین‌های کشاورزی کمک کنند. گونه‌های جدید همچنین با بهبود کارایی نهاده‌ها، فرصت‌های مهمی برای کاهش مصرف آب، کود و آفت‌کش‌ها ارائه می‌دهند.

ارزن مرواریدی محصولی بسیار مغذی و مقاوم در برابر آب‌وهواست که در مناطق خشک و نیمه‌خشک رشد می‌کند. می‌توان از آن همچون علوفه استفاده کرد، اما در آفریقا و آسیا به عنوان غلات اصلی اهمیت پیدا می‌کند. با توجه به اهمیت ارزن مرواریدی به عنوان یک محصول غذایی مهم و مقاومت استثنایی آن در برابر خشکسالی و دمای بالا، اعضای «طرح‌های بذر» در نشست سالانه ۲۰۲۳ خود در ترکیه، توافق کردند که یک طرح ویژه سورگوم و ارزن مرواریدی ایجاد کنند. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه با گنجاندن این دو گونه در این طرح ویژه و تسهیل صدور گواهینامه و تجارت آنها، در تلاش است تا پتانسیل محصولات مقاوم به خشکی را برای مقابله با چالش‌های امنیت غذایی و کاهش اثرات منفی تغییرات اقلیمی، بیشتر توسعه دهد. در این گزارش قصد داریم بررسی کنیم در کشورهایی که قبلاً بارش خوب بوده و بعد کم شده، چطور سیاست‌گذاری می‌کنند؟ چه کسی مسئول این است که کشاورزان چه بکارند و چه نکارند؟ آیا همه آزادند در زمین خود هر چه می‌خواهند بکارند؟

کام خشک زمین

کشاورزی به طور فزاینده‌ای تحت تاثیر تغییرات اقلیمی قرار دارد. طبق گزارش هیات بین‌دولتی تغییرات اقلیمی (IPCC)، دمای جهانی در دهه گذشته به طور متوسط ۱/۱ درجه سانتیگراد بالاتر از سطوح پیش از صنعتی شدن بوده و در هر دهه ۰/۲ درجه افزایش می‌یابد. کشاورزی از جمله بخش‌هایی است که بیشتر در معرض تغییرات ناشی از الگوهای آب‌وهوایی و رویدادهای شدید مانند خشکسالی و سیل قرار دارد. سازگاری با این محیط در حال تغییر برای مقابله با چالش سه‌گانه تامین غذا برای جمعیت روبه‌رشد،

تغییرات و نوسانات اقلیمی در سطح جهان به عنوان تهدید حیاتی برای امنیت غذایی شناخته می‌شود، به ویژه برای کشاورزان خرده‌پا که به شدت به کشاورزی حساس به آب‌وهوا وابسته هستند. در کشورهای در حال توسعه، کشاورزان خرده‌پا اغلب فاقد تاب‌آوری اقتصادی، زیرساخت‌ها و حمایت نهادی لازم برای مقابله با اثرات منفی تغییرات اقلیمی، مانند افزایش دما و تغییر الگوهای بارندگی هستند. این آسیب‌پذیری در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا، جایی که بهره‌وری کشاورزی ارتباط نزدیکی با الگوهای بارندگی طبیعی دارد و این بخش را به ویژه در معرض نوسانات اقلیمی قرار می‌دهد، برجسته‌تر است.

در مجموع، در مناطق نیمه‌خشک، بزرگ‌ترین تهدید برای کشاورزی، تغییرات اقلیمی است. دلیل این امر آن است که فعالیت‌های کشاورزی در این مناطق به شدت به بارندگی وابسته است و در نتیجه جوامع آنجا را به ویژه آسیب‌پذیر می‌کند. بنابراین، تکنیک‌های سازگاری پایدار یکی از راه‌های بقا در این شرایط است.

ماهیت سازگاری با تغییرات اقلیمی، مختص مکان است و به شدت تحت تاثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی منطقه‌ای و ظرفیت‌های نهادهای محلی برای ارائه پشتیبانی قرار دارد. بنابراین، دانش عمیق از درک کشاورزان از تغییرات اقلیمی و همچنین چالش‌هایی که آنها در سازگاری

تامین معیشت در سراسر زنجیره ارزش غذایی و افزایش پایداری بخش کشاورزی ضروری است.

تغییرات اقلیمی در حال حاضر تاثیرات قابل توجهی بر عملکرد و کیفیت محصولات کشاورزی داشته است. اگرچه عملکرد محصولات اساسی از سال ۱۹۶۰ به دلیل بهبود فناوری و شیوه‌های مدیریتی ۲/۵ تا ۳ برابر افزایش یافته، اما عملکرد جهانی محصولاتی مانند ذرت و سویا چهار تا شش درصد کمتر از آن چیزی است که در صورت نبود روندهای گرمایش می‌توانست باشد. رشد بهره‌وری این بخش نیز به طور قابل توجهی کاهش یافته است: از سال ۱۹۶۱، تغییرات اقلیمی، بهره‌وری کل عوامل تولید - معیاری برای سنجش میزان تولید از مقدار معینی نهاده - را حدود ۲۱ درصد کاهش داده است.

کشاورزی نیز با توجه به وابستگی ذاتی خود به محیط طبیعی، به ویژه در برابر شرایط نامساعد جوی آسیب‌پذیر است. در میان رویدادهایی که بیشترین آسیب را به تولید کشاورزی وارد می‌کنند، فراوانی خشکسالی تقریباً دو برابر شده است (هشت مورد در سال در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۱؛ در مقایسه با ۱۶ مورد در سال در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۱)، طوفان‌ها بیش از سه برابر شده‌اند (از ۲۹ مورد به ۱۰۳ مورد در سال) و سیل‌ها تقریباً شش برابر شده‌اند (از ۲۷ مورد به ۱۵۵ مورد در سال). هزینه اقتصادی بلایا از ۶۳/۱ تریلیون دلار در سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۸۰ به ۹۷/۲ تریلیون دلار در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۱۹ افزایش یافته است که ناشی از ترکیبی از عوامل از جمله افزایش فراوانی برخی از انواع رویدادها، افزایش میزان قرار گرفتن در معرض آنها و افزایش آسیب‌پذیری است. در حالی که خسارات اقتصادی به طور مطلق در کشورهای توسعه‌یافته بیشترین میزان را دارد، تاثیرات بلایای طبیعی به ویژه در کشورهای در حال توسعه مشهود است، جایی که آسیب‌پذیرترین افراد کمتر قادر به مقابله با اثرات آنها و بهبودی از آنها هستند.

از نظر منطقه‌ای، تغییرات اقلیمی اثرات

متفاوتی بر کشاورزی داشته است. اروپا با شروع زودتر فصل رشد و همچنین تغییرات گرمایش و بارندگی مواجه شده است. برآوردها نشان می‌دهد که این امر تاثیر مثبتی بر عملکرد ذرت و چغندر قند دارد، اما بر عملکرد گندم و جو تاثیر منفی می‌گذارد. تلفات محصول به دلیل خشکسالی و امواج گرما در اروپا در پنج دهه گذشته سه برابر شده است. در سال‌های اخیر، زمستان‌های سرد، باران‌های بیش از حد پاییز و بهار و خشکسالی‌های تابستانی با هم ترکیب شده‌اند تا عملکرد را از سطوح مورد انتظار بر اساس روندهای تاریخی کاهش دهند.

در آسیا، تغییرات اقلیمی با تغییر باران‌های موسمی، دماهای شدید و نوسانات اقیانوسی مرتبط بوده است. در زمینه تولید محصولات کشاورزی، تغییرات اقلیمی باعث تاخیر در برداشت محصول، کاهش عملکرد و کیفیت محصول، افزایش شیوع آفات و بیماری‌ها، توقف رشد دام و افزایش مرگ‌ومیر حیوانات شده است. تغییرات اقلیمی بر بزرگی، زمان‌بندی و الگوی رویدادهای ال‌نینو تاثیر می‌گذارد و تاثیرات نامطلوبی بر بهره‌وری کشاورزی و امنیت غذایی در کشورهای با درآمد متوسط و پایین در جنوب شرقی و جنوب آسیا دارد. این امر به ویژه برای تولید برنج که به شدت به بارندگی‌های موسمی وابسته است و با ال‌نینو قوی‌تر کاهش می‌یابد، برجسته است. براساس مطالعه‌ای که به تازگی انجام شده، ال‌نینو ۴/۱۳ درصد از مناطق برداشت برنج جهان، از جمله مناطق واقع در هند، ویتنام، فیلیپین، شمال شرقی چین و ژاپن را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد. استرالیا در دهه‌های اخیر تحت تاثیر تعدادی از رویدادهای خشکسالی، گرما و یخبندان قرار گرفته است که تاثیرات منفی شدیدی بر کشاورزی داشته‌اند. تخمین زده می‌شود که تلفات تولیدات کشاورزی شمال استرالیا به دلیل خشکسالی به طور متوسط ۱۹ درصد در هر سال باشد.

بیشتر مناطق فرعی آمریکای جنوبی افزایش شدت و فراوانی گرمای شدید و کاهش شدت سرما را تجربه کرده‌اند. مدت و شدت خشکسالی نیز با رویدادهایی مانند «خشکسالی بزرگ مرکزی شیلی» که طولانی‌ترین خشکسالی در منطقه در هزار سال گذشته است و خشکسالی چندساله در حوضه پارانا-لاپلاتا، شدیدترین خشکسالی از سال ۱۹۴۴، در حال افزایش است. در آمریکای جنوبی، به طور کلی، شرایط خشکسالی برداشت غلات را در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ نسبت به سال قبل ۶/۲ درصد کاهش داد. خشکسالی در ایالت زاکاتکاس مکزیک، برداشت لوبیا را در سال ۲۰۲۰ به پایین‌ترین سطح خود در ۲۰ سال گذشته رساند.

در این زمینه، نیاز به اقدامات سازگاری برای محدود کردن و پیش‌بینی اثرات تغییرات اقلیمی همواره در حال افزایش است. اگرچه برخی از نقاط بحرانی قبلاً پشت سر گذاشته شده‌اند یا نزدیک به عبور از آنها هستیم، اما گرم شدن بیش از ۱/۵ درجه سانتیگراد به احتمال زیاد باعث ایجاد نقاط بحرانی آب‌وهوایی می‌شود و به طور برگشت‌ناپذیری بر کشاورزی در مناطق خاص تاثیر می‌گذارد.

سازگاری در بخش کشاورزی ممکن است خودمختار یا برنامه‌ریزی شده باشد. سازگاری خودمختار به عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که بدون برنامه‌ریزی یا راهنمایی صریح و در پاسخ به تغییرات در محیط یا بازار انجام می‌شود. این شکل از سازگاری اغلب زمانی اتفاق می‌افتد که کشاورزان شیوه‌های خود را در پاسخ به تغییرات مشاهده‌شده در شرایط اقلیمی، مانند تغییر شیوه‌های مدیریت دام یا مزرعه، تغییر گونه‌ها، یا تغییر زمان کاشت، نگهداری و سایر فعالیت‌های کلیدی، تنظیم می‌کنند. در مقابل، سازگاری برنامه‌ریزی شده از یک فرآیند تصمیم‌گیری عمدی و سنجیده پیروی می‌کند. سازگاری‌های برنامه‌ریزی شده اغلب، اما نه همیشه، از سوی گروه‌هایی از بازیگران یا نهادهای عمومی در پیش‌بینی یا در پاسخ به یک تغییر انجام می‌شوند. نمونه‌هایی از آن شامل سرمایه‌گذاری در بذرها یا فناوری‌های مقاوم‌تر برای بهبود راندمان آبیاری است.

کشاورزان اغلب در بهترین موقعیت برای تعیین اقدامات سازگاری مورد نیاز برای کاهش



و فعال‌تر، با حمایت سیاست‌های عمومی، ضروری می‌نماید.

البته نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که برنامه‌ریزی برای استراتژی‌های سازگاری با عدم قطعیت زیادی همراه است و استراتژی‌های سازگاری می‌توانند شکست بخورند. در برخی شرایط، استراتژی‌ها ممکن است خودشان، در واقع آسیب‌پذیری در برابر تغییرات اقلیمی را افزایش دهند، پدیده‌ای که به عنوان ناسازگاری شناخته می‌شود. ناسازگاری به اقداماتی اشاره دارد که سبب افزایش خطر پیامدهای نامطلوب، افزایش آسیب‌پذیری یا کاهش رفاه در نتیجه تغییرات اقلیمی، در حال حاضر یا در آینده می‌شود. برای مثال، یارانه برای اقدامات آبیاری کارآمد ممکن است موجب استخراج بیشتر آب‌های زیرزمینی و کاشت محصولات پرمصرف‌تر آب شود و احتمال و میزان خسارات ناشی از خشکسالی آینده را افزایش دهد. حمایت دولت از شیوه‌ها یا فناوری‌های خاص که به طور کامل به نیازهای محلی پاسخ نمی‌دهند، می‌تواند انگیزه‌های مضر ایجاد کند یا به سادگی تکنیک‌های تولید موجود را تقویت کند و انگیزه‌های سازگاری مستقل را تضعیف کند. حتی سیاست‌های سازگاری با نیت خیر که امروزه اجرا می‌شوند، می‌توانند به دلیل عدم قطعیت در پیش‌بینی‌های اقلیمی، به محرک ناسازگاری در آینده تبدیل شوند. برای به حداقل رساندن خطر ناسازگاری، سیاست‌های «بدون پیشمندی» باید در اولویت قرار گیرند، در کنار سیاست‌های سازگاری که انعطاف‌پذیر و به طور مناسب در طیف وسیعی از سناریوهای اقلیمی، کارآمد هستند.

در حالی که سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی و اقلیمی، ابزارهای اصلی پیشرفت به سمت افزایش ظرفیت تاب‌آوری کشاورزی هستند، سیاست‌های آب نیز می‌توانند نقش مهمی در تقویت سازگاری با تغییرات اقلیمی، به‌ویژه در مناطقی که در معرض خطرات بالای آب هستند، ایفا کنند.

سیاست‌های آب به عنوان مکملی برای سیاست‌های کشاورزی و سرمایه‌گذاری‌ها برای سیستم‌های تولید کشاورزی مقاوم در برابر آب‌وهوا ضروری هستند. این سیاست‌ها، به ویژه شامل ترکیبی از رویکردهای اقتصادی نظارتی و جمعی برای مدیریت پایدار آب‌های زیرزمینی هستند، زیرا سفره‌های آب زیرزمینی همچنان بزرگ‌ترین مخزن آب در سطح جهان و منبع اصلی کشاورزی آبی در مناطق کلیدی تولید هستند. سیاست‌های آب همچنین شامل رژیم‌های تخصیص آب است که می‌تواند تقاضای آب و عرضه را بسته به تغییرات بارندگی متعادل کند.

خطرات آب در آینده برای کشاورزی در مکان‌های خاصی در هر کشور، قاره و در سطح جهان متمرکز است. بنابراین، این «نقاط حساس خطر آب» شایسته توجه و تلاش‌های بیشتر در سیاست‌گذاری هستند، زیرا به ویژه احتمال دارد بر تولید تأثیر بگذارند و ممکن است تأثیرات عمیقی بر بازار و امنیت غذایی داشته باشند.

خطر آب‌وهوا در مزارع خود هستند، به شرط اینکه منابع کافی، دسترسی به دانش و ظرفیت مالی و فنی برای سازگاری داشته باشند. در بسیاری از موارد، سازگاری در مزرعه بدون نیاز به مداخلات سیاستی یا به‌رغم سیاست‌هایی که مانع سازگاری می‌شوند، رخ می‌دهد، زیرا کشاورزان به تغییرات مشاهده‌شده یا پیش‌بینی‌شده در شرایط اقلیمی واکنش نشان می‌دهند. در این موارد، مزایای سازگاری به صورت محلی و مستقیم به وسیله کشاورزان به دست می‌آید. این به آن معناست که منافع شخصی، انگیزه کافی برای انجام اقدام‌های سازگاری است.

با این حال، حتی زمانی که منافع خصوصی وجود دارد، کشاورزان ممکن است به دلیل شکاف‌های اطلاعاتی، محدودیت‌های مالی یا انگیزه‌های ناهماهنگ، تصمیم به عدم مشارکت در اقدامات سازگاری با اقلیم بگیرند. در موارد دیگر، سازگاری با اقلیم به دلیل شکست بازار، اثرات جانبی و عدم تقارن اطلاعات یا در صورت نیاز به تحول اساسی‌تر، نمی‌تواند به طور کافی در مزرعه اجرا شود. IPCC پیش‌بینی می‌کند که به دلیل ظرفیت‌های سازگاری محدود و محرک‌های غیراقلیمی ترکیبی ناامنی غذایی، سازگاری خودمختار برای دستیابی به هدف توسعه پایدار سازمان ملل متحد مبنی بر پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار کافی نخواهد بود. بنابراین در اینجا، سازگاری برنامه‌ریزی‌شده

سازگاری، از گذشته تا حال

قرن‌هاست که مردم بومی در سراسر جهان روش‌هایی را برای سازگاری با خشکسالی ابداع کرده‌اند. جوامع بومی محصولات مقاوم در برابر خشکسالی را کشت کرده و نژادهای حیوانی را پرورش داده‌اند که به خشکسالی مقاوم‌تر هستند. برای مثال، همونگ‌ها در ویتنام انواع محصولاتی مانند برنج چسبناک تپه‌ای را توسعه داده‌اند که در برابر خشکسالی مقاوم‌تر هستند. مردم بومی همچنین راه‌هایی را برای مقابله با اثرات خشکسالی ایجاد کرده‌اند. برای نمونه، بومیان شمال غربی اقیانوس آرام در ایالات متحده، گیاهان کدو سبز را پرورش می‌دادند که به جلوگیری از آتش‌سوزی‌های مرتبط با خشکسالی کمک می‌کرد و از سدهای سگ آبی برای افزایش ذخیره آب در دوره‌های خشکسالی استفاده می‌کردند. بومیان میروونگ در استرالیا، علف‌های بومی را با الگوهای خاصی می‌سوزاندند تا از آتش‌سوزی بوته‌زارها در فصل خشک جلوگیری کنند.

کشاورزان نیز مدت‌هاست که بهترین راه را برای سازگاری با خشکسالی در نظر گرفته‌اند. آنها محصولاتی را انتخاب کرده‌اند که یا می‌توانند در طول خشکسالی به تولید خود ادامه دهند یا پس از پایان خشکسالی قادر به تولید مثل یا بازگشت به حالت اولیه باشند. وقتی این محصولات با دقت کاشته شوند، می‌توانند از خشکسالی جان سالم به در ببرند و نیازی به آبیاری اضافی ندارند. جوامع گله‌دار، که به عنوان عشایر چوپان شناخته می‌شوند نیز با اهلی کردن و نگهداری گله‌های حیوانات مقاوم به خشکسالی مانند شتر، گوسفند و بز، با خشکسالی سازگار شده‌اند. از آنجا که آنها می‌توانند گله‌های خود را به مراتع جدید منتقل کنند، می‌توانند از شرایط خشکسالی جان سالم به در ببرند. گله‌داران اغلب در مناطق مستعد خشکسالی موفق هستند، زیرا به برنامه‌ریزی و برداشت محصولات کشاورزی متکی نیستند. در عوض، اکثر غذای آنها از حیوانات گله‌شان به شکل

گوشت و شیر تامین می‌شود.

کشاورزان و گله‌داران از نظر تاریخی برای خشکسالی در مناطق خشک، مانند بیابان‌ها و مناطق کنار بیابان‌ها، آماده شده و از آن جان سالم به در برده‌اند. در مناطقی مانند مغولستان مرکزی، خشکسالی‌های زمستانی رایج هستند و زمانی رخ می‌دهند که برف کافی نمی‌بارد. این خشکسالی‌های زمستانی برای دامداران مشکلاتی ایجاد می‌کند، زیرا در بهار برف کافی برای آبیاری علف‌های جدید ذوب نمی‌شود، در نتیجه حیوانات گله غذای کافی برای خوردن ندارند. برای مقابله با خشکسالی‌های زمستانی، دامداران باید گله‌های خود را به مناطق دیگری از کشور که آب کافی دارند منتقل کنند. کشاورزانی که با همین وضعیت مواجه هستند باید آب را از جای دیگری بیاورند.

پژوهشگران کشاورزی در تلاش‌اند تا بهترین راه‌ها را برای سازگاری گیاهان و حیوانات با الگوهای در حال تغییر خشکسالی ناشی از تغییرات اقلیمی تعیین کنند. سازمان ملل متحد تخمین می‌زند که تا سال ۲۰۳۰ تقریباً نیمی از جمعیت جهان در مناطقی زندگی خواهند کرد که با کمبود جدی آب مواجه هستند. یکی از مناطقی که انتظار می‌رود تحت تاثیر این تغییرات قرار گیرد، کشورهای جنوب صحرای آفریقا است که تا سال ۲۰۳۰ ممکن است تا ۲۵۰ میلیون نفر با شرایط کمبود آب مواجه شوند. برای آماده شدن برای این تغییرات جمعیتی و اقلیمی، پژوهشگران کشاورزی در حال توسعه محصولات مقاوم به خشکی هستند که می‌توانند با شرایط خشکسالی سازگار شوند و در آن رشد کنند. بخش زیادی از این دانش از مطالعه جوامع بومی در سراسر جهان و روش‌هایی که آنها توسعه داده و قرن‌ها برای مقابله با خشکسالی استفاده کرده‌اند، به دست آمده است. برای مثال، برخی از پژوهشگران در حال بررسی مهندسی ژنتیک برای ایجاد گونه‌های گیاهی هستند که می‌توانند با سطوح پایین‌تر آب رشد و تولید مثل کنند. چنین تغییراتی در محصولات ذرت ایجاد شده و شامل اصلاح نژاد گیاهان ذرت برای داشتن ریشه‌های بلندتر است که می‌توانند به آب در اعماق زمین برسند. سایر محصولات طوری اصلاح شده‌اند که برگ‌هایی داشته باشند که در طول فتوسنتز آب کمتری از دست می‌دهند. دانشمندان امیدوارند با توسعه و پرورش محصولات مقاوم به خشکی، تامین غذای جهان را تضمین کرده و تقاضای آب را از طریق آبیاری کشاورزی کاهش دهند. نکته مهم در این تلاش، اطمینان از مقرون‌به‌صرفه بودن این محصولات جدید برای کشاورزان و مصرف‌کنندگان در کشورهای در حال توسعه است.

با استفاده از روشی که به عنوان «مدیریت مکمل محصولات» شناخته می‌شود، کشاورزان تشویق می‌شوند که چندین محصول را در کنار یکدیگر پرورش دهند تا هدر رفتن خاک به حداقل برسد و به بهترین شکل از آب موجود در یک منطقه استفاده شود، نه اینکه مجبور به آبیاری فضاهای بزرگ شوند. علاوه بر این، با رشد گیاهان در فاصله نزدیک‌تر، احتمال بیشتری وجود دارد که خاک در طول روز در سایه باقی بماند و در نتیجه آب کمتری در اثر تبخیر از دست می‌رود.

سیاست‌گذاران نیز وارد این بحث‌ها شده‌اند و برای تنظیم میزان دسترسی کشاورزان به آب، چگونگی ترویج کاشت محصولات مقاوم به خشکسالی و چگونگی حل اختلافات در زمانی که چندین ذی‌نفع خواستار استفاده از یک سفره آب مشترک هستند، تلاش می‌کنند. برای مثال، در جنوب کالیفرنیا، سیاست‌گذاران صاحبان خانه و طراحان فضای سبز را تشویق می‌کنند تا درختچه‌ها و علف‌های بومی را که با شرایط نیمه‌خشک آنجا سازگارتر هستند، بکارند تا نیاز صاحبان خانه به آبیاری چمن‌های خود را به حداقل برسانند.

در حالی که بسیاری از مناطق در سراسر جهان با شرایط خشکسالی روبه‌رو هستند، این پیشرفت‌های علمی و تغییرات عملی تضمین می‌کنند که محصولات کشاورزی هنوز زنده هستند و غذا تولید می‌کنند. بدون چنین پیشرفت‌هایی، بسیاری از محصولات کشاورزی در برابر تنش خشکسالی تسلیم می‌شدند و میزان تولید آنها به طور قابل توجهی کاهش



برای مثال، هند کشت برنج و نیشکر را در ایالت‌های دچار خشکسالی ممنوع می‌کند. یا استرالیا به جای محصولات پرآب‌بر، جو مقاوم به خشکی را ترویج می‌دهد. دولت‌ها زمانی واکنش نشان می‌دهند که منابع آب به شدت کاهش می‌یابد، امنیت غذایی ملی تهدید می‌شود و داده‌های هیدرولوژیک کاهش بارندگی بلندمدت را نشان می‌دهد.

۲- مقامات منطقه‌ای / محلی

این گروه‌ها سیاست‌ها را به سطح مزرعه منتقل می‌کنند. آنها اغلب به کشاورزان در مورد بارندگی مورد انتظار (پیش‌بینی فصلی) مشاوره می‌دهند؛ به آنها توصیه می‌کنند چه محصولاتی با خاک محلی و کاهش بارندگی سازگار هستند؛ قوانین آب‌های زیرزمینی را مدیریت می‌کنند؛ و گاهی اوقات محصولات پرآب‌بر را در مناطق کم‌آب ممنوع می‌کنند. برای نمونه، دولت‌های ایالتی در کنیا در طول خشکسالی ذرت را محدود و سورگوم را تشویق می‌کنند.

۳- خود کشاورزان

کشاورزان هنوز تصمیم‌نهایی کاشت را می‌گیرند، اما کاهش بارندگی به شدت انتخاب‌های آنها را شکل می‌دهد. آنها بر اساس موارد زیر تصمیم می‌گیرند:

- قیمت‌های بازار و سودآوری
- در دسترس بودن آبیاری
- مشوق‌های دولتی
- توصیه‌های مسئولان ترویج کشاورزی
- خطر از بین رفتن محصول

با کاهش بارندگی، کشاورزان تمایل دارند به موارد زیر روی آورند: محصولات مقاوم به خشکسالی (ارزن، جو، حبوبات، سورگوم) محصولات با دوره رشد کوتاه‌تر کشت مخلوط (برای کاهش ریسک)

شیوه‌های هوشمند اقلیمی (مالچ‌پاشی، آبیاری قطره‌ای) اما کشاورزان به تنهایی کار نمی‌کنند- آنها به شدت به سیستم‌های پشتیبانی متکی هستند.

۴- موسسه‌های هواشناسی و تحقیقاتی

این لایه به طرز باورنکردنی مهم شده است! آنها بارندگی را پیش‌بینی کرده، مناطق خشکسالی را شناسایی می‌کنند، گونه‌های بذر مقاوم

می‌یافت یا از بین می‌رفت. دانشمندان آب‌وهوا انتظار دارند که خشکسالی‌ها همچنان رخ دهند و ممکن است به دلیل تغییرات آب‌وهوایی، فراوانی آنها افزایش یابد. با این حال، با توسعه و اجرای محصولات مقاوم به خشکسالی، انسان‌ها قادر خواهند بود با محیط‌های در حال تغییر خود سازگار شوند.

بازیگر نهایی

در این بخش قصد داریم به این پرسش پاسخ دهیم که چه کسی تصمیم می‌گیرد هنگام کاهش بارندگی چه چیزی کاشته شود؟ وقتی کشوری با کاهش بارندگی مواجه می‌شود، تصمیمات مربوط به کاشت تحت تاثیر سه لایه اصلی و دو مورد دیگر قرار می‌گیرد:

۱- وزارتخانه‌های دولتی (سطح ملی)

دولت‌ها معمولاً تصمیمات کلی می‌گیرند- و در طول کاهش بارندگی، آنها حتی فعال‌تر می‌شوند. آنها معمولاً این کارها را انجام می‌دهند:

• تعیین اولویت‌های ملی محصولات کشاورزی (مثلاً کاهش محصولات پرآب‌بر مانند برنج؛ ترویج ارزن یا گونه‌های مقاوم به خشکی)

• صدور اطلاعیه از طریق وزارتخانه‌های کشاورزی

• تنظیم پارانه‌ها (مثلاً پارانه آبیاری قطره‌ای، بذرهای مقاوم به خشکی)

• محدود کردن برخی محصولات در مناطق به شدت کم‌آب



دولت هند آغاز شد. این پروژه عظیم سه هدف اصلی تحقیقات استراتژیک، نمایش فناوری و ظرفیت‌سازی را دنبال می‌کند. ارزیابی تأثیر تغییرات اقلیمی هم‌زمان با تدوین استراتژی‌های تطبیقی، رویکرد اصلی تحت تحقیقات استراتژیک در تمام بخش‌های کشاورزی، لبنیات و شیلات است.

فناوری‌های کشاورزی مقاوم در برابر آب‌وهوا که در حال تکامل هستند و تولید و بهره‌وری مزرعه را در کنار مدیریت مداوم منابع طبیعی و مصنوعی افزایش می‌دهند، بخش جدایی‌ناپذیری از کشاورزی پایدار را در عصر تغییرات اقلیمی تشکیل می‌دهند. چهار عنصر NICRA - مدیریت منابع طبیعی، بهبود سلامت خاک، تولید محصول و دام - با هدف خودکفایی کشاورزان طراحی شده‌اند.

اهداف این طرح عبارت‌اند از:

۱- افزایش تاب‌آوری کشاورزی هند شامل محصولات زراعی، دامی و شیلات در برابر تغییرات اقلیمی، از طریق توسعه و کاربرد فناوری‌های بهبود یافته تولید و مدیریت ریسک.
۲- نمایش بسته‌های فناوری خاص مکان در مزارع کشاورزان برای سازگاری با خطرات اقلیمی فعلی.

۳- افزایش ظرفیت دانشمندان و سایر ذی‌نفعان در تحقیقات کشاورزی مقاوم در برابر آب‌وهوا و کاربرد آن.

نیکرا همچنین با یک شبکه گسترده همکاری می‌کند: بسیاری از موسسه‌های تحقیقاتی، سایت‌های آزمایشی و واحدهای سطح مزرعه (برای مثال، کریشی ویگیان کِندراس (KVKS) در سراسر ایالت‌های هند. از نظر دامنه، نیکرا مدیریت منابع طبیعی، سلامت خاک، تولید محصولات کشاورزی، دام و شیلات را پوشش می‌دهد و هدف آن خوداتکایی بیشتر کشاورزان در مواجهه با تنش‌های اقلیمی است. از آنجا که NICRA در سطح ملی است و جنبه‌های بسیاری (محصولات زراعی، دام، منابع طبیعی، تنش‌های اقلیمی) را دربر می‌گیرد، به عنوان طرحی شاخص در تلاش‌های هند برای تاب‌آوری کشاورزی-اقلیمی در نظر گرفته می‌شود).

نیکرا با ترکیب پژوهش، فناوری، کار میدانی و ظرفیت‌سازی، نه تنها قصد دارد تأثیر آب‌وهوا را مطالعه کند، بلکه در تلاش است تا راه‌حل‌های عملی و مقیاس‌پذیری را به کشاورزان ارائه دهد. این کلید پیوند علم با تاب‌آوری در زمین است. همچنین، کار نیکرا (در مورد خاک، آب، مدیریت منابع طبیعی) با کشاورزی پایدار، حفاظت از منابع و زیست‌پذیری بلندمدت هم‌سوست - که همگی در دوران تغییرات اقلیمی، تنش‌های اکولوژیک و عدم قطعیت‌های زیست‌محیطی حیاتی هستند. /تجارت فردا

پی‌نوشت:

۱- سدی که سگ‌های آبی برای ایجاد آبیگری می‌سازند که از شکارچینی مانند کاپوت‌ها، گرگ‌ها و خرس‌ها محافظت می‌کند و غذای آنها را در زمستان نگه می‌دارد.

به خشکسالی را توسعه داده و مشاوره‌های علمی در مورد محصولات کشاورزی ارائه می‌دهند.

موسسه‌هایی مانند IMD (اداره هواشناسی هند)، NOAA (ایالات متحده)، CSIRO (استرالیا) و ICAR (هند) نقش بزرگی در شکل‌دهی به تصمیمات کاشت در مناطقی که بارندگی کاهش یافته است، ایفا می‌کنند.

۵- نیروهای بازار و تجارت کشاورزی

حتی در شرایط خشکسالی، بازار کشاورزان را به سمت محصولات سودآور یا قراردادی سوق می‌دهد.

آنها از طریق موارد زیر بر کاشت تأثیر می‌گذارند:

کشاورزی قراردادی (مثلاً تضمین بازخرید برخی از محصولات)

تعیین روند قیمت

ارائه بسته‌های نهاده (بذر، کود)

اما محدودیت‌های بارندگی اغلب بر نیروهای بازار غلبه می‌کنند.

در مجموع، وقتی بارندگی کاهش می‌یابد، هیچ بازیگر واحدی تصمیم نمی‌گیرد. این به یک سیستم هماهنگ تبدیل می‌شود؛ اما دولت‌ها و سازمان‌های علمی بیشترین نقش را در شکل‌دهی به مسیر دارند، در حالی که کشاورزان بر اساس ریسک، انتخاب نهایی را انجام می‌دهند.

نمونه هند

نوآوری‌های ملی در کشاورزی مقاوم در برابر آب‌وهوا (NICRA) در فوریه ۲۰۱۱ از سوی شورای تحقیقات کشاورزی هند (ICAR) با بودجه وزارت کشاورزی

DASANI

Trademark Regd.

آب آشامیدنی حاوی مواد معدنی
برای طعمی تازه و گوارا



شرکت تولیدی و صنعتی سامد



تولید کننده:

فرمالین

رزین اوره فرمالدئید (UF)

رزین ملامین فرمالدئید (MF)

فرم اوره (UFC)

چسب های پایه حلالی

چسب های پایه آبی

مشهد: ایلو متر ۲۷ بزرگراه قزوین
سندپول پستی: ۹۱۳۴۵-۴۵۶۶
تلفن: ۰۵۱۳۳۹۶۹۱۵۴۴۵
فکس: ۰۵۱۳۳۳۹۳۳۳۱۹
دفتر تهران: تلفن: ۰۲۱۳۸۸۷۴۴۳۵۵
۸۸۴۹۰۴۶۹، ۸۸۴۹۰۴۸۰
تلفن: ۰۲۱۳۸۸۷۹۵۳۹۵



www.samed.ir samed@samed.ir

چسب دَشِد
اتصال ناگسستنی در صنایع ایران